

# اکونامه

تحلیلی فرهنگی اجتماعی



مؤسسه فرهنگی اکو

ECO CULTURAL INSTITUTE  
Headquarters - Tehran



بنای یادبود استقلال عشق آباد - ترکمنستان

شماره ۰۷ - فروردین ماه ۱۴۰۵



# اکونامه

ماهنامه الکترونیک بازتاب رویدادهای فرهنگی و تعاملات منطقه‌ای حوزه اکو

سال دوم، شماره ۰۷ - فروردین ۱۴۰۵

# بام مشترک فرهنگ، نبض تمدن خاور زمین

مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)، قلب تپنده سازمان همکاری اقتصادی (ECO) است؛ جایی که اقتصاد به پژواک فرهنگ پیوند می‌خورد. این مؤسسه نه یک دیوار، بلکه پلی میان ده ملت کهن، بر فراز تاریخ، زبان، هنر و اندیشه می‌باشد.

در این بام مشترک، فرهنگ نه در مرزها محدود می‌شود و نه در زمان فرسوده؛ بلکه زنده و جاری است، و در گفت‌وگوی تمدن‌ها نفس می‌کشد. ما حافظان حافظ، راویان رودکی، و هم‌نفس با مولانا هستیم؛ در جغرافیایی که از کوه‌های آناتولی تا دشت‌های خراسان امتداد دارد.

مؤسسه فرهنگی اکو، با رسالت گسترش همدلی فرهنگی، بستری برای تبادل هنری، پژوهش‌های تاریخی، و خلق روایت‌های نو از میراث کهن فراهم می‌آورد. اینجا، فرهنگ نه گذشته‌ای دور، بلکه آینده‌ای مشترک است.

با کمال مسرت، انتشار ماهنامه اکونامه را به عنوان گامی نوین در راستای تقویت پیوندهای فرهنگی، هنری و فکری میان کشورهای عضو اکو اعلام می‌داریم. این نشریه، بستری پویا برای بازتاب غنای تمدنی و فرهنگی منطقه اکو فراهم می‌آورد و با هدف معرفی میراث مشترک، ترویج گفت‌وگو و هم‌افزایی میان ملت‌هایی که تاریخ، ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک دارند، طراحی شده است. مؤسسه فرهنگی اکو بر این باور است که شناخت متقابل، احترام به تنوع فرهنگی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، پایه‌های صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز و توسعه پایدار را استوار می‌سازد. اکونامه نه تنها رسانه‌ای برای انعکاس فعالیت‌ها، برنامه‌ها و ابتکارات مؤسسه فرهنگی اکو است، بلکه فضایی برای تعامل دوسویه با مخاطبان فرهیخته خود ایجاد می‌کند. ما از اندیشمندان، هنرمندان و دوستداران فرهنگ دعوت می‌کنیم تا با ارائه دیدگاه‌ها، تجربیات و پیشنهاد‌های خود، در غنابخشی به محتوای این نشریه و تقویت شبکه‌ای از هم‌اندیشان و خلاقان منطقه مشارکت فعال داشته باشند. این تعامل، به‌عنوان نیروی پیش‌برنده، به پیوند هرچه عمیق‌تر ملت‌های منطقه یاری می‌رساند.

این نشریه، با نگاهی به آینده، بستری برای گفت‌وگوهای سازنده و همکاری‌های پایدار فراهم می‌آورد تا از این رهگذر، شاهد شکوفایی فرهنگی و تقویت دوستی‌های دیرپا در منطقه اکو باشیم.

مؤسسه فرهنگی اکو، با تعهد به این چشم‌انداز، از همه شما دعوت می‌کند تا در این سفر فرهنگی همراه ما باشید و با مشارکت فعال خود، به غنای این حرکت جمعی بیفزایید. باشد که اکونامه به‌عنوان پلی میان قلب‌ها و اندیشه‌ها، نقشی ماندگار در تقویت همبستگی فرهنگی منطقه ایفا نماید.

**موسسه فرهنگی اکو**



-  ISLAMIC REPUBLIC OF AFGHANISTAN
-  REPUBLIC OF AZERBAIJAN
-  ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN
-  REPUBLIC OF KAZAKHSTAN
-  KYRGYZ REPUBLIC
-  ISLAMIC REPUBLIC OF PAKISTAN
-  REPUBLIC OF TAJIKISTAN
-  REPUBLIC OF TURKEY
-  TURKMENISTAN
-  REPUBLIC OF UZBEKISTAN

  
**ECO**  
 (ECONOMIC COOPERATION ORGANIZATION)  
**Map of ECO Member Countries Transit Railways**

The maps used for this purpose are provided by the respective member countries.

**LEGEND**

International Boundary	Existing Railway (1000 mm)	Proposed Railway (1000 mm)	High Speed
Coastal	Existing Railway (1000 mm)	Existing Railway (1000 mm)	High Speed
Province Center & Important Cities	Existing Railway (1000 mm)	Existing Railway (1000 mm)	High Speed
Railway Station	Existing Railway (1000 mm)	Existing Railway (1000 mm)	High Speed
Border Crossing Station	Existing Railway (1000 mm)	Existing Railway (1000 mm)	High Speed
Other Location	Existing Railway (1000 mm)	Existing Railway (1000 mm)	High Speed
Sea Port	Existing Railway (1000 mm)	Existing Railway (1000 mm)	High Speed

Scale: 1:4,000,000  
 1 Centimeter = 40 Kilometers

ECO Secretariat  
 No. 1, Gullu Alley, Baku, Azerbaijan, Baku  
 Tel: +994 2122811732, Fax: +994 2122811733, 22811734, 22811735  
 Web Site: www.eco.international.org, E-mail: registry@eco.international.org

This map does not indicate the projects which are under pre-feasibility study or under the survey and design work.

۳۴	قـرـقـیـزـسـتـان
۳۴	هنر «اِشْتِک‌دوزی»؛ مهندسیِ ابریشم بر لایه‌های چرم
۳۵	هنر «چی‌بافی»؛ دیوارِ گویا و معماریِ نی
۳۶	جنگل‌های گردوی «ارسلان‌باب»؛ بانک ژنتیکیِ باستان
۳۷	مکتب نساجی و چاپان‌دوزی «اوش»؛ میراثِ دره فرغانه
۳۷	سنگ‌نگاره‌های «سایمالو-تاش»؛ نیایشگاهِ ارتفاعات
۳۸	پـاـکـسـتـان
۳۸	هنر پاپت‌سازی و خیمه‌شب‌بازی سنتی لاهور
۳۸	تکنیک «جاندی»
۳۹	کاشی‌کاری مکتب «هاله»
۳۹	معماری و تزیینات «هوجرا» در مناطق قبایلی
۳۹	مجموعه صخره‌ای «تخت باهی»
۴۲	تـاـجـیـکـسـتـان
۴۲	هنر «چکان‌دوزی»؛ مهندسی رنگ و بخیه
۴۴	«تپه رستم»؛ شاهکار معماری خشتی
۴۴	هنر «کُندال‌سازی»؛ برجسته‌نگاری و تذهیب
۴۵	موسیقی «فَلک»؛ حماسه و عرفان در حنجره
۴۵	دژهای کوهستانی «درواز»؛ مهندسی دفاعی در ارتفاع
۴۶	تـرـکـمـنـسـتـان
۴۶	معماری صخره‌ای و فرسک‌های «دره ایهلارا»
۴۷	هنر «کاتیع»؛ مهندسی ظرافت در برش کاغذ
۴۸	نساجی «کوتنو»؛ پارچه شاهانه غازی‌آنتپ
۴۸	حصارهای «تئودوسیوس»؛ شاهکار مهندسی دفاعی قسطنطنیه
۴۹	هنر «تَل کاری»؛ ملیله‌کاری نقره در ماردین
۵۰	تـرـکـمـنـسـتـان
۵۰	نساجی «کِتنی»؛ ابریشم‌بافی بر دستگاه «تارا»
۵۰	مقبره سلطان‌سنجر؛ پیشگام گنبد‌های دوپوسته
۵۱	هنر گلدوزی «کِجبه»؛ نقش‌نگاریِ نمادین

۱۲	پیام همدردی و تأکید بر صیانت از میراث معنوی و انسانی در دوران بحران
۱۵	فصل اول
۱۵	معرفی میراث فرهنگی ملموس و ناملموس کشورهای عضو اکو
۱۶	افغانستان
۱۶	قصر دارالامان (کابل)
۱۶	جشنواره ادبی نارنج‌گل (ننگرهار)
۱۷	بالاحصار کابل
۱۸	محوطه صخره‌ای و نقاشی‌های دیواری بامیان
۱۹	هنر ساخت و موسیقی دمبوره
۲۰	جمه‌هوری آذربایجان
۲۰	قلعه شیندان؛ دژ استوار بر فراز مرزها
۲۱	گل‌فشان‌های قوبوستان؛ پدیده‌ای اساطیری در دل خاک
۲۲	قصر خوش‌بختی؛ شاهکار گوتیک در قلب باکو
۲۳	موسیقی «میخانه»؛ هنر بداهه و نبض فرهنگ عامه
۲۴	ایـرـان
۲۴	دانش سنتی لنج‌سازی و دریانوردی خلیج فارس
۲۴	بیابان لوت و کلوت‌های شهادت؛ موزه طبیعی
۲۵	قنات قصبه گناباد؛ عمیق‌ترین آبرسانی جهان
۲۵	هنر تراش سنگ‌های قیمتی و مخراج‌کاری مشهد
۲۶	جنگل‌های هیرکانی؛ فسیل‌های زنده ۳۵ میلیون ساله
۲۶	آیین پهلوانی و زورخانه‌ای؛ پیوند ورزش، موسیقی و اخلاق
۲۸	قـزاقـسـتـان
۲۸	معماری صخره‌ای مانگیستاو؛ نیایشگاه‌های پنهان در دل زمین
۲۹	مسجد زیرزمینی «بکت-آتا» (Beket-Ata)
۲۹	هنر کسیه دوزی؛ نقاشی با قلاب
۳۰	موسیقی «کوی» و افسانه دومبرا
۳۱	مجتمع باستانی «آکیتاش» معماری اسرارآمیز جاده ابریشم
۳۲	پناهگاه زیست‌کره «کُر‌گالژین»

مهندسی آب «کارز» ؛ شریان‌های پنهان قره‌قوم..... ۵۱

صنعت ساخت «دوتار ترکمنی»؛ آکوستیک و تراش چوب..... ۵۱

ازبکستان..... ۵۲

فناوری کاغذسازی «کونی‌گیل»؛ میراث ماندگار سمرقند..... ۵۲

مهندسی ستون‌های چوبی «خیوه»؛ معماری لرزه‌گیر خوارزم..... ۵۲

هنر «نبات‌تراشی» بخارا؛ مهندسی بلور در قنادی سنتی..... ۵۳

سردابه‌های صحرایی؛ مهندسی هیدرولیک ماوراءالنهر..... ۵۳

سفال‌گری مکتب «غجدوان»؛ تبلور رنگ‌های گرم..... ۵۳

معرفی کتـاب..... ۵۴

معرفی کتاب «اقبال در جهان معاصر فارسی»..... ۵۴

روز جهانی کتاب؛ فرصتی برای بازخوانی میراث مشترک فرهنگی در منطقه اکو..... ۵۶

شخصیت برجسته..... ۵۸

پیام مؤسسه فرهنگی اکو به مناسبت بزرگداشت عطار نیشابوری..... ۵۸

فصل دوم..... ۶۱

رویدادها و تازه‌های فرهنگی موسسه اکو..... ۶۱

پیام تسلیت و همدردی موسسه فرهنگی اکو در شهادت رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران..... ۶۲

پیام موسسه فرهنگی اکو و ابراز نگرانی عمیق در مورد تخریب مراکز آموزشی و فرهنگی در ایران..... ۶۳

پیام موسسه فرهنگی اکو در محکومیت تخریب میراث فرهنگی ایران..... ۶۳

اهمیت آثار باستانی و میراث فرهنگی در همگرایی کشورهای عضو اکو و پیامدهای تخریب آن..... ۶۴

دیپلماسی زبان؛ پیوند راهبردی ایران و ازبکستان در مدار همکاری‌های فرهنگی..... ۶۷

تحلیل حقوق بین‌الملل درباره میراث فرهنگی در جنگ‌ها و نقش سازمان‌های بین‌المللی..... ۶۸

فصل سوم..... ۷۱

ویژه‌نامه..... ۷۱

میراث ناملموس ترکمنستان؛ از سیاست‌گذاری دولتی تا راهبرد ثبت جهانی و نمادهای هویتی..... ۷۳

ویژه‌نامه ترکمنستان: تداوم تمدنی در اقلیم کویر..... ۷۷

آشنایی با زبان شینا (shina)..... ۸۱

فصل چهارم..... ۸۹

رویدادها، برنامه‌ها و اخبار فرهنگی..... ۸۹

منطقه اکو و مروری بر رویدادهای آتی..... ۸۹

چشم‌انداز نوین در مناسبات تهران-کابل؛ از همدلی میدانی تا شراکت راهبردی..... ۹۰

تحکیم همبستگی منطقه‌ای؛ سرخس به مثابه‌ی کانونِ دیپلماسی بشردوستانه..... ۹۰

پیوندِ جان‌های هم‌زبان؛ بازتابِ دیپلماسیِ ادبی در تهران و دوشنب..... ۹۱

دوست»؛ الگوی نوینِ دیپلماسیِ غیردولتی (پاکستان-ترکیه)..... ۹۲

احیایِ خردِ معماری؛ همکاریِ فنیِ ازبکستان و ترکمنستان در بخارا..... ۹۲

میراثِ در گذرِ زمان؛ گامِ بلندِ قزاقستان و قرقیزستان در دیجیتال‌سازی..... ۹۲

پاسداری از اصالت؛ روایتِ تاب‌آوریِ فرهنگی در افغانستان..... ۹۲

روایتِ مشترک؛ گامِ راهبردیِ ترکیه و آذربایجان در سینما..... ۹۳

هنر در خدمتِ بقا؛ جشنواره‌ی بین‌المللیِ لاهور و دیپلماسیِ محیط‌زیستی..... ۹۳

افغانستان- جشن‌های نوروز و عید در دیاسپورا؛..... ۹۴

جمهوری آذربایجان- رویدادهای هنری و جشن‌های نوروز در باکو..... ۹۴

ایران- آسیب گسترده به میراث فرهنگی در پی حملات نظامی..... ۹۴

قزاقستان- جشن‌های نوروز و برنامه‌های فرهنگی بهاری..... ۹۴

قرقیزستان- برگزاری جشنوارهٔ بین‌المللی فرانکوفونی..... ۹۵

پاکستان -رویدادهای فرهنگی و ادبی در آستانهٔ بهار..... ۹۵

تاجیکستان- میزبانی جشن‌های بین‌المللی نوروز و روز پایتخت..... ۹۵

ترکمنستان- برنامهٔ گستردهٔ رویدادهای فرهنگی اپریل ۲۰۲۶..... ۹۶

ترکیه- فصل پرونق جشنواره‌ها و رویدادهای هنری استانبول..... ۹۶

ازبکستان- حضور پررنگ در هفتهٔ طراحی میلان و جشنواره‌های هنری..... ۹۶

تقویم رویدادهای فرهنگی ماه آینده – کشورهای عضو اکو..... ۹۷

## پیام همدردی و تأکید بر صیانت از میراث معنوی و انسانی در دوران بحران

جامعه فرهنگی، هنری و ملت‌های شریف کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اكو)،

موسسه فرهنگی اكو (ECI) با قلبی آکنده از اندوه، وقوع حوادث تلخ و جانکاه ناشی از درگیری‌های اخیر در کشور میزبان، جمهوری اسلامی ایران، را عمیقاً موجب تأثر و نگرانی می‌داند. در این روزهای سخت، فقدان شخصیت‌های برجسته و رهبری فقید ایران، در کنار شهادت نیروهای غیور مدافع امنیت و جان باختن جمعی از شهروندان بی‌گناه، داغی است که بر دل همگان نشسته است. در این میان، خبر درگذشت دانش‌آموزان عزیز شهرستان میناب، فاجعه‌ای است که جامعه فرهنگی و آموزشی را عمیقاً سوگوار کرد؛ از دست دادن جوانانی که سرمایه‌های انسانی و امیدهای آینده بودند، ضایعه‌ای جان‌کاه است که اهمیت صیانت از سلامت و امنیت نسل آینده را بیش از پیش یادآوری می‌کند.

موسسه فرهنگی اكو در کنار این رنج انسانی، نسبت به آسیب‌های وارده به مراکز فرهنگی، فضاهای آموزشی و همچنین سایت‌های باستانی و تاریخی که هویت تمدنی این مرز و بوم را نمایندگی می‌کنند، عمیقاً ابراز نگرانی می‌کند. این اماکن نه فقط سازه‌هایی فیزیکی، بلکه شناسنامه تمدنی ملت‌ها و بخشی از میراث مشترک بشری هستند. در همین راستا، این موسسه با یادآوری تعهدات بین‌المللی مبنی بر ضرورت حفاظت از میراث فرهنگی در زمان درگیری‌های مسلحانه (از جمله اصول کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴)، تخریب یا آسیب به مراکز آموزشی و اماکن تاریخی را زخمی بر پیکره‌ی حافظه‌ی تاریخی منطقه می‌داند که ترمیم آن دشوار خواهد بود.

در روزهایی که سایه بحران بر زندگی مردم گسترده شده است، نخستین آسیب‌ها متوجه جان انسان‌ها، آرامش خانواده‌ها و پیوندهای فرهنگی میان ملت‌ها می‌شود. فقدان انسان‌های بی‌گناه، رنج کودکان و نوجوانان، و تهدید میراث فرهنگی و اجتماعی، ضایعاتی است که آثار آن فراتر از زمان وقوع حوادث، در حافظه جمعی ملت‌ها باقی می‌ماند.

موسسه فرهنگی اكو ضمن ابراز همدردی خالصانه با خانواده‌های داغدار، ملت شریف ایران و تمامی آسیب‌دیدگان این حوادث، باور دارد که فرهنگ، هنر و میراث مشترک انسانی، ارزشمندترین سرمایه‌ای است که حتی در سخت‌ترین روزهای بحران نیز باید از آن پاسداری شود.

فرهنگ، زبان مشترک ملت‌ها و پلی برای حفظ همبستگی، تفاهم و صلح پایدار است. در شرایطی که بحران، بنیان‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نقش نهادهای فرهنگی، هنرمندان، نویسندگان، اندیشمندان و فعالان اجتماعی در حفظ امید و ترویج گفت‌وگو، بیش از هر زمان دیگری اهمیت می‌یابد. موسسه فرهنگی اكو در راستای ترویج این گفت‌وگو و تقویت همبستگی منطقه‌ای، آمادگی خود را برای برگزاری «همایش مجازی همبستگی فرهنگی برای صلح در منطقه اكو» با حضور هنرمندان و اندیشمندان کشورهای عضو اعلام می‌دارد.

موسسه فرهنگی اكو بر ضرورت صیانت از میراث فرهنگی، حفاظت از نهادهای آموزشی، حمایت از نسل جوان و حفظ کرامت انسانی تأکید می‌ورزد و معتقد است که بازسازی واقعی پس از هر بحران، تنها با بازسازی اعتماد، امید و پیوندهای فرهنگی میان انسان‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.

امیدواریم با استقرار آرامش و ثبات پایدار، فرصتی برای التیام رنج‌ها، مرمت میراث آسیب‌دیده و گسترش تعاملات فرهنگی فراهم آید تا چراغ دوستی، مدارا و انسانیت در منطقه اكو همچنان روشن بماند.

# فصل اول

معرفی میراث فرهنگی ملموس و ناملموس کشورهای عضو اگو



### قصر دارالامان (کابل)

این بنا در اوایل دهه ۱۹۲۰ میلادی (۱۳۰۰ خورشیدی) در زمان سلطنت امان‌الله خان و توسط مهندسان آلمانی به سرپرستی «والتر هارتن» ساخته شد. قصر دارالامان که در فاصله هشت کیلومتری مرکز کابل قرار دارد، با سبک معماری نئوکلاسیک طراحی شده و دارای ۱۵۰ اتاق است. این ساختمان نماد گذار افغانستان از سنتی به مدرنیته و مرکز حکومتی جدیدی بود که قرار بود پایتخت اداری کشور باشد.

در طول دهه‌های جنگ، این قصر چندین بار طعمه حریق شد و به شدت آسیب دید، به طوری که سال‌ها به عنوان ویرانه‌ای نمادین از جنگ شناخته می‌شد. با این حال، در سال ۲۰۱۶ میلادی پروژه بازسازی بزرگ آن آغاز شد و در صدمین سالگرد استقلال افغانستان (۲۰۱۹) به طور کامل احیا گردید. امروزه این بنا نه تنها یک میراث معماری، بلکه نمادی از اراده ملی برای بازسازی و شکوه دوباره کابل به شمار می‌رود.

### جشنواره ادبی نارنج‌گل (ننگرهار)

مشاعره «نارنج‌گل» یکی از قدیمی‌ترین و رسمی‌ترین رویدادهای ادبی در شرق افغانستان است که قدمت برگزاری آن به بیش از ۶۰ سال پیش (دوره ظاهرشاه) بازمی‌گردد. این جشنواره هر ساله در اوایل فروردین‌ماه و با شگفتن شکوفه‌های درختان نارنج در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، برگزار می‌شود. این آیین که ریشه در پیوند عمیق مردم منطقه با طبیعت و شعر دارد، کانون تجمع شاعران، نویسندگان و فرهنگیان از سراسر افغانستان و حتی مناطق پشتون‌نشین پاکستان است.

در این رویداد، شاعران به خوانش سروده‌های خود با مضامین صلح، طبیعت، عشق و میهن‌پرستی می‌پردازند. نارنج‌گل فراتر از یک شب شعر، یک مجمع فرهنگی برای تقویت همبستگی ملی و حفظ زبان و ادبیات است. این آیین در فهرست میراث ناملموس ملی افغانستان ثبت شده و به عنوان یکی از نمادهای هویت فرهنگی شرق این کشور در سطح منطقه شناخته می‌شود.

### بالاحصار کابل

بالاحصار کابل دژی باستانی است که بر فراز تپه‌ای در جنوب شرقی کابل واقع شده و هسته اولیه شکل‌گیری این شهر تاریخی محسوب می‌شود. قدمت این دژ به قرن پنجم میلادی بازمی‌گردد و در طول تاریخ، مقر اصلی فرمانروایان کابل از کابل‌شاهیان و مغولان تا درانی‌ها بوده است. دیوار سنگی عظیم آن که از کوه شیردروازه عبور می‌کند، یکی از مستحکم‌ترین نمونه‌های معماری نظامی در مسیر جاده ابریشم بوده است.

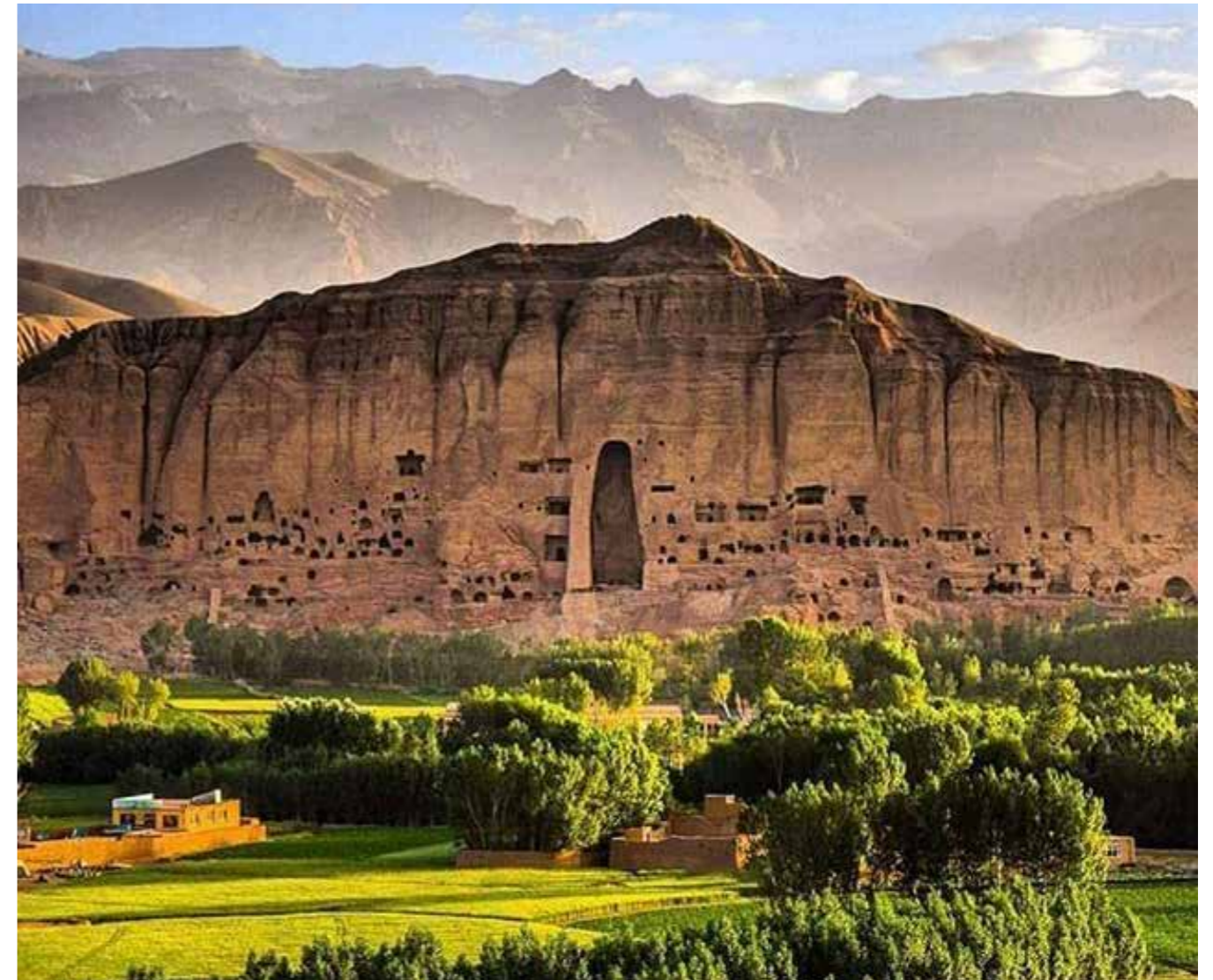
این دژ شاهد وقایع مهم تاریخی از جمله جنگ‌های افغان و انگلیس بوده و به دو بخش «بالاحصار علیا» (ارگ) و «بالاحصار سفلی» (بخش مسکونی و نظامی) تقسیم می‌شد. در سال‌های اخیر، با همکاری بنیاد فرهنگی آقاخان (AKTC)، پروژه‌های باستان‌شناسی و بازسازی در این محوطه آغاز شده است تا بقایای معماری لایه‌های مختلف تاریخی آن حفظ شده و به عنوان یک پارک باستان‌شناسی ملی برای گردشگران آماده شود.



### محوطه صخره‌ای و نقاشی‌های دیواری بامیان

دره بامیان که در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده، محل تلاقی تمدن‌های مختلف در قرون اول تا نهم میلادی بوده است. علاوه بر تندیس‌های تخریب شده صلصال و شهنامه، این محوطه شامل بیش از ۷۵۰ غار و حفره‌ی صخره‌ای است که با ظرافت در دل کوه تراشیده شده‌اند. این غارها به عنوان معابد، صومعه‌ها و پناهگاه‌های راهبان استفاده می‌شدند و دیوارهای آنها با نقاشی‌های ارزشمندی تزئین شده است.

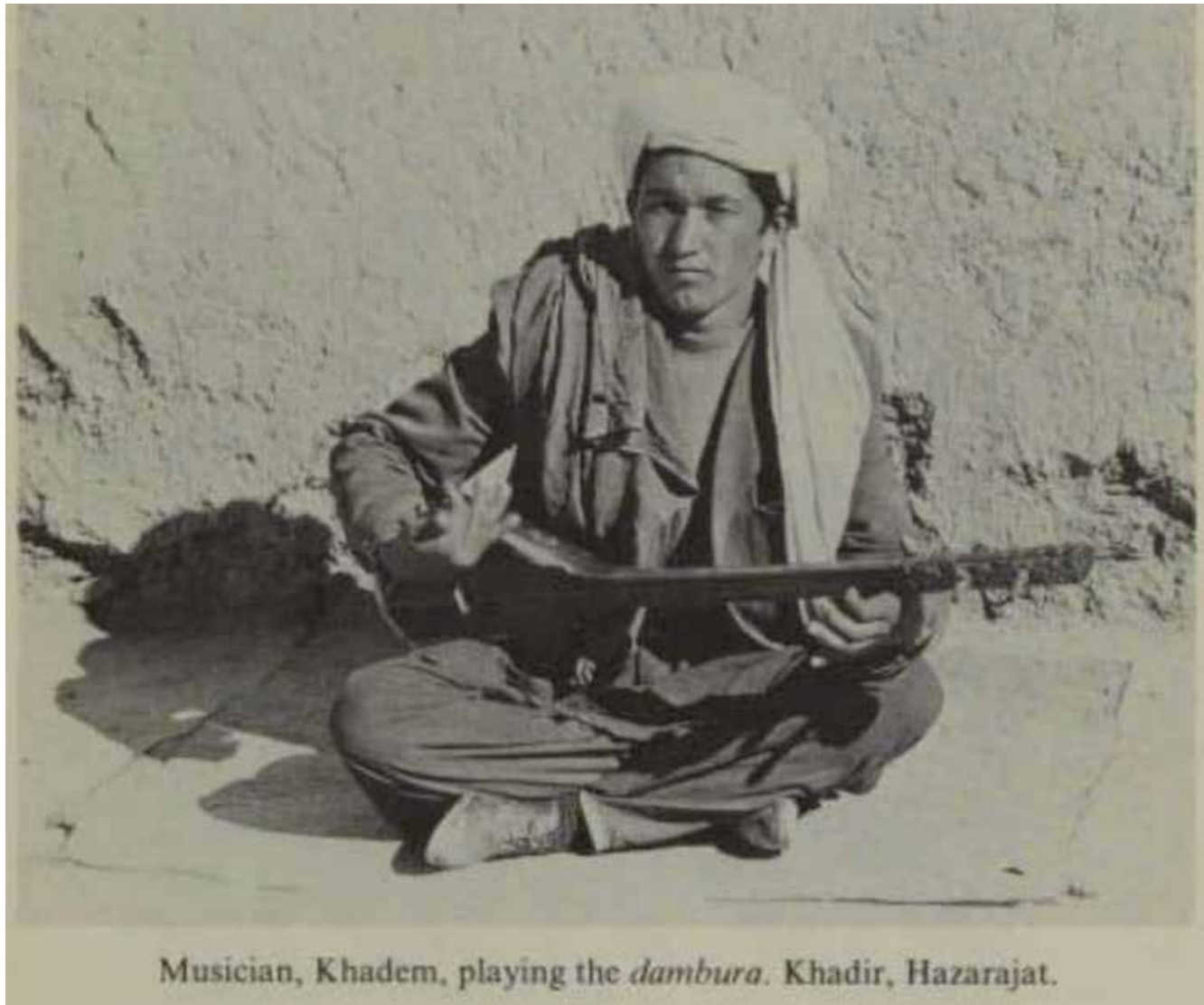
تحقیقات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که برخی از این نقاشی‌های دیواری (فرسک‌ها) که با استفاده از رنگ‌های معدنی و گیاهی خلق شده‌اند، قدیمی‌ترین نمونه‌های استفاده از «رنگ روغن» در جهان (قرن ۷ میلادی) محسوب می‌شوند. این آثار هنری ترکیبی از سبک‌های هنری ساسانی، هندی و هلنیستی (یونانی) هستند که نشان‌دهنده اهمیت بامیان به عنوان یک چهارراه فرهنگی در قلب آسیا و مسیر اصلی جاده ابریشم است.



### هنر ساخت و موسیقی دمبوره

دembore یکی از اصیل‌ترین سازهای زهی و مضرابی در فرهنگ موسیقی شمال و مرکز افغانستان (به‌ویژه میان اقوام ازبک، ترکمن و هزاره) است. این ساز معمولاً از چوب درخت توت ساخته می‌شود و دارای دو تار است که در گذشته از روده حیوانات و امروزه از نایلون تهیه می‌شود. بدنه دمبوره برخلاف بسیاری از سازها، به صورت یکپارچه تراشیده می‌شود که این مهارت نجاری سنتی، خود بخشی از میراث صنایع دستی منطقه است.

موسیقی دمبوره با اشعار عامیانه و قصه‌های حماسی گره خورده است و در محافل فرهنگی، شب‌نشینی‌های ماه رمضان و جشن‌های نوروزی جایگاه ویژه‌ای دارد. نوازنده دمبوره که اغلب «دمبوره‌نواز» یا «بخشی» نامیده می‌شود، با بداهه‌نوازی و خواندن اشعار، تاریخ شفاهی و ارزش‌های اخلاقی جامعه را منتقل می‌کند. این ساز ساده اما پرمعنا، صدای بومی و اصیل زندگی روستایی و عشایری در کوهپایه‌های هندوکش است.



Musician, Khadem, playing the *dambura*. Khadir, Hazarajat.

# جمهوری آذربایجان

## قلعه شیندان؛ دژ استوار بر فراز مرزها

قلعه شیندان که در زبان محلی به معنای «محل نور» یا «خانه خورشید» است، دژی باستانی و مستحکم است که بر فراز قله کوه شیندان در ارتفاع ۱۸۵۰ متری بنا شده است. این قلعه دقیقاً بر روی نقطه صفر مرزی میان ایران و جمهوری آذربایجان (در منطقه آستارا) قرار گرفته است؛ به طوری که بنای اصلی و هسته مرکزی دژ در خاک جمهوری آذربایجان و دامنه‌های غربی آن در خاک ایران واقع شده است. این موقعیت جغرافیایی خاص، شیندان را به یکی از منحصربه‌فردترین قلعه‌های مرزی در منطقه تبدیل کرده است.

ساختار معماری این قلعه از سنگ‌های محلی، آجر و ملات ساروج تشکیل شده و به گونه‌ای طراحی گشته که با صخره‌های طبیعی کوهستان ادغام شود. طبق مستندات تاریخی، قدمت

این بنا به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد و در سده‌های بعد، به ویژه در دوران صفویه، به عنوان یکی از مهم‌ترین دژهای تدافعی منطقه شناخته می‌شد. واقعه تاریخی مشهور این قلعه، پناه گرفتن حاکم آستارا در جریان یک شورش محلی و مقاومت ۹ ماهه او در برابر سپاه مرکزی است که نشان‌دهنده نفوذناپذیری و استحکام فوق‌العاده دیوارهای آن است.

امروزه بقایای برج‌های دیده‌بانی و دیوارهای محیطی قلعه شیندان همچنان پابرجاست. اگرچه به دلیل قرارگیری در حساس‌ترین نقطه مرزی، این بنا کمتر مورد مرمت قرار گرفته، اما همین بکر بودن، آن را به شاهدی زنده بر تاریخ پرفراز و نشیب منطقه و پیوندهای جغرافیایی میان دو کشور تبدیل کرده است.

## گل‌فشان‌های قوبوستان؛ پدیده‌ای اساطیری در دل خاک

جمهوری آذربایجان به عنوان «پایتخت گل‌فشان‌های جهان» شناخته می‌شود، چرا که از میان ۸۰۰ گل‌فشان موجود در سراسر کره زمین، بیش از ۳۰۰ مورد آن در جغرافیای این کشور و به ویژه در منطقه قوبوستان و شبه‌جزیره آب‌شوران قرار دارند. این پدیده طبیعی که در زبان محلی به آن «پیل‌پله» (Pilpilə) نیز می‌گویند، برخلاف آتشفشان‌های گدازه‌ای، گل و لای سرد و غنی از مواد معدنی را همراه با گازهای زیرزمینی به سطح زمین پرتاب می‌کند. فعالیت این گل‌فشان‌ها منظره‌ای فرازمینی و خاکستری‌رنگ در حاشیه دریای خزر ایجاد کرده است که از نظر علمی و گردشگری جهانی، بی‌نظیر محسوب می‌شود.

در فرهنگ بومی و اساطیری منطقه قفقاز شرقی، این گل‌فشان‌ها تنها یک پدیده زمین‌شناسی نیستند، بلکه با باورهای کهن مردم درباره «نیروهای درونی زمین» گره خورده‌اند. خروج دائمی گاز متان با این گل‌فشان‌ها که گاه منجر

به شعله‌ور شدن خودبه‌خودی آتش در بالای آن‌ها می‌شود، یکی از دلایل اصلی مقدس شمردن شدن این جغرافیا و نام‌گذاری این مرز و بوم به عنوان «سرزمین آتش» در ادوار باستان بوده است. بسیاری از این مخروط‌های گلی در نزدیکی سایت سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ قوبوستان واقع شده‌اند که نشان‌دهنده زیست انسان در کنار این پدیده‌ها از هزاران سال پیش است.

از نگاه کاربردی و سلامت، گل استخراج‌شده از این فشان‌ها در طب سنتی جمهوری آذربایجان جایگاه ویژه‌ای دارد. مردم محلی از قدیم‌الایام از این گل‌های سرشار از ید، برم و سایر املاح معدنی برای درمان بیماری‌های پوستی و مفصلی استفاده می‌کردند؛ سنتی که امروزه به شکل علمی در مراکز اسپا و سلامت این کشور تداوم یافته است.



## قصر خوش‌بختی؛ شاهکار گوتیک در قلب باکو

این بنا که به نام «قصر مختاروف» نیز شناخته می‌شود، در سال ۱۹۱۲ میلادی توسط «مرتضی مختاروف»، از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران صنعت نفت باکو، ساخته شد. داستان ساخت این بنا یکی از رمانتیک‌ترین وقایع تاریخی باکو است؛ مختاروف پس از سفری به همراه همسرش (لیزا طوغانوا) به اروپا، متوجه علاقه بسیار او به یک عمارت سبک گوتیک در فرانسه شد. او بلافاصله پس از بازگشت، معمار مشهور «جوزف پلوشکو» را مأمور کرد تا دقیقاً مشابه آن عمارت را در خیابان مرتضی مختاروف امروزی بنا کند. این ساختمان در مدت زمان کوتاه ۲ سال ساخته شد و به عنوان هدیه‌ای به همسرش تقدیم گردید.

از نظر معماری، قصر خوش‌بختی یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های سبک «نئوگوتیک فرانسوی» در کل منطقه قفقاز است. نمای

بیرونی ساختمان با مجسمه‌های ظریف سنگی، ستون‌های باریک و بلند، و پنجره‌های نوکتیز تزئین شده که یادآور کلیساهای قرون وسطی در اروپا است. فضای داخلی قصر نیز با نقاشی‌های دیواری خیره‌کننده، گچ‌بری‌های طلاکاری شده و لوسترهای کریستال بزرگ آراسته شده که ترکیبی از تجمیل اروپایی و ظرافت‌های هنری اواخر قرن نوزدهم را به نمایش می‌گذارد.

پس از تحولات سیاسی دهه ۱۹۲۰، این بنا از مالکیت شخصی خارج شد و از آنجا که نمادی از عشق و پیوند بود، به «کاخ ثبت ازدواج» تغییر کاربری یافت و نام «قصر خوش‌بختی» را بر آن نهادند. این قصر در سال‌های اخیر به طور کامل و با دقت علمی مرمت شده است تا شکوه اولیه خود را حفظ کند.



## موسیقی «میخانه»؛ هنر بداهه و نبض فرهنگ عامه

«میخانه» یکی از منحصربه‌فردترین هنرهای شفاهی و موسیقایی جمهوری آذربایجان است که ریشه‌های آن به قرون وسطی و سنت‌های ادبی باکو و شبه‌جزیره «آب‌شوران» بازمی‌گردد. واژه میخانه از ترکیب «می» و «خانه» می‌آید و به مکان‌هایی اشاره دارد که در گذشته شاعران و عارفان در آن جمع می‌شدند و به مشاعره و بداهه‌خوانی می‌پرداختند. این هنر، نوعی شعر موزون و ضرب‌آهنگ‌دار است که بدون آمادگی قبلی و به صورت کاملاً فی‌البداهه توسط دو یا چند هنرمند (میخانه‌چی) در مقابل جمع اجرا می‌شود.

ساختار فنی میخانه بر اساس «قافیه» و «ردیف» بنا شده است؛ به این صورت که یکی از استادان، مصرعی را به عنوان ترجیع‌بند (قافیه اصلی) اعلام می‌کند و سایرین موظف‌اند در همان وزن و قافیه، اشعاری با مضامین اجتماعی، اخلاقی، طنز یا حماسی بسرایند. موسیقی همراهی‌کننده میخانه معمولاً با استفاده از سینتی‌سایزر یا

ضرب‌آهنگ‌های کوبه‌ای ساده (مانند دایره یا ناغارا) اجرا می‌شود که ریتمی تند و تکرارشونده دارد. این ریتم به هنرمند کمک می‌کند تا تمرکز خود را بر روی کلمات و سرعت انتقال معانی حفظ کند.

در طول تاریخ، میخانه فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. در دوران شوروی، به دلیل ماهیت انتقادی و ریشه‌های مذهبی‌اش، برای مدتی ممنوع یا محدود شد، اما در میان لایه‌های زیرین جامعه و محلات قدیمی باکو حفظ گردید. پس از استقلال جمهوری آذربایجان، این هنر شکوفایی دوباره یافت. در ماه مبارک رمضان، سنت «میخانه» با رویکردی عرفانی و اخلاقی اجرا می‌شود و هنرمندان در اشعار خود به ستایش پروردگار و مفاهیم معنوی می‌پردازند. این هنر امروزه نه تنها یک سنت قدیمی، بلکه یک رسانه زنده و پویاست که بخش مهمی از هویت شفاهی مردم آذربایجان را در جشن‌های ملی مانند نوروز و محافل مردمی شکل می‌دهد.



# ایران

## دانش سنتی لنج‌سازی و دریانوردی خلیج فارس

این دانش که در سال ۲۰۱۱ در فهرست میراث معنوی یونسکو به ثبت رسید، فراتر از یک مهارت فنی، روایتی از پیوند هزارساله ایرانیان با دریاست. دریانوردان و سازندگان لنج در بنادری نظیر «کُنگ» و «لافت»، این شناورهای عظیم چوبی را بدون هیچ نقشه مکتوبی و تنها با تکیه بر محاسبات ذهنی و دانش تجربی که از پدر به پسر منتقل شده، بنا می‌کنند.

بخش مهمی از این میراث، موسیقی کار در دریا یا «نمه‌خوانی» است که به ملوانان کمک می‌کرد تا با ریتمی هماهنگ بادبان‌ها را بکشند یا لنگر را بالا بیاورند. همچنین، دانش نوبوری سنتی که بر اساس موقعیت ستارگان و رنگ آب دریا بود، به ناخدایان ایرانی اجازه می‌داد تا بدون ابزارهای مدرن، مسیر جاده ابریشم دریایی را تا سواحل آفریقا و هند بپیمایند.



## بیابان لوت و کلوت‌های شهداد؛ موزه طبیعی

بیابان لوت، نخستین اثر طبیعی ایران در فهرست جهانی یونسکو، خانه‌ی پدیده‌هایی است که در هیچ کجای دیگر کره زمین با این عظمت یافت نمی‌شوند. «کلوت‌های شهداد» (Yardangs) سازه‌های غول‌آسای شنی هستند که طی میلیون‌ها سال توسط فرسایش باد و آب تراشیده شده‌اند و منظره‌ای شبیه به یک شهر خیالی و متروکه را در دل کویر خلق کرده‌اند.

این منطقه نه تنها به دلیل زیبایی‌های بصری، بلکه به عنوان یکی از قطب‌های حرارتی زمین شناخته می‌شود؛ جایی که ناسا در چندین نوبت بالاترین دمای سطحی ثبت‌شده بر روی سیاره (بیش از ۷۰ درجه سانتی‌گراد) را در آن گزارش کرده است. بیابان لوت با تپه‌های ماسه‌ای مرتفع و پهنه‌های نمکی وسیع، نمادی از قدرت طبیعت و بقا در سخت‌ترین شرایط اقلیمی است.



## قنات قصبه گناباد؛ عمیق‌ترین آبرسانی جهان

قنات قصبه گناباد معجزه‌ی مهندسی ایران باستان در مقابله با خشکسالی است. این سازه که قدمت آن به دوران هخامنشی بازمی‌گردد، دارای مادرچاهی به عمق بیش از ۳۰۰ متر است که حفر آن در آن دوران، با ابزارهای ساده دستی، یک شگفتی بی‌نظیر به شمار می‌رود. طول این قنات به بیش از ۳۳ کیلومتر می‌رسد و مجموعه‌ای از کانال‌های تو در تو است که آب را از دل کوهستان به دشت‌های تشنه می‌رساند.

این شاهکار مهندسی نشان‌دهنده مدیریت خردمندانه منابع آب و فرهنگ همکاری جمعی (نظام بنه‌بندی) در فلات ایران است. قنات قصبه پس از ۲۵۰۰ سال همچنان جاری است و به عنوان نمادی از پایداری تمدن ایرانی در قلب کویر مرکزی شناخته می‌شود.



## هنر تراش سنگ‌های قیمتی و مخراج‌کاری مشهد

مشهد به عنوان «شهر جهانی سنگ‌های قیمتی»، قطب بی‌بدیل هنر تراش و نشانیدن سنگ بر روی فلزات گرانبها در منطقه است. این هنر که ریشه‌ای چند هزار ساله در خراسان بزرگ دارد، شامل دانش شناسایی سنگ (به‌ویژه فیروزه نیشابور و عقیق) و تکنیک‌های سنتی تراش دستی است که جلا و روحی خاص به سنگ می‌بخشد.

مخراج‌کاری یا سوار کردن سنگ بر روی رکاب‌های نقره با طرح‌های اسلیمی و ختایی، ترکیبی از دقت ریاضی و ظرافت هنری است. این صنعت دستی که همچنان در بازارهای قدیمی و حجره‌های سنتی اطراف حرم مطهر زنده است، پیونددهنده هنر اصیل ایرانی با اقتصاد زیارتی و سنت‌های دینی منطقه است.



## جنگل‌های هیرکانی؛ فسیل‌های زنده ۳۵ میلیون ساله

جنگل‌های هیرکانی در حاشیه جنوبی دریای مازندران، یکی از قدیمی‌ترین و ارزشمندترین پهنه‌های جنگلی جهان هستند. این جنگل‌ها بازمانده دوران سوم زمین‌شناسی (سنوزوئیک) می‌باشند که در اکثر نقاط جهان به دلیل عصر یخبندان از بین رفته‌اند، اما به دلیل شرایط خاص اقلیمی البرز، در ایران حفظ شده‌اند.

این منطقه زیستگاه گونه‌های کمیابی از درختان همچون «انجیلی» و «سرخدار» است که به آن‌ها «فسیل‌های زنده» می‌گویند. تنوع زیستی شگفت‌انگیز و نقش حیاتی این جنگل‌ها در پایداری اکوسیستم منطقه، آن‌ها را به یک موزه طبیعی جهانی تبدیل کرده است که تاریخ حیات گیاهی زمین را در خود ذخیره کرده‌اند.

## آیین پهلوانی و زورخانه‌ای؛ پیوند ورزش، موسیقی و اخلاق

ورزش زورخانه‌ای که با نام «ورزش باستانی» نیز شناخته می‌شود، قدیمی‌ترین ورزش بدنسازی جهان محسوب می‌گردد که ریشه در آیین‌های رزمی و نظامی ایران باستان (دوران اشکانی و ساسانی) دارد و بعدها با آموزه‌های اخلاقی و عرفانی اسلامی گره خورده است. این ورزش در فضایی به نام «زورخانه» انجام می‌شود که معماری آن به خودی خود حامل پیام‌های فرهنگی است؛ درب ورودی زورخانه عمداً کوتاه ساخته شده تا هر کس در هنگام ورود، به نشانه فروتنی سر فرود آورد.

### اجزای اصلی و نمادین ورزش

گود زورخانه: محل اصلی ورزش که به شکل هشت‌ضلعی و پایین‌تر از سطح زمین ساخته شده است. این طراحی نمادی از

تواضع و قرارگیری در جایگاه فروتنی است.

**مرشد:** شخصیتی محوری که بر فراز جایگاهی به نام «سردم» می‌نشیند. او با نواختن «ضرب» و «زنگ» و خواندن اشعار حماسی (به‌ویژه شاهنامه) و مذهبی، ریتم حرکات ورزشکاران را کنترل کرده و فضای معنوی ایجاد می‌کند.

ادوات ورزش: ابزارهای زورخانه نمادی از سلاح‌های جنگی باستان هستند؛ «میل» نماد گرز، «کباد» نماد کمان، «سنگ» نماد سپر و «تخته‌شنا» یادآور شمشیر است. ورزشکار با چرخاندن و به کار گرفتن این ابزارها، قدرت بدنی خود را برای

دفاع از سرزمین و مظلومان پرورش می‌دهد.

### فلسفه پهلوانی و سلسله‌مراتب

در این آیین، قدرت بدنی تنها زمانی ارزش دارد که با «جوانمردی» (فتوت) همراه باشد. پهلوان در فرهنگ ایرانی کسی است که بر نفس خود غلبه کرده و پشتیبان ناتوانان باشد. سلسله‌مراتب در زورخانه بسیار دقیق است و بر اساس سابقه و اخلاق تعیین می‌شود؛ از «نوجه» و «نوخاسته» شروع شده و به مقام «پیش‌کسوت» و در نهایت «پهلوان» می‌رسد.

آیین پهلوانی در سال ۲۰۱۰ در فهرست میراث معنوی یونسکو به نام ایران ثبت شد.



# قزاقستان

## معماری صخره‌ای مانگیستاو؛ نیاپیشگاه‌های پنهان در دل زمین

منطقه «مانگیستاو» در سواحل شرقی دریای خزر، به دلیل ویژگی‌های زمین‌شناسی منحصر به فرد و قرارگیری در مسیر جاده ابریشم، میزبان یکی از شگفت‌انگیزترین شیوه‌های معماری در جهان است. در این منطقه بیش از ۲۰ مسجد زیرزمینی و هزاران بنای تدفینی وجود دارد که مستقیماً از دل صخره‌های آهکی تراشیده شده‌اند. این بناها نه با روی هم گذاشتن مصالح، بلکه با روش «معماری منفی» (برداشتن جرم از دل کوه) خلق شده‌اند.

۱. مسجد صخره‌ای «شکپک-آتا» (Shakpak-Ata) این مسجد که قدمت آن به قرون نهم و دهم میلادی بازمی‌گردد، موثق‌ترین نمونه از تلاقی سنت‌های پیش از اسلام با معماری اسلامی است.

ساختار فنی: پلان این مسجد به صورت چلیپایی (صلیبی‌شکل) است که چهار تالار آن به یک نقطه مرکزی ختم می‌شوند. در سقف این نقطه مرکزی، یک روزنه (نورگیر) دقیق تعبیه شده که نور را به شکلی نمادین به قلب مسجد هدایت می‌کند.

تزئینات و نمادشناسی: دیواره‌های داخلی با ظرافت عجیبی تراشیده شده‌اند. وجود نقش‌هایی نظیر «گل لوتوس»، «خورشید» و حکاکی‌های بی‌شمار از «دست» (نماد خمشه یا دست فاطمه) بر روی بدنه سنگی، نشان‌دهنده لایه‌های عمیق اعتقادی مردم منطقه و پیوند آن‌ها با هنرهای بصری شرق و غرب است.



## مسجد زیرزمینی «بکت-آتا» (Beket-Ata)

این مسجد که در قرن هجدهم توسط پیر و عارف مشهور، بکت-آتا، ساخته شده، از نظر مهندسی آکوستیک (صوت‌شناسی) یک شاهکار محسوب می‌شود.

اتاق‌های این مسجد به گونه‌ای در دل کوه تراشیده شده‌اند که صدای زمزمه و دعا از یک اتاق به اتاق دیگر با وضوح خاصی منتقل می‌شود، اما در عین حال فضا برای خلوت‌گزیدن و عبادت فردی کاملاً ایزوله است.

قرارگیری این بناها در زیر زمین، یک راهکار هوشمندانه برای مقابله با اختلاف دمای شدید استپ‌های قزاقستان بوده است؛ به طوری که فضای داخلی در تابستان‌های سوزان، خنک و در زمستان‌های یخبندان، گرم باقی می‌ماند.

### ۳. میراث تدفینی و «نکروپولیس‌ها»

در اطراف این مساجد، شهرهای مردگانی (نکروپولیس) وجود دارد که با سنگ‌های یادبود عمودی به نام «کولپی-تاس» (Kulpytas) تزئین شده‌اند.

این سنگ‌مزارها بر اساس جایگاه اجتماعی فرد متوفی تراشیده می‌شدند. برای پهلوانان و جنگجویان، سنگ‌هایی با نقوش اسلحه و برای عارفان، نمادهای هندسی و اسلیمی به کار می‌رفت. دقت در حکاکی روی سنگ‌های سخت این منطقه، نشان‌دهنده مهارت بالای حجاران قزاق در طول قرن‌هاست.

## هنر کسپه دوزی؛ نقاشی با قلاب

این هنر که در میان اقوام ترک‌تبار آسیای مرکزی ریشه دارد، در قزاقستان به دلیل ابعاد و ظرافت به اوج خود رسیده است.

برخلاف گلدوزی با سوزن معمولی، در کسپه‌دوزی (Biz Keste) از یک قلاب فلزی بسیار ظریف به نام «بیز» (Biz) استفاده می‌شود. هنرمند با این قلاب، حلقه‌های نخ ابریشمی را از پشت پارچه (معمولاً مخمل یا نمد تیره) به جلو می‌کشد و زنجیره‌هایی پیوسته ایجاد می‌کند که شبیه به نقاشی با مداد به نظر می‌رسد.

نقوش به کار رفته، نمادهای جهان‌بینی عشایری هستند. نقش «آی‌گول» (گل ماه) نماد زیبایی جاودان و نقش «کوشکار-موئیز» (شاخ قوچ) نماد قدرت و استقلال قبیله است. این پارچه‌ها بخش اصلی تزئینات داخلی «یورت» را تشکیل می‌دادند.



## موسیقی «کوی» و افسانه دومبرا

موسیقی «کوی» (Kuy) در فرهنگ قزاقستان تنها یک قطعه موسیقایی نیست، بلکه یک «حافظه تاریخی» است که در قالب صدا تجسم یافته است. در استپ‌های وسیع قزاقستان که کتابت همواره با چالش مواجه بود، این موسیقی «کوی» بود که وظیفه انتقال حماسه‌ها، فجایع تاریخی، شادی‌های ملی و حتی فلسفه زیستی را بر عهده گرفت.

### ۱. افسانه پیدایش و ساز دومبرا

دومبرا، ساز زهی زخمه‌ای با دو تار و بدنی اشکی‌شکل، قلب تپنده این موسیقی است. طبق افسانه‌های کهن، در زمان چنگیزخان، پسر او در حین شکار کشته شد و هیچ‌کس جرئت نداشت خبر مرگ او را به خان بدهد؛ چرا که خان تهدید کرده بود دهان هر کس را که خبر بد بیاورد با سرب داغ پر می‌کند. در این میان، نوازنده‌ای باهوش قطعه‌ای با دومبرا نواخت که صدای ناله، اسب‌دوانی و افتادن شکار را بازسازی می‌کرد. خان با شنیدن موسیقی متوجه مرگ پسرش شد و چون نوازنده سخنی نگفته بود، خان دستور داد حفره‌ای در بدنه دومبرا ایجاد کنند و سرب را در آن بریزند. از آن زمان، دومبرا دارای حفره شد و به ساز «گویا» معروف گشت.

### ۲. ساختار فنی و تصویرسازی صوتی

آنچه «کوی» را از سایر موسیقی‌های منطقه متمایز می‌کند، قدرت تصویرسازی صوتی آن است. نوازنده (کوی‌چی) با استفاده از تکنیک‌های خاص انگشت‌گذاری و ضربه بر کاسه چوبی ساز، صداهای محیطی را بازسازی می‌کند:

صدای حرکت: در قطعات حماسی، ریتم دقیقاً گام‌های اسب (تخت‌کاپ) را تداعی می‌کند. صدای طبیعت: صدای وزش باد در استپ، ناله شتر یا آواز پرندگان به وضوح در ملودی شنیده می‌شود.

کلام ساز: در برخی قطعات، نوازنده به گونه‌ای سیم‌ها را به لرزه درمی‌آورد که گویی ساز در حال «تکلم» و ادای کلمات است.

### ۳. مکاتب موسیقی کوی

در قزاقستان دو مکتب اصلی برای اجرای کوی وجود دارد:

مکتب «توکپه» (Tökpe): متعلق به غرب قزاقستان (زادگاه قورمان‌گازی). این سبک بسیار پر قدرت، سریع و طوفانی است و حماسه‌های نبرد را روایت می‌کند.

مکتب «شرتپه» (Shertpe): متعلق به مناطق مرکزی و شرقی. این سبک آرام‌تر، تغزلی و روان‌شناختی است و بیشتر به بیان درونیات انسان و زیبایی‌های طبیعت می‌پردازد.



## مجتمع باستانی «آکیتاش» معماری اسرارآمیز جاده ابریشم

مجموعه «آکیتاش» در منطقه ژامبیل، یکی از مرموزترین و در عین حال موثق‌ترین بناهای سنگی در مسیر جاده ابریشم است که هنوز پرسش‌های زیادی را در میان باستان‌شناسان برانگیخته است.

برخلاف اکثر بناهای آسیای مرکزی که از خشت و آجر ساخته شده‌اند، آکیتاش از بلوک‌های عظیم سنگ قرمز (سنگ ماسه) بنا شده است. ابعاد این بلوک‌ها و دقت تراش آن‌ها یادآور معماری‌های عظیم باستانی است. برخی

باستان‌شناسان معتقدند این بنا قرار بوده یک دژ عظیم یا یک صومعه نسطوری (مسیحیان شرق) باشد که نیمه‌کاره رها شده است.

در این سایت، بقایای یک سیستم آبرسانی سفالی بسیار پیشرفته کشف شده که آب را از فواصل دور به این مجتمع مرتفع منتقل می‌کرده است. وجود این مهندسی دقیق در قرن ۸ و ۹ میلادی، نشان‌دهنده تلاقی دانش مهندسی ایران، چین و استپ‌های مرکزی در این نقطه است.



### پناهگاه زیست‌کره «گُرگالژین»

این منطقه یکی از بکرترین زیست‌گاه‌های آبی جهان در قلب خشکی است که در فهرست میراث جهانی یونسکو نیز قرار دارد.

گُرگالژین شمالی‌ترین نقطه جهان است که فلامینگوهای صورتی (Greater Flamingo) برای تولیدمثل به آنجا مهاجرت می‌کنند. این تالاب‌ها در میان استپ‌های خشک قزاقستان مانند یک

واحه عمل می‌کنند و شوری آب آن‌ها به دلیل تبخیر زیاد، محیطی ایده‌آل برای رشد سخت‌پوستان کوچکی است که غذای اصلی فلامینگوها هستند.

اهمیت جهانی گُرگالژین فراتر از یک تالاب معمولی است؛ این منطقه در واقع محل تلاقی دو شاهراه اصلی مهاجرت پرندگان در اوراسیاست که اکوسیستم بی‌نظیر آن، بقای بیش از ۳۰۰



آزمایشگاه زنده و موثق برای مطالعه تغییرات اقلیمی در منطقه اکو شناخته می‌شود.

گونه پرنده را تضمین می‌کند. وجود آب‌های کم‌عمق و سرشار از املاح در دریاچه "تنگیز" (Tengiz)، این پناهگاه را به شمالی‌ترین نقطه جهان برای جوجه‌آوری فلامینگوهای صورتی تبدیل کرده است. این واحه حیات در قلب استپ‌های خشک قزاقستان، به دلیل دست‌نخورده بودن لایه‌های زمین‌شناسی و تنوع گیاهی نادر که بازمانده دوران‌های کهن هستند، به عنوان یک



# رقیبه‌زستان

## هنر «اشتک‌دوزی»؛ مهندسی ابریشم بر لایه‌های چرم

این هنر که در مناطق جنوبی (باتکن) ریشه دارد، نمونه‌ای اعلا از صنایع دستی «اشرافی-عشایری» است. برخلاف گلدوزی‌های متداول که بر روی پارچه انجام می‌شود، اشتک‌دوزی (Eshtek) یک چالش فنی بزرگ است.

ابتدا چرم‌های بسیار نازک (معمولاً چرم بره یا جیر باکیفیت) انتخاب شده و با مواد طبیعی دباغی می‌شوند. هنرمند طرح را با ذغال یا قلم مخصوص روی چرم می‌کشد. سپس با استفاده از نخ‌های ابریشمی که به صورت دستی تابیده شده‌اند، شروع به دوخت‌های بسیار ریز و متراکم می‌کند.

در این سبک، از تکنیک «پُردوزی زنجیره‌ای» استفاده می‌شود. تراکم بخیه‌ها به قدری بالاست که سطح چرم در زیر لایه‌ای از ابریشم پنهان شده و یک بافت سه‌بعدی و ضدآب ایجاد می‌کند. این هنر به دلیل زمان‌بر بودن (گاهی ۳ تا ۵ ماه برای یک قطعه کوچک)، معمولاً برای تزیین وسایل خاص مثل «کیمشک» (پوشش سر عروس) یا زین اسب‌های تشریفاتی خان‌ها استفاده می‌شود.



## هنر «چی‌بافی»؛ دیوار گویا و معماری نی

هنر «چی» (Chiy) یکی از قدیمی‌ترین ابداعات انسان در سازگاری با محیط است که در قرقیزستان به یک هنر بصری تبدیل شده است.

ساقه‌نی‌های کوهی که در اواخر تابستان جمع‌آوری شده‌اند، با دقت بر اساس قطر و طول دسته‌بندی می‌شوند. هر ساقه به طور جداگانه در دستان هنرمند قرار می‌گیرد و او نخ‌های پشمی رنگی را (که با پوست گردو، انار یا روناس رنگ شده‌اند) طبق نقشه‌ای ذهنی دور نی می‌پیچد. وقتی ۳۰۰ تا ۵۰۰ ساقه نی که هر کدام بخشی از طرح بزرگ‌تر را روی خود دارند کنار

هم بافته می‌شوند، یک تصویر منسجم (مثل نقش پلنگ برفی یا عقاب) پدیدار می‌گردد. کارکرد اقلیمی: این پرده‌ها در یورت (چادر عشایری) نقش دیوار جداکننده را دارند. به دلیل ساختار نی، در طول روز نور را به صورت فیلتر شده وارد چادر می‌کنند و در شب، با باز کردن لایه‌های نمدی روی آن، به عایق حرارتی تبدیل می‌شوند.



### سنگ‌نگاره‌های «سایمالو-تاش»؛ نیایشگاه ارتفاعات

این سایت که در ارتفاع ۴۰۰۰ متری در کوه‌های «فرغانه» واقع شده، بزرگترین گالری سنگ‌نگاره در آسیای مرکزی است.

این مکان تنها در ماه‌های جولای و آگوست (زمانی که برف‌ها ذوب می‌شوند) قابل دسترسی است. باستان‌شناسان معتقدند اینجا یک مرکز مذهبی فصلی برای اقوام باستانی بوده است.

بیش از ۱۰ هزار سنگ‌نگاره که روی سنگ‌های بازالتی سیاه حک شده‌اند، صحنه‌هایی از اهلی کردن حیوانات، ارابه‌های خورشید (نماد میتراپس باستان) و رقص‌های دسته‌جمعی را نشان می‌دهند. دقت در نمایش جزئیاتی مثل شاخ‌های پیچ‌درپیچ بزهای کوهی و ابزارهای شکار، این سایت را به یکی از موثق‌ترین منابع برای درک شیوه زندگی انسان در عصر مفرغ و آهن تبدیل کرده است.



### مکتب نساجی و چاپان‌دوزی «اوش»؛ میراث دره فرغانه

شهر «اوش» قلب تلاقی اقوام مختلف در جاده ابریشم بوده و نساجی آن ترکیبی از دقت شهری و نیاز عشایری است.

هنرمندان اوش در تولید پارچه «بخمل» (ابریشم برجسته) و «اده‌رس» تخصص دارند. تفاوت چاپان‌های (لباس بلند) اوش در استفاده از آسترهای پنبه‌ای ضخیم است که با سوزن‌دوزی‌های مخفی به لایه ابریشمی رویی متصل می‌شوند.

برش این لباس‌ها به گونه‌ای است که در هنگام سوارکاری، پایین لباس مزاحم حرکت اسب نشود و در عین حال، شانه‌ها آزادی عمل کامل داشته باشند. نقش‌های هندسی روی این لباس‌ها معمولاً روایتگر طایفه‌ای است که فرد به آن تعلق دارد.



### جنگل‌های گردوی «ارسلان‌باب»؛ بانک ژنتیکی باستان

این جنگل با وسعت بیش از ۱۱ هزار هکتار در ارتفاعات ۱۶۰۰ متری، نه تنها یک پدیده طبیعی، بلکه بخشی از تاریخ سیاسی-اقتصادی جاده ابریشم است.

ارسلان‌باب مخزن اصلی ژن‌های گردو در جهان است. در اینجا درختانی با قدمت بیش از ۱۰۰۰ سال وجود دارند که قطر تنه آن‌ها به ۲ متر می‌رسد. درختان در این جنگل، ویژگی‌های منحصر به فردی از نظر مقاومت به سرما و کیفیت مغز گردو دارد.



# پاکستان

## معماری و تزیینات «هوجرا» در مناطق قبایلی

«هوجرا» در فرهنگ پشتون، ستون فقرات معماری اجتماعی و دیپلماسی محلی است.

معماری سنگی و چوبی: هوجراهای مناطق «سوات» و «وزیرستان» با استفاده از سنگ‌های کوهستانی و ستون‌های چوبی قطور ساخته می‌شوند.

نکته بسیار موثق در این بناها، نقوش حک شده بر سرستون‌های چوبی است. این نقوش شامل نمادهای خورشید (چرخ‌های دوازده‌پره) و طرح‌های گیاهی پیچیده‌ای است که مستقیماً از هنر پیش از اسلام منطقه (کالاش و نورستان) الهام گرفته شده و تداوم فرهنگی منطقه را نشان می‌دهد.



## کاشی‌کاری مکتب «هاله»

سفال‌گری هاله نمادی از استمرار هنر کاشی‌کاری جاده ابریشم است که با مواد اولیه بومی منطقه سند ترکیب شده است.

رنگ آبی مشهور این سفال‌ها از ترکیب «کبالت» و «اکسید مس» به دست می‌آید که در کوره به درخشش فیروزه‌ای و لاجوردی می‌رسد.

تمام نقوش روی این سفال‌ها (معمولاً گل‌های پنج‌پر و اسلیمی) بدون شابلون و تنها با قلم‌موهای ساخته شده از موی سنجاب کشیده می‌شوند. این کاشی‌ها به دلیل مقاومت بالا در برابر حرارت و رطوبت، قرن‌هاست که زینت‌بخش آرامگاه‌های صوفیان بزرگ در پاکستان هستند.



## تکنیک «جانندی»

این هنر که در منطقه «هاله» و «کاشمور» (ایالت سند) ریشه دارد، یکی از پیچیده‌ترین روش‌های تزیین چوب در جهان است.

ابتدا قطعات چوب (معمولاً چوب صنوبر یا کاج) روی دستگاه خراطی به چرخش درمی‌آیند. هنرمند قلم‌های رنگی ساخته شده از لاک (رزین حشره لک) را روی چوب در حال چرخش فشار می‌دهد. حرارت ناشی از اصطکاک باعث ذوب شدن لاک و نفوذ آن به بافت چوب می‌شود.

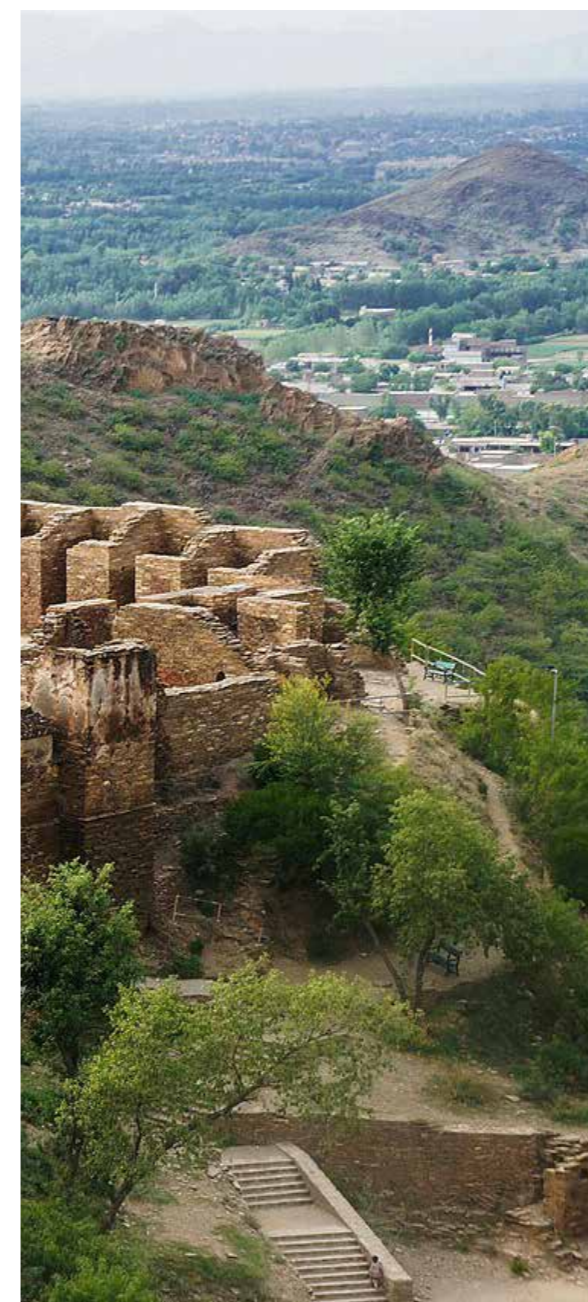
جادوی این هنر در مرحله حکاکی است؛ هنرمند لایه‌های مختلف رنگی را (مثلاً زرد زیر لایه قرمز) با مته‌های بسیار ظریف می‌تراشد تا طرح‌های اسلیمی چند رنگ پدیدار شود. محصول نهایی سطحی چنان صیقلی دارد که شبیه به سرامیک به نظر می‌رسد.

## هنر پاپت‌سازی و خیمه‌شب‌بازی سنتی لاهور

لاهور نه تنها مرکز سینما و تئاتر، بلکه مهد عروسک‌گردانی سنتی (گت‌پوتلی) است که ریشه در اساطیر مشترک حوزه اگو دارد.

عروسک‌های لاهوری از چوب سبک درخت «کریک» ساخته می‌شوند. سر عروسک‌ها با لایه‌ای از گچ و رنگ‌های معدنی پوشانده شده و سپس با پارچه‌های زری‌باف و ابریشمی مینیاتوری پوشانده می‌شوند.

برخلاف عروسک‌های نخی ساده، عروسک‌گردانان لاهوری از سیستم «چند نخ» برای کنترل حرکات چشم و انگشتان استفاده می‌کنند تا بتوانند رقص‌های کلاسیک (مانند کاتاک) را با دقت بازسازی کنند. این هنر در انتقال داستان‌های حماسی و نقدهای اجتماعی به توده‌های مردم نقش کلیدی داشته است.



### مجموعه صخره‌ای «تخت باهی»

این مجتمع که در ارتفاعات مردان قرار دارد، شاهکار معماری تمدن گندهارا و تلاقی هنر شرق و غرب است.

تخت باهی شامل حیاطهای متعدد برای استوپاها (بناهای یادبود)، تالارهای کنفرانس و سلولهای انفرادی برای مراقبه است.

یکی از شگفتی‌های این بنا، سیستم مخازن آب زیرزمینی و کانال‌های سنگی است که آب باران را از فراز تپه جمع‌آوری و تصفیه می‌کردند. تزیینات سنگی این بنا نشان‌دهنده اولین نمونه‌های استفاده از سبک «کورنتی» یونانی در تزیینات بناهای مذهبی شرقی است.

# تاجیکستان



## هنر «چکان دوزی»؛ مهندسی رنگ و بخیه

چکان دوزی یکی از اصیلترین هنرهای سوزن دوزی در منطقه اکو است که ریشه در اسطوره‌های خورشیدپرستی باستان دارد. این هنر در سال ۲۰۱۸ در فهرست میراث ناملموس یونسکو به نام تاجیکستان ثبت شد.

برخلاف سوزن دوزی‌های ظریف شهری، چکان دوزی بر روی پارچه‌های ضخیم نخی (کرباس) یا ابریشم خام انجام می‌شود. هنرمند ابتدا با استفاده از صمغ گیاهی، پارچه را صلب می‌کند تا طرح‌های درشت و متراکم باعث دفرمه شدن پارچه نشود.

طرح اصلی چکان، «آفتاب» یا دایره‌های متداخل است که نماد چرخه حیات و ابدیت است. رنگ قرمز در چکان دوزی تاجیکستان (به‌ویژه مکتب کولاب) نماد شادی و باروری است. نخ‌های به کار رفته تماماً ابریشمی هستند که با رنگ‌های طبیعی نظیر اسپرک (زرد) و نیل (آبی) رنگرزی می‌شوند.

تکنیک سنگ‌چین خشکه (بدون ملات) در پی بنا ساخته شده‌اند. این روش باعث می‌شود بنا در هنگام زلزله‌های شدید کوهستانی، انرژی را جذب کرده و فرو نریزد.

این قلعه‌ها در نقاطی ساخته شده‌اند که به قلعه بعدی دید مستقیم داشته باشند. در طول تاریخ، از این قلعه‌ها برای مخابره پیام‌های فوری با استفاده از آتش در شب و دود در روز استفاده می‌شد. معماری این دژها نشان‌دهنده تلاقی دانش نظامی ایران باستان و قبایل کوهنشین تاجیک است.



سطح با ورقه‌های طلا یا نقره پوشانده می‌شود.

فضای بین خطوط برجسته با رنگ‌های غلیظ و معدنی، به‌ویژه لاجورد طبیعی بدخشان، پر می‌شود. این کار باعث ایجاد کنتراست شدید بین درخشش فلزی و عمق رنگ‌های تیره می‌شود که در زیر نور مستقیم، جلوه‌ای سه‌بعدی به فضا می‌بخشد.

### موسیقی «فلک»؛ حماسه و عرفان در حنجره

فلک موسیقی خالص کوهستان‌های پامیر و بدخشان است که در سال ۲۰۲۱ به ثبت جهانی رسید. این موسیقی نه یک سرگرمی، بلکه شیوه‌ای برای بیان درونیات انسان در برابر عظمت طبیعت است.

فلک در واقع یک «فریاد موسیقایی» است. خواننده از گام‌های بلند و فواصل خاصی استفاده می‌کند که برای طنین‌انداز شدن در دره‌های عمیق کوهستان طراحی شده است.

اصیل‌ترین فرم آن «فلک دهانی» است که بدون همراهی ساز و تنها با تکیه بر قدرت حنجره اجرا می‌شود. در فرم‌های باساز، ساز «دنبوره» (با دو تار روده) ریتم‌های نامتقارن و تکرارشونده‌ای را ایجاد می‌کند که شنونده را به حالتی شبیه به خلسه می‌برد.

### دژهای کوهستانی «درواز»؛ مهندسی دفاعی در ارتفاع

منطقه «درواز» که از نظر استراتژیک دروازه ورود به پامیر شرقی است، دارای شبکه‌ای از قلعه‌های باستانی است که امنیت جاده ابریشم را در این مسیر صعب‌عبور تضمین می‌کردند.

دژهایی مانند «قلعه حُـمب» با استفاده از



### هنر «گُندال‌سازی»؛ برجسته‌نگاری و تذهیب

گندال هنری است که در آن نقاشی و مجسمه‌سازی به هم می‌رسند تا سقف‌ها و دیوارهای تالارهای تشریفاتی را تزیین کنند.

در این تکنیک، استادکار با استفاده از خمیری مخصوص (ترکیبی از پودر سنگ، روغن کتان و چسب مخصوص)، خطوط طرح‌های اسلیمی را به صورت برجسته روی سطح چوبی یا گچی ایجاد می‌کند. پس از سخت شدن این لایه، تمام

### «تپه رستم»؛ شاهکار معماری خشتی

این محوطه باستانی که در دره «وخش» (جنوب تاجیکستان) قرار دارد، موثق‌ترین سند از همزیستی معماری بودایی و مهندسی ایرانی در قرن هفتم میلادی است.

معماری این بنا شامل یک صومعه دو بخشی است که با استفاده از خشت‌های بزرگ و ملات ساروج ساخته شده است. اهمیت فنی این سایت در استفاده از «طاق‌های ضربی» و سیستم‌های تهویه زیرزمینی است که مشابه آن در معماری ساسانی ایران دیده می‌شود.

مجسمه مشهور «بودای در خواب» (با طول ۱۲ متر) که اکنون در موزه ملی تاجیکستان است، از همین مکان کشف شده است. این مجسمه با استفاده از اسکت چوبی و لایه‌های رس و کاهگل ساخته شده که نشان‌دهنده مهارت بالای هنرمندان آن دوره در کار با مواد بومی است.

# تاریخچه

## معماری صخره‌ای و فرسک‌های «دره ایهلارا»

دره ایهلارا، شکافی آتشفشانی به طول ۱۵ کیلومتر در منطقه کاپادوکیه، یکی از بکرترین نمونه‌های همزیستی معماری صخره‌ای و طبیعت است.

برخلاف بناهای متعارف، در اینجا «تراش منفی» صورت گرفته است؛ یعنی معماران با شناخت دقیق از لایه‌های سنگ توف (آتشفشانی نرم)، فضاهای زندگی، انبارها و نیایشگاه‌ها را در دل دیواره‌های عمودی دره تراشیده‌اند. این نوع معماری، سیستمی هوشمند برای تنظیم دما (خنک در تابستان و گرم در زمستان) فراهم می‌کرد.

نقاشی‌های دیواری (Frescoes) در کلیساهایی نظیر «آعاج‌التی»، نشان‌دهنده لایه‌هایی از هنر بیزانسی است که با نمادهای گیاهی و هندسی شرقی درآمیخته است. این نقاشی‌ها با رنگ‌دانه‌های معدنی و گیاهی مستقیماً بر روی لایه گچی خیس کشیده شده‌اند که باعث ماندگاری آن‌ها در طول قرن‌ها گشته است.



## هنر «کاتیع»؛ مهندسی ظرافت در برش کاغذ

کاتیع (برگرفته از واژه قطع در عربی و فارسی) هنر بریدن کاغذ یا چرم برای خلق تصاویر پیچیده و برجسته است که در قرن ۱۶ میلادی به اوج شکوه خود در دربار عثمانی رسید.

هنرمند با استفاده از کاردهای بسیار ظریفی به نام «نورهان»، نقوش اسلیمی، کتیبه‌ها و گل‌های لاله و رز را از کاغذهای رنگ‌گری شده می‌برد. این قطعات سپس با چسبی مخصوص (ترکیبی از نشاسته و تیراژ) بر روی زمینه‌ای دیگر چسبانده می‌شوند.

تفاوت کاتیع با کلاژ معمولی در لایه‌بندی آن است؛ هنرمندان با قرار دادن چندین لایه کاغذ روی هم، عمق و سایه ایجاد می‌کنند که به اثر حالتی سه‌بعدی و مجسمه‌مانند می‌بخشد. این هنر پیوند نزدیکی با مکتب سوخت‌معرق ایران دارد.



### نساجی «کوتنو»؛ پارچه شاهانه غازی آنتپ

پارچه کوتنو که به «پارچه کاخ‌ها» شهرت دارد، میراثی ۵۰۰ ساله از شهر غازی آنتپ است که ترکیبی هوشمندانه از ابریشم و پنبه است.

در بافت کوتنو، تارها از ابریشم طبیعی و پودها از پنبه هستند. این ترکیب باعث می‌شود پارچه در عین دارا بودن درخشش و جلای ابریشم در روی کار، به دلیل وجود پنبه در زیر کار، برای تماس با پوست بسیار مناسب و جاذب رطوبت باشد.

نخ‌های ابریشم پیش از بافت با روش‌های سنتی رنگ‌رزی می‌شوند. طرح‌های کلاسیک کوتنو شامل خطوط عمودی رنگارنگ با نام‌های خاصی نظیر «سلطان» و «مجنون» است. امروزه این پارچه به عنوان یک نشان جغرافیایی حفاظت‌شده، در صنایع مد و دکوراسیون لوکس جایگاه ویژه‌ای دارد.

### حصارهای «تئودوسیوس»؛ شاهکار مهندسی دفاعی قسطنطنیه

دیوارهای قسطنطنیه (استانبول) نه تنها یک دژ دفاعی، بلکه نمونه‌ای پیشرفته از مهندسی عمران در دوران باستان و میانه است که بر معماری نظامی در کل منطقه اکو تأثیر گذاشته است.

این حصارها از سه لایه دفاعی تشکیل شده بودند. معماران از ترکیب لایه‌های آجر و سنگ استفاده می‌کردند؛ این «بندکشی لایه‌ای» به دیوار اجازه می‌داد تا در برابر زلزله‌های مکرر منطقه منعطف بماند و انرژی لرزه‌ای را بدون فروریختن کل سازه، پخش کند.

در دل این دیوارها، مخازن عظیم آب و انبارهای غله تعبیه شده بود که شهر را در محاصره‌های طولانی‌مدت خودکفا می‌کرد.



### هنر «تل کاری»؛ ملیله کاری نقره در ماردین

تل کاری هنر جان بخشیدن به مفتول‌های نازک نقره در شهر باستانی ماردین است. این هنر تلاقی مهارت هنرمندان آشوری، کرد و ترک در جنوب شرقی ترکیه است.

در این تکنیک، شمش‌های نقره از قالب‌های بسیار ریزی عبور داده می‌شوند تا به مفتول‌هایی با ضخامت کمتر از یک میلی‌متر تبدیل شوند. این مفتول‌ها سپس به صورت جفتی تابیده می‌شوند تا لپه‌های کنگره‌دار ایجاد کنند.

هنرمند بدون استفاده از قالب‌های ریخته‌گری، تنها با پنس‌های مخصوص، این تارهای نقره را به شکل طرح‌های اسلیمی و اشکی در کنار هم می‌چیند و با شعله‌ای بسیار دقیق آن‌ها را به هم لحیم می‌کند. نتیجه کار، جواهری است که در عین ابعاد بزرگ، به دلیل توری بودن، بسیار سبک و ظریف است.



# ترکمنستان

## نساجی «کتنی»؛ ابریشم بافی بر دستگاه «تارا»

کتنی پارچه ابریشمی دست بافی است که از دیرباز نماد اصالت و شکوه در پوشاک ترکمن بوده است.

ابریشم خام ابتدا با رنگ‌های گیاهی و معدنی رنگ‌رزی می‌شود. نکته فنی در دستگاه بافندگی «تارا» (Tara) نهفته است؛ این دستگاه افقی و ساده، عرض پارچه را به حدود ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر محدود می‌کند. این محدودیت عرض، باعث می‌شود لباس‌های سنتی ترکمن از قطعات نوارمانند متعددی تشکیل شوند که خود یک ویژگی زیبایی‌شناختی ایجاد می‌کند.

پارچه کتنی به دلیل تراکم بالای تار و پود، حالتی ایستا و براق دارد. استفاده از این پارچه در تهیه «کورتیه» (ردا) و «کوی‌نک» (پیراهن)، به دلیل دوام بالای ابریشم در برابر فرسایش اقلیم بیابانی بوده است.

## مقبره سلطان سنجر؛ پیشگام گنبد‌های دوپوسته

این بنا در مرو قدیم (Mary)، نه تنها یک مزار، بلکه یک بیانیه معماری در قرن دوازدهم میلادی است.

گنبد این مقبره اولین نمونه موفق از «گنبد دوپوسته» در جهان است. لایه داخلی برای تناسبات بصری فضای درون و لایه بیرونی برای ابهت خارجی و حفاظت در برابر بادهای شدید صحرا طراحی شده است. این ساختار باعث می‌شود وزن گنبد به صورت بهینه‌تری بر دیواره‌های ضخیم (به عرض ۶ متر) منتقل شود که راز ماندگاری آن در برابر زلزله‌های مهیب منطقه است.

استفاده از گره‌چینی‌های آجری و کتیبه‌های فیروزه‌ای، الگویی برای معماری آرامگاهی در سراسر قلمرو اکو شد.

## هنر گلدوزی «کجه»؛ نقش‌نگاری نمادین

گلدوزی بر روی رداهای تشریفاتی زنان (کورتیه)، لایه‌ای ظریف از صنعت دست ترکمن است که جایگزین مناسبی برای مبحث تکراری جواهرات است.

در این هنر از تکنیک «ایلمه» (Ilme) یا زنجیره‌دوزی با قلاب‌های بسیار ظریف استفاده می‌شود.

نقش اصلی این گلدوزی‌ها، «کژبه» است که نماد کجاوه یا تخت‌روانی است که عروس را در آن می‌نشاندند. این نقش با خطوط هندسی پیچیده، تکرار تقارن‌هایی است که در جهان‌بینی عشایری، نماد نظم و امنیت در کوچ محسوب می‌شود.



## مهندسی آب «کارز»؛ شریان‌های پنهان قره‌قوم

در حاشیه کوه‌های کوپت‌داغ، سیستم‌های انتقال آب زیرزمینی یا کارزها، تمدن را در مناطق خشک ترکمنستان ممکن ساخته‌اند.

برخلاف قنات‌های فلات ایران، کارزهای ترکمنستان در لایه‌های خاک لوسی ساخته شده‌اند.

برای جلوگیری از ریزش دیواره‌ها در اثر طوفان‌های شن و تغییرات ناگهانی سطح آب، از حلقه‌های سفالی (کول) با پخت بالا استفاده می‌شده است. مهندسی شیب در این کارزها به گونه‌ای است که سرعت آب برای جلوگیری از رسوب‌گذاری تنظیم شده و در عین حال باعث تخریب دیواره‌های تونل نشود.

## صنعت ساخت «دوتار ترکمنی»؛ آکوستیک و تراش چوب

دوتار ترکمنی قلب تپنده موسیقی مقام است و ساخت آن یک دانش مهندسی چوب به شمار می‌رود.

کاسه دوتار باید از چوب یکپارچه درخت توت که حداقل سه سال در شرایط خاص خشک شده، تراشیده شود. این انتخاب به دلیل خاصیت رزونانس (طنین‌اندازی) عالی چوب توت است.

دسته ساز از چوب زردآلو ساخته می‌شود تا در برابر کشش سیم‌های فولادی مقاوم باشد. پرده‌بندی دوتار ترکمنی (پرده) برخلاف دوتارهای دیگر، فواصل صوتی بسیار دقیقی را ایجاد می‌کند که برای اجرای تحریرهای سریع و لرزان موسیقی ترکمنی ضروری است.



# از بسکتبازان

این سازه‌ها دارای گنبد‌های خشتی بسیار وسیعی هستند که مستقیماً بر روی مخازن آب زیرزمینی قرار دارند. اطراف سردابه با سطوح شیب‌دار سنگی فرش می‌شد تا آب باران و برف ذوب‌شده به سمت حفره‌های ورودی هدایت شود.

ضخامت دیواره‌های گنبد و قرارگیری بخش عمده مخزن در دل زمین، باعث ایجاد یک سیستم خنک‌کننده طبیعی می‌شود. استفاده از ملات «قچ» (ترکیب مخصوص گچ و آهک محلی) باعث می‌شد مخزن کاملاً آب‌بند بوده و آب را برای ماه‌های طولانی زلال و خنک نگه دارد.

## سفال‌گری مکتب «غجدوان»؛ تبلور رنگ‌های گرم

برخلاف سفال‌های آبی‌رنگ سمرقند و ریشتان، مکتب غجدوان سنت استفاده از رنگ‌های زمینی و تکنیک‌های پلی‌کروم (چندرنگ) بومی را حفظ کرده است.

هنرمندان غجدوان از اکسیدهای آهن و سرب برای دستیابی به طیف‌های زرد درخشان، قهوه‌ای تیره و سبز زیتونی استفاده می‌کنند. این لعاب‌ها شفافیت بالایی دارند و نقش‌های زیرین را برجسته نشان می‌دهند.

طرح‌های غجدوان برخلاف تقارن‌های خشک هندسی، حالتی آزاد و نقاشانه دارند. نقوش مرغ، شاخه‌های پنبه و الگوهای ابروبادی با سرعت دست روی بدنه سفال ترسیم می‌شوند که نشان‌دهنده پویایی هنر مردمی در منطقه بخارا است.



عمل کرده و از شکستن ستون جلوگیری می‌کند. حکاکی‌های روی این ستون‌ها با عمق زیاد انجام شده تا سایه‌روشن‌های لازم را در نور کم مسجد ایجاد کند و نقوش هندسی آن کاملاً از اسلیمی‌های مکاتب دیگر متمایز است.

## هنر «نبات‌تراشی» بخارا؛ مهندسی بلور در قنادی سنتی

نبات بخارا نه تنها یک خوراکی، بلکه نمادی از دانش شیمی سنتی در ماوراءالنهر است که در دیپلماسی فرهنگی منطقه جایگاه ویژه‌ای داشته است.

استادکاران بخارایی با کنترل دقیق غلظت شربت و دمای کوره، فرآیند تبلور را روی نخ‌های پنبه‌ای ضخیم هدایت می‌کنند. برای شفافیت کریستال‌ها از سفیدکننده طبیعی (سفیده تخم‌مرغ) استفاده می‌شود که ناخالصی‌ها را جذب کرده و به سطح می‌آورد.

استفاده از زعفران اصیل برای بخشیدن رنگ طلایی و عطر خاص به نبات، آخرین مرحله این فرآیند است. این بلورهای درشت به دلیل ساختار منظم هندسی، دیرتر از قند معمولی حل شده و خواص درمانی متعددی در طب سنتی منطقه دارند.

## سردابه‌های صحرائی؛ مهندسی هیدرولیک ماوراءالنهر

سردابه‌ها بناهای زیرزمینی عظیمی هستند که برای تامین آب کاروان‌ها در مسیرهای خشک جاده ابریشم در دوران تیموری و شیبانی ساخته شده‌اند.



کاغذ کاملاً فشرده شده، سطح آن ضد آب گردد و در برابر نفوذ حشرات و رطوبت مقاوم شود.

## مهندسی ستون‌های چوبی «خیوه»؛ معماری لرزه‌گیر خوارزم

مجموعه ستون‌های مسجد جامع خیوه در ارگ «ایچان‌کلا»، موزه‌ای از مهندسی چوب است که قدمت برخی از آن‌ها به قرن دهم میلادی بازمی‌گردد.

برای جلوگیری از پوسیدگی چوب در برابر رطوبت زمین، معماران خیوه از یک سیستم لایه‌برداری هوشمند استفاده کرده‌اند. هر ستون بر روی یک پایه سنگی قرار دارد، اما بین چوب و سنگ، لایه‌ای از نمد آغشته به چربی شتر قرار داده شده است. این لایه نه تنها جلوی نفوذ رطوبت را می‌گیرد، بلکه در زمان زلزله به عنوان یک کمک‌فدر (دمپر)

## فناوری کاغذسازی «کونی‌گیل»؛ میراث ماندگار سمرقند

در حالی که کاغذهای معمولی پس از چند دهه فرسوده می‌شوند، کاغذ سمرقند که از پوست درخت توت سفید تهیه می‌شود، بیش از ۵۰۰ سال عمر می‌کند.

ابتدا لایه داخلی پوست درخت توت (که نرم‌تر است) جدا شده و ساعت‌ها در آب جوشانده می‌شود تا به خمیری یکدست تبدیل شود. این خمیر سپس با پتک‌های سنگی بزرگ که با نیروی آب (آسیاب آبی) کار می‌کنند، کوبیده می‌شود.

تفاوت اصلی این کاغذ در مرحله نهایی است؛ کاغذ را پس از خشک شدن روی یک لوح صاف قرار داده و با سنگ عقیق یا استخوان شتر سیقل می‌دهند. این کار باعث می‌شود الیاف

## معرفی کتاب

### معرفی کتاب «اقبال در جهان معاصر فارسی»

کتاب «اقبال در جهان معاصر فارسی»، اثری پژوهشی در حوزه کتاب‌شناسی تحلیلی و آسیب‌شناسی اقبال‌پژوهی در ایران است که در سال ۱۴۰۱، هم‌زمان با صد و چهل و پنجمین سالروز تولد علامه محمد اقبال لاهوری، متفکر اندیشه‌ساز و شاعر بلندآوازه اهل پاکستان، به همت انتشارات مؤسسه فرهنگی اکو منتشر و به جامعه علمی عرضه شد.

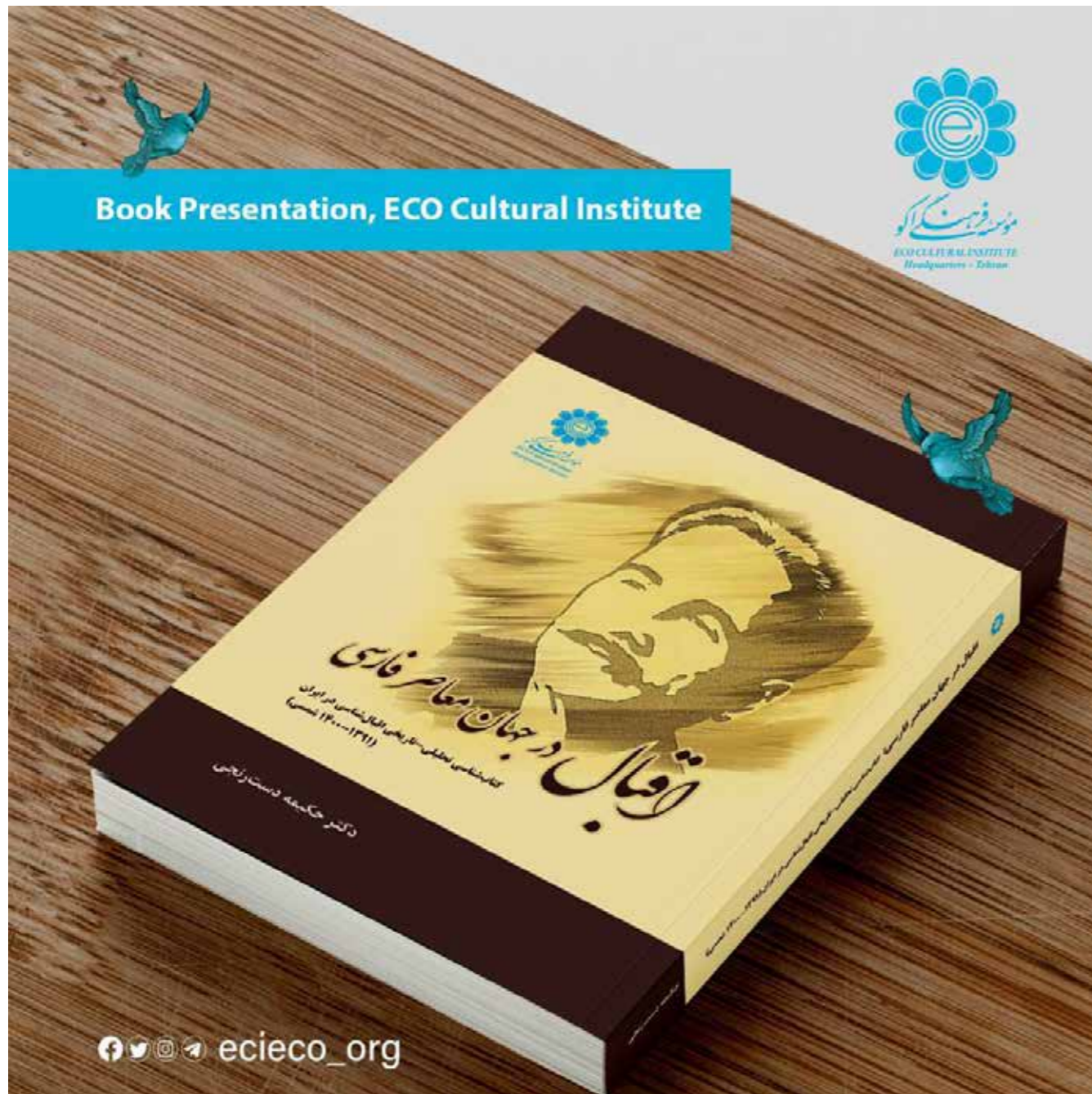
این کتاب به قلم دکتر حکیمه دسترنجی، در واقع سومین حلقه از زنجیره آثار مرجع در حوزه اقبال‌پژوهی محسوب می‌شود که در ۲۸۴ صفحه و قطع وزیری به زیور چاپ آراسته شده است.

نویسنده در این اثر با رویکردی جامع‌نگر به سراغ دهه ۹۰ شمسی (۱۳۹۱-۱۴۰۰) رفته و کلیه آثار این حوزه، اعم از کتاب‌ها، مقاله‌های علمی، گزارش‌های مطبوعاتی و پایان‌نامه‌های دانشگاهی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است تا بانک اطلاعاتی جامع و روشمندی را برای نسل‌های بعدی پژوهشگران پیریزی کند.

کتاب مذکور که با مقدمه مرادجان بوری‌بایف و ویراستاری دکتر زهرا اصلانی تنظیم شده است، با هموارتر نمودن مسیر مناسبات فرهنگی میان ملل منطقه، ابزاری ارزشمند برای آگاهی‌بخشی و شناخت هرچه بیشتر میراث این حکیم فرزانه به شمار می‌رود. ساختار محتوایی کتاب در سه فصل تخصصی به بررسی ابعاد مختلف پژوهش‌های

اقبال‌شناسی می‌پردازد؛ به طوری که فصل اول به مطالعه تطبیقی سیر اقبال‌شناسی در ایران طی دهه ۹۰ و مقایسه آن با دوره‌های پیشین (از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۹۱) اختصاص دارد تا از این طریق چگونگی نفوذ و تغییر رویکردهای اندیشگانی اقبال در فضای علمی و فرهنگی ایران ترسیم شود؛ در فصل دوم تحلیل محتوایی و بررسی کیفی و کمی آثار منتشرشده مدنظر قرار گرفته و نویسنده در این بخش تلاش می‌کند با نگاهی نقادانه، عیار علمی انتشارات این دهه را بسنجد. فصل سوم نیز با ارائه پنج نمایه تفصیلی و نمودارهای آماری، همچون کلیدی برای پژوهش عمل کرده و با تسهیل دسترسی سریع جستجوگران به منابع، تصویری بصری از روند رشد یا چالش‌های فعالیت‌های پژوهشی ارائه می‌دهد.

مؤلف در پیشگفتار کتاب تأکید می‌کند که در عصر فراوانی اطلاعات، تشخیص سره از ناسره و جلوگیری از تکرار مکررات در پژوهش‌های علمی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. این کتاب با شناسایی لایه‌های پنهان اندیشه اقبال و تحلیل نیازهای فرهنگی، علمی و دینی در عصر جدید، می‌کوشد چراغ راهی برای اعتلای پژوهش‌های نوین در عرصه شرق‌شناسی و دین‌شناسی باشد و از هدررفت توان علمی پژوهشگران در مسیرهای تکراری و موازی‌کاری‌های مرسوم جلوگیری کند. علاقه‌مندان و پژوهشگران جهت دریافت یا امانت گرفتن این اثر می‌توانند به کتابخانه دیجیتال اکو مراجعه نمایند.



ecieco\_org

روز جهانی کتاب برای ما فرصتی است تا بار دیگر یادآور شویم که در دنیای پرچالش امروز، کتابخانه‌ها و مراکز نشر، کانون‌های اصلی تولید قدرت نرم و پل‌های استواری هستند که درک مشترک ملل از جهان هستی را به یکدیگر پیوند داده و ارمغانی از دانایی و صلح را برای نسل‌های آینده به میراث می‌گذارند.

دکتر زهرا اصلانی

از حق مؤلف در فضای مجازی را به یک ضرورت فنی و حقوقی تبدیل کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تدوین چارچوب‌های قانونی برای مالکیت فکری، یکی از متغیرهای اصلی در رشد آفرینش‌های فکری و ادبی و بهبود کیفیت تولیدات فرهنگی است. توجه به کتاب به عنوان یک متغیر راهبردی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، حاکی از این دیدگاه است که ثبات و توسعه جوامع با میزان آگاهی عمومی و دسترسی به اطلاعات معتبر پیوند دارد.

جهانی کتاب» را اجرایی کرد که بر اساس آن، هر ساله شهری بر پایه برنامه‌های پیشنهادی خود در حوزه نشر، برای یک دوره یک‌ساله برگزیده می‌شود. در سال ۲۰۲۶ میلادی، شهر «رباط» در مراکش این جایگاه را بر عهده دارد و برنامه‌های خود را بر محور توسعه صنعت نشر و ترویج مطالعه متمرکز کرده است.

این الگوهای بین‌المللی در منطقه اکو نیز به عنوان چارچوب‌های الهام‌بخش برای تقویت جایگاه تولیدات فکری و حمایت از ناشران محلی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این راستا، کشورهای عضو معمولاً در این ایام به بازخوانی تعاملات خود در قالب «دیپلماسی کتاب» پرداخته و موضوعاتی نظیر تبادل امتیاز ترجمه آثار، برپایی محافل نقد تخصصی متون و واکاوی تحولات نوظهور در ساختار صنعت نشر بین‌الملل را در برنامه‌های فرهنگی خود می‌گنجانند.

یکی از جنبه‌های عملیاتی این همکاری‌ها در سطح کلان، برگزاری اجلاس‌های ادواری رؤسای کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو است. این نشست‌ها به عنوان بستری برای تبادل دانش فنی در حوزه‌های تخصصی نظیر روش‌های نوین حفاظت از نسخ خطی، دیجیتال‌سازی منابع و یکپارچه‌سازی استانداردهای کتابداری عمل می‌کنند. واقعیت این است که کتابخانه‌های ملی در این منطقه، فراتر از نقش سنتی خود به عنوان مخزن کتاب، وظیفه نگهداری از میراث مکتوب و بازشناسی هویت‌های فرهنگی را برعهده دارند. در این میان، مؤسسه فرهنگی اکو به عنوان نهاد هماهنگ‌کننده این تعاملات، عمدتاً بر ایجاد بسترهای هم‌افزایی میان این نهادها و اطلاع‌رسانی جهت بهره‌مندی پژوهشگران از منابع مشترک متمرکز است؛ تا از این طریق، فرصت‌های گفتگو و تبادل دانش میان جوامع علمی و نخبگان فرهنگی در کشورهای عضو تسهیل گردد.

چشم‌انداز آینده کتاب در منطقه اکو، تحت تأثیر مستقیم گذار از شیوه‌های سنتی به ابزارهای نوین قرار دارد. در دوران معاصر، تحول دیجیتال و تغییر در رفتارهای مصرف محتوا، موضوع صیانت



### روز جهانی کتاب؛ فرصتی برای بازخوانی میراث مشترک فرهنگی در منطقه اکو

روز جهانی کتاب و حق مؤلف که به‌طور سالانه در ۲۳ آوریل گرامی داشته می‌شود، از نظر پیشینه تاریخی به سنتی دیرینه در کاتالونیای اسپانیا پیوند خورده است؛ آیینی که در آن به مناسبت روز «سن ژورژ»، اهدای یک شاخه گل رز در کنار خرید کتاب، پیوندی میان عاطفه و دانایی برقرار می‌کرد و به عنوان یک نماد فرهنگی مرسوم بود. یونسکو در سال ۱۹۹۵ با تکیه بر این پیشینه و با هدف جلب توجه جوامع به اهمیت نشر، این روز را در تقویم جهانی ثبت کرد. این نام‌گذاری فراتر از یک جنبه تشریفاتی، بر دو محور اصلی متمرکز است: نخست، ترویج فرهنگ مطالعه به عنوان ابزاری برای آگاهی عمومی و دوم، تأکید بر ضرورت‌های قانونی صیانت از حقوق معنوی پدیدآورندگان. برای نهادهای منطقه‌ای فعال در حوزه فرهنگ، این مناسبت فرصتی جهت بازبینی در وضعیت دسترسی به دانش و بررسی چالش‌های سوادآموزی در مناطقی است که دارای پیشینه مکتوب غنی و متون کلاسیک تأثیرگذار بوده‌اند.

در چارچوب همین سیاست‌های جهانی، یونسکو از ابتدای قرن بیست و یکم میلادی، طرح «پایتخت



# شخصیت برجسته

## پیام مؤسسه فرهنگی اکو به مناسبت بزرگداشت عطار نیشابوری

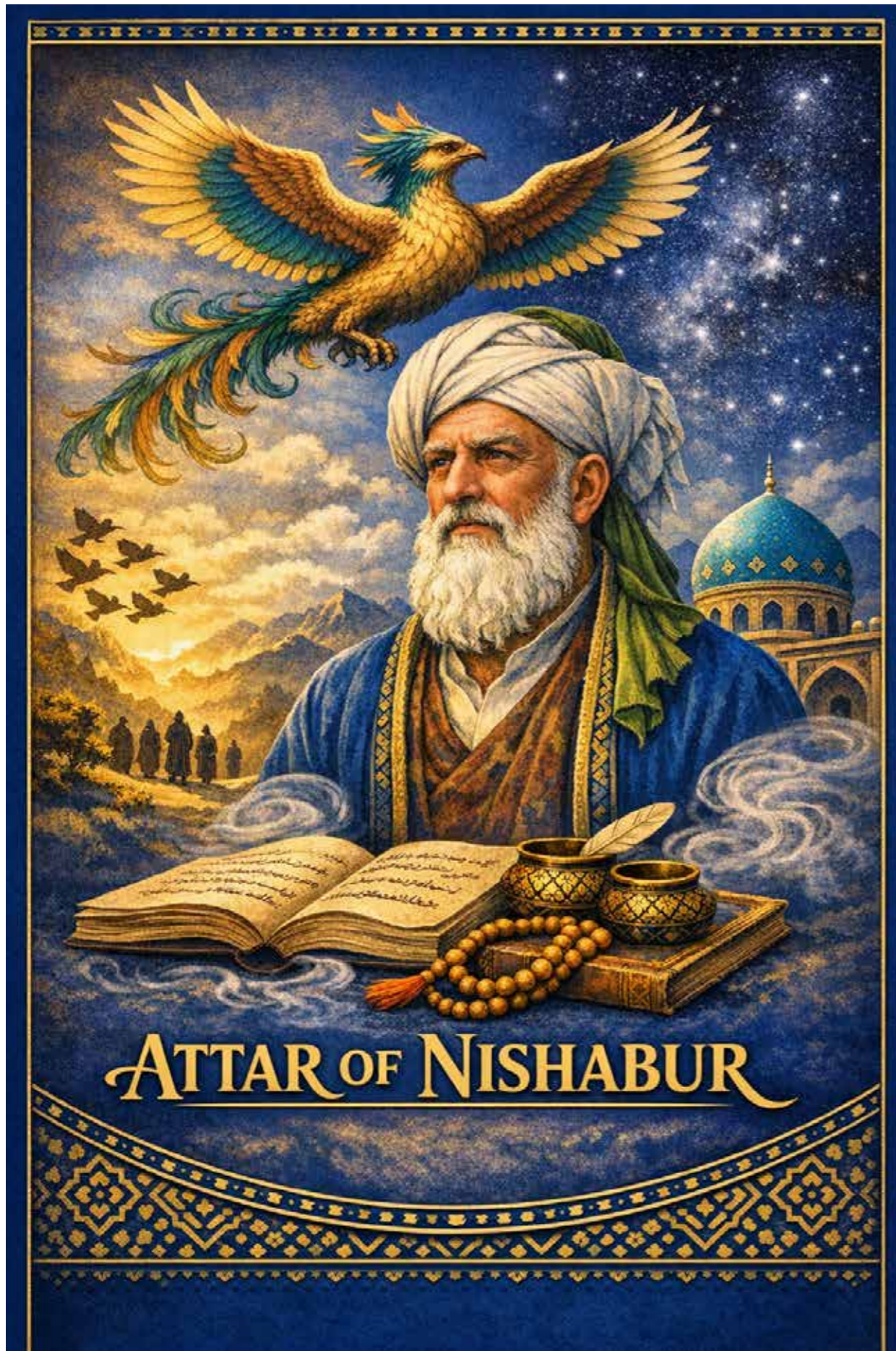
مؤسسه فرهنگی اکو سالروز بزرگداشت شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، شاعر و عارف فرزانه منطقه اکو را گرامی می‌دارد؛ سخنوری که کلام و اندیشه‌اش نه تنها در اعماق معنا و عرفان ریشه دوانده، بلکه امروز نیز چون نسیمی روح‌نواز، الهام‌بخش دوستی و هم‌گرایی میان انسان‌هاست.

فریدالدین عطار، با شاهکارهایی چون «منطق‌الطیر»، «مصیبت‌نامه»، «الهی‌نامه» و «تذکره‌الاولیا»، زبان عرفان و معرفت را به ابزاری برای پیوند انسان‌ها بدل کرد؛ پیوندی که فراتر از مرزهای جغرافیایی، قومیت‌ها و باورهای رنگارنگ، بر بنیادهای استوار انسانیت و جستجوی حقیقت بنا شده است.

این قله رفیع اندیشه در قرون ششم و هفتم، با روایت سفر روحانی مرغان به‌سوی سیمرغ، تمثیلی ژرف از وحدت وجود، هم‌بستگی جان‌های مشتاق و گذر از خود برای رسیدن به حقیقت ارائه داد؛ این تمثیل جاودانه، امروز نیز چون چراغی پرفروغ، مسیر درک متقابل و هم‌گرایی جهانی را روشن می‌سازد.

نوای عطار، آوای دعوت به آرامش، خرد جمعی و همزیستی مسالمت‌آمیز است؛ میراث او، نه تنها بخشی از گنجینه هویت فرهنگی ماست، بلکه گوهری گران‌بها و سرمایه‌ای جهانی برای شکوفایی تفاهم و بنا نهادن جهانی آرام‌تر و آکنده از مهر و همدلی است.

مؤسسه فرهنگی اکو، در پاسداشت این چهره درخشان ادب و عرفان، تمامی ادیبان، فرهیختگان و جویندگان حقیقت را به کاوش در اندیشه‌های ژرف و ترجمه و نشر آثار گران‌بهای عطار فرا می‌خواند تا طنین پیام وحدت و انسانیت او، جهانی‌تر و ماندگارتر گردد.



# فصل دوم

رویدادها و تازه‌های فرهنگی موسسه اکو

(گزارش فعالیت‌ها، نشست‌ها، نمایشگاه‌ها و همکاری‌های اخیر)



## پیام موسسه فرهنگی اکو در محکومیت تخریب میراث فرهنگی ایران

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما در پیام موسسه فرهنگی اکو آمده است: موسسه فرهنگی اکو، به عنوان یک نهاد بین‌المللی و منطقه‌ای، محکومیت شدید خود را درباره تخریب ابنیه و میراث فرهنگی بشریت در جمهوری اسلامی ایران در حملات تروریستی آمریکایی-صهیونیستی ابراز می‌کند. این حملات، که به صورت غیرقانونی و غیراخلاقی انجام شده‌اند، علاوه بر خسارات فیزیکی و انسانی، به دستاوردهای فرهنگی، تاریخی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران، که بخشی از میراث فرهنگی بشریت به شمار می‌آیند، آسیب جبران‌ناپذیر وارد کرده‌اند. موسسه فرهنگی اکو، از یونسکو، سازمان بین‌المللی مرتبط با حفظ و حمایت از میراث فرهنگی بشریت، درخواست می‌کند که در این موقعیت، به عنوان یک سازمان معتبر، عکس‌العملی سریع و قاطع انجام دهد. موسسه فرهنگی اکو، با توجه به رسالت خود در پاسداشت میراث فرهنگی منطقه اکو، به ویژه در کشور میزبان این نهاد، یعنی جمهوری اسلامی ایران، اعلام می‌کند که در این لحظات حساس، اطمینان خاطر می‌دهد که از تمام ظرفیت خود برای جلب همکاری منطقه‌ای در جهت بازسازی میراث فرهنگی ایران بهره خواهد برد.



## پیام موسسه فرهنگی اکو و ابراز نگرانی عمیق در مورد تخریب مراکز آموزشی و فرهنگی در ایران

موسسه فرهنگی اکو، به عنوان یک نهاد بین‌المللی و منطقه‌ای نگرانی عمیق خود از آسیب دیدن دانشگاه‌ها، مدارس و کتابخانه‌های جمهوری اسلامی طی حملات آمریکایی-اسرائیلی ابراز می‌دارد.

از آنجا که این مراکز دارای کارکرد آموزشی و فرهنگی هستند، نقش مهمی در پرورش نسل جوان هر کشوری دارند و آسیب به آنها آینده نسل‌های بعدی را به خطر خواهد انداخت.

در این میان سکوت سازمان‌های بین‌المللی و انفعال آنها در قبال آسیب دیدن این مراکز با مسئولیت بنیادین آنها مغایرت دارد.

موسسه فرهنگی اکو، بار دیگر ضمن ابراز همدردی با جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور میزبان این نهاد، یادآور می‌شود که آسیب به مراکز آموزشی و فرهنگی یکی از کشورهای عضو منطقه اکو، لطمه به هویت فرهنگی مشترک منطقه محسوب می‌گردد، چرا که مردمان این منطقه مشترکات فرهنگی بسیار دارند و دانشجویان دیگر کشورهای منطقه اکو نیز در این مراکز آموزشی و فرهنگی مشغول به تحصیل هستند.



## پیام تسلیت و همدردی موسسه فرهنگی اکو در شهادت رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران

موسسه فرهنگی اکو، به عنوان یک نهاد بین‌المللی و منطقه‌ای، مراتب تسلیت و همدردی عمیق خود را برای شهادت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، در حمله تروریستی آمریکایی-صهیونیستی به تهران، را به ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران ابراز می‌دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از بزرگترین رهبران منطقه اکو و جهان اسلام بود که با سال‌ها رهبری حکیمانه و بی‌بدیل خود، ایران را به یکی از قدرتمندترین و پیشرفته‌ترین کشورهای منطقه اکو تبدیل نموده بود که همواره در برقراری صلح و ثبات در منطقه اکو پیشرو بوده است. شهادت ایشان، نه تنها برای جمهوری اسلامی ایران، بلکه برای تمامی منطقه اکو و امت اسلامی، ضایعه‌ای اسفناک به شمار می‌رود.

موسسه فرهنگی اکو، در این لحظات سخت، از جمهوری اسلامی ایران و ملت شجاع این کشور، حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ خود را اعلام می‌کند و امید دارد که بزودی صلح و ثبات در منطقه اکو، بویژه برای جمهوری اسلامی ایران دوباره برقرار گردد.



### اهمیت آثار باستانی و میراث فرهنگی در همگرایی کشورهای عضو اکو و پیامدهای تخریب آن

آقای مهرداد رخشنده، مدیر اجرایی مؤسسه فرهنگی اکو، در یادداشتی تحلیلی به بررسی نقش حیاتی میراث فرهنگی در همگرایی منطقه‌ای و تبیین پیامدهای جبران‌ناپذیر تخریب آثار باستانی در پی جنگ‌های تحمیلی بر پیکره تمدنی کشورهای عضو اکو پرداخت.

میراث فرهنگی و آثار باستانی، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین عناصر هویت‌ساز و سرمایه‌های نمادین هر جامعه، نقشی محوری در توسعه روابط میان کشورها ایفا می‌کنند. در میان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، که اشتراکات عمیق تاریخی و فرهنگی را در پیشینه خود دارند، این میراث می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای تقویت همگرایی منطقه‌ای، توسعه پایدار گردشگری و گسترش دیپلماسی فرهنگی عمل کند.

در عصر حاضر که تعاملات جهانی و منطقه‌ای پیچیده‌تر از گذشته شده است، میراث فرهنگی صرفاً ارزش فرهنگی خود را حفظ نکرده، بلکه به عاملی تعیین‌کننده در توسعه اقتصادی، افزایش تعاملات بین‌المللی و تقویت قدرت نرم کشورها بدل گشته است؛ بااین‌حال جنگ آمریکایی - صهیونی بر علیه ایران، آسیب‌های قابل‌توجهی به این سرمایه گران‌بها وارد آورده و تهدیدی جدی برای ظرفیت‌های بالقوه همکاری منطقه‌ای محسوب می‌شود.

#### ابعاد میراث فرهنگی و جایگاه آن در توسعه

میراث فرهنگی را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: میراث ملموس که شامل بناها، آثار باستانی و محوطه‌های تاریخی است؛ و میراث ناملموس که آداب‌ورسوم، زبان‌ها و سنت‌ها را دربر می‌گیرد. در ادبیات توسعه، میراث فرهنگی به‌عنوان نوعی سرمایه فرهنگی و قدرت نرم شناخته می‌شود که قادر است به تقویت هویت جمعی کمک کند، زمینه‌ساز توسعه پایدار گردشگری شود و به‌عنوان ابزاری کارآمد در دیپلماسی فرهنگی روابط بین‌الملل به کار گرفته شود.

#### نقش کلیدی میراث فرهنگی در توسعه روابط کشورهای عضو اکو

اشتراکات تمدنی در منطقه اکو که ریشه در تاریخ غنی جاده ابریشم دارد، موجب شکل‌گیری هویت فرهنگی مشترک در میان این کشورها شده است. آثار باستانی به‌عنوان نمادهای عینی و ملموس این اشتراکات، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به عاملی قدرتمند در جهت همگرایی منطقه‌ای دارند؛ علاوه بر این، میراث فرهنگی

یکی از مهمترین جاذبه‌ها برای جذب گردشگران محسوب می‌شود و کشورهای عضو اکو از ظرفیت‌های قابل‌توجهی در این حوزه برخوردارند.

توسعه گردشگری فرهنگی نه‌تنها به افزایش درآمد و ایجاد اشتغال کمک می‌کند، بلکه تعاملات و رفت‌وآمدهای میان کشورها را نیز افزایش می‌دهد؛ از سوی دیگر، برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی، همکاری‌های مشترک باستان‌شناسی و تبادلات فرهنگی، همگی ابزارهایی هستند که از طریق ظرفیت‌های میراث فرهنگی، روابط دوجانبه و چندجانبه میان کشورها را تقویت می‌نمایند.

#### تأثیر مخرب جنگ بر میراث فرهنگی و پیامدهای آن

متأسفانه جنگ آمریکایی - صهیونی بر علیه ایران، آسیب‌های گسترده‌ای به زیرساخت‌ها و میراث فرهنگی وارد کرده است. گزارش‌های متعدد حاکی از آن است که ده‌ها اثر تاریخی ارزشمند در شهرهای مختلف در معرض تخریب یا آسیب جدی قرار گرفته‌اند. این خسارات شامل آسیب به بناهای تاریخی در اثر حملات هوایی، تخریب بخشی از محوطه‌های ثبت‌شده جهانی و همچنین تأثیرات غیرمستقیم مخرب مانند: فرسایش ناشی از توقف پروژه‌های صیانتی و آسیب‌های شیمیایی ناشی از آلاینده‌های جنگی بر پیکره آثار تاریخی است.

#### پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تخریب میراث فرهنگی

تخریب میراث فرهنگی در شرایط بحرانی، فراتر از یک آسیب فیزیکی، مصداق بارز پاک‌سازی فرهنگی است؛ راهبردی هدفمند که باهدف محو کردن حافظه جمعی، گسستن پیوند نسل‌ها

با ریشه‌های تاریخی و درنهایت، تهی کردن یک ملت از هویت مستقل خویش صورت می‌گیرد. این پدیده باهدف قرار دادن زیرساخت‌های روانی و تمدنی در منطقه، می‌کوشد تا اشتراکات کهن را با ویرانی جایگزین کند. این فرآیند تخریبی تنها به بناها محدود نمی‌شود، بلکه با توقف آیین‌های جمعی و مهاجرت اجباری حاملان دانش بومی و نخبگان فرهنگی، میراث ناملموس منطقه، ازجمله زبان‌ها و سنت‌های کهن را نیز در معرض نابودی خاموش قرار می‌دهد.

پیامدهای این آسیب‌ها مرزهای ملی را درنور دیده و روابط میان کشورها را در سطوح مختلف متأثر می‌سازد؛ به‌طوری‌که از نظر فرهنگی، از بین رفتن آثار تاریخی به معنای از دست رفتن بخشی از هویت تاریخی مشترک و کاهش سرمایه فرهنگی محسوب می‌شود. از نظر اقتصادی، این تخریب‌ها منجر به کاهش چشمگیر گردشگری و افت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مرتبط با فرهنگ و میراث خواهد شد. در بعد سیاسی نیز، آسیب به این میراث مشترک می‌تواند به افزایش تنش‌های منطقه‌ای دامن زده و دیپلماسی فرهنگی را تضعیف کند.

#### چالش‌های پیش رو و راهکارها و پیشنهادها برای حفاظت از میراث فرهنگی

حفاظت از میراث فرهنگی در شرایط بحرانی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. ناامنی، فقدان زیرساخت‌های حفاظتی مناسب، کمبود منابع مالی، ضعف در اجرای قوانین بین‌المللی مربوطه و نبود هماهنگی منطقه‌ای مؤثر، همگی از موانع اصلی در این مسیر به‌شمار می‌روند.

برای مقابله با این چالش‌های بنیادین، نیازمند

## دیپلماسی زبان؛ پیوند راهبردی ایران و ازبکستان در مدار همکاری‌های فرهنگی

عضویت صدی سعدی، استاد برجسته دانشگاه دولتی سمرقند، در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ایران، فراتر از یک رویداد نمادین، نشانی از عمق روابط فرهنگی میان ایران و ازبکستان و تأکید بر اهمیت راهبردی میراث مشترک زبان فارسی در جغرافیای کشورهای عضو اکو است. این اتفاق که با حکم غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی رقم خورد، در واقع بازتاب یک اراده دوجانبه برای احیای پیوندهای تمدنی در قلب آسیای مرکزی است.

### زبان فارسی؛ محور همکاری‌های راهبردی

در دیداری که میان حسن صفرخانی، رایزن فرهنگی ایران و نماینده بنیاد سعدی، با صدی سعدی و رستم خال‌مرادف، رئیس دانشگاه دولتی سمرقند صورت گرفت، زبان فارسی نه تنها به‌عنوان یک رشته دانشگاهی، بلکه به‌مثابه بستری برای توسعه دیپلماسی فرهنگی مورد تأکید قرار گرفت. این عضویت پیوسته، نمادی از توجه ویژه به کشورهای همسایه و شریک در حوزه تمدنی اکو است؛ جایی که سمرقند و بخارا به‌عنوان کانون‌های اصلی میراث مکتوب فارسی، همواره نقشی محوری در پیوند دانشوران این منطقه ایفا کرده‌اند.

### از آموزش تا پژوهش‌های مشترک

استقبال دانشگاه دولتی سمرقند از این همکاری و درخواست برای حضور فعال‌تر استادان ایرانی، نشان‌دهنده بستر مناسبی است که اکنون در ازبکستان برای گسترش زبان فارسی فراهم شده است. در گفتگوهای صورت‌گرفته، پیشنهادهایی

همگرایی و پل‌های استواری محسوب می‌شوند که صلح و پیوند میان ملت‌های منطقه را در برابر تندباد حوادث محافظت می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

میراث فرهنگی و آثار باستانی در منطقه اکو، نه یک دارایی موزه‌ای، بلکه نیروی محرکه همگرایی و ستون فقرات دیپلماسی منطقه‌ای است. از نگاه اینجانب به‌عنوان مدیر اجرایی مؤسسه فرهنگی اکو، تخریب این میراث صرفاً یک خسارت فیزیکی نیست، بلکه یک بحران امنیتی و هویتی و بخشی از یک راهبرد کلان برای گسستن پیوندهای تاریخی ملت‌هاست. ما باید بپذیریم که صیانت از میراث ملموس و ناملموس، در حقیقت ایستادگی در برابر جریان مخرب پاک‌سازی فرهنگی است؛ جریانی که می‌کوشد منطقه ما را به مجموعه‌ای از جوامع بی‌تاریخ و آسیب‌پذیر تبدیل کند.

تحلیل بحران‌های اخیر نشان می‌دهد که هر آجر از یک بنای تاریخی که از دست می‌رود، شکافی عمیق در سد دفاعی قدرت نرم ما ایجاد کرده و روند همگرایی منطقه‌ای و توسعه اقتصادی را با اختلال جدی مواجه می‌سازد؛ بنابراین، حفاظت از این سرمایه‌های نمادین، نیازمند همکاری‌های گسترده و تدوین سیاست‌های پیشگیرانه و مؤثر، به‌ویژه در شرایط بحران است. مقابله با این روند تخریبی، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی حیاتی برای بقای ماست؛ تا درنهایت، کشورهای عضو اکو به‌عنوان یک بلوک تمدنی منسجم و مقتدر در نظم جدید جهانی ظاهر شوند.

دکتر مهرداد رخشنده،

مدیر اجرایی موسسه فرهنگی اکو

اتخاذ رویکردی چندجانبه و راهبردی هستیم که در رأس آن نهضت بیداری فرهنگی قرار دارد؛ حرکتی پویا که فراتر از بیانیه‌های تشریفاتی، به اقدامات عملی و پیوندهای همدلانه میان ملت‌ها منتهی شود. در سطح منطقه‌ای، صندوق منطقه‌ای حمایت و بازسازی اضطراری میراث، به‌عنوان یک بازوی حمایتی، راهگشا خواهد بود؛ سازوکاری که تحت نظارت کمیته‌های تخصصی و نخبگان کشورهای عضو، وظیفه صیانت فوری از سرمایه‌های ملموس و ناملموس را در برابر تهدیدات جنگ و تخریب بر عهده بگیرد.

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین حفاظتی در قالب این صندوق، نه تنها گامی در جهت بازسازی فیزیکی آثار، بلکه تلاشی برای ترمیم رشته‌های پیوند تمدنی و پاسداری از نبض همگرایی در پهنه جغرافیایی اکو خواهد بود.

در سطح بین‌المللی نیز تقویت نقش سازمان‌های ذی‌ربط و الزام کشورها به رعایت کنوانسیون‌های حفاظت از میراث فرهنگی امری ضروری است. ما باید با صدای رسا، تخریب عمدی آثار باستانی را به‌عنوان ترور هویت بشری محکوم کرده و از نهادهای جهانی بخواهیم صیانت از این سرمایه‌های نمادین را از پیچ‌وخم بازی‌های سیاسی جدا سازند.

هم‌زمان در سطح ملی، باید با تکیه بر مستندسازی دیجیتال و آموزش‌های عمومی، جوامع محلی را به نگهبانان اصلی ریشه‌های خود بدل کرد؛ چراکه این میراث ملموس و ناملموس، تنها یادگاری از گذشته نیستند، بلکه نبض تپنده

نظیر برگزاری المپیادهای مشترک، دوره‌های دانش‌افزایی و ایجاد فرصت‌های مطالعاتی برای پژوهشگران میراث مکتوب، به‌عنوان نقشه راهی برای آینده ترسیم شد. هدف از این اقدامات، تربیت نسلی از پژوهشگران است که با تسلط بر میراث کهن، توانایی بازیابی و بازخوانی این پیوندهای تاریخی را در عصر مدرن داشته باشند.

### چشم‌انداز آینده در مدار اکو

صدی سعدی که دهه‌ها عمر خود را وقف گسترش زبان فارسی کرده است، اکنون در قامت عضو پیوسته فرهنگستان ایران، پل ارتباطی استواری میان مراکز علمی دو کشور خواهد بود؛ از سوی دیگر، تأکید رئیس دانشگاه سمرقند بر گسترش تبادلات علمی با ایران، نویدبخش فصلی تازه در روابط فرهنگی کشورهای عضو اکو است؛ فصلی که در آن، تورهای علمی و گردشگری دانشگاهی می‌توانند بیش از پیش، شناخت میان دو ملت را تقویت کنند.

این پیوند علمی در سمرقند، تنها یک اقدام آموزشی نیست؛ بلکه بخشی از یک راهبرد کلان است که در آن، زبان فارسی به‌عنوان ریسمانی محکم، همگرایی کشورهای عضو اکو را در حوزه فرهنگ و تمدن تقویت می‌کند؛ حرکتی که می‌تواند الگویی موفق برای سایر کشورهای منطقه در مسیر تعاملات علمی و آموزشی باشد.

دکتر زهرا اصلانی

## تحلیل حقوق بین‌الملل درباره میراث فرهنگی در جنگ‌ها و نقش سازمان‌های بین‌المللی

### ۱. چارچوب بین‌المللی حفاظت از میراث فرهنگی در جنگ

میراث فرهنگی در حقوق بین‌الملل جایگاهی ویژه دارد و تخریب آن در زمان جنگ، لطمه‌ای به «میراث مشترک بشریت» تلقی می‌شود. مهم‌ترین سند بین‌المللی در این حوزه کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه است که تحت نظارت یونسکو اجرا می‌شود.

#### اصول کلیدی کنوانسیون لاهه

- ممنوعیت حمله به اماکن فرهنگی
- ممنوعیت استفاده نظامی از اماکن فرهنگی
- ضرورت علامت‌گذاری و مستندسازی در زمان صلح
- مسئولیت کیفری در صورت تخریب عمدی (طبق پروتکل ۱۹۹۹)

یونسکو همچنین «نشان سپر آبی» را برای علامت‌گذاری اماکن فرهنگی در زمان جنگ معرفی کرده است.

#### ۲. نقش یونسکو

##### یونسکو در زمان جنگ:

- هشدار رسمی درباره خطر تخریب میراث صادر می‌کند
- فهرست اموال فرهنگی در معرض خطر را منتشر می‌کند
- با دولت‌ها برای ایجاد «مناطق امن فرهنگی» همکاری می‌کند
- پس از جنگ، برنامه‌های بازسازی و ارزیابی خسارت را هدایت می‌کند

یونسکو در سال‌های اخیر بارها تأکید کرده که تخریب میراث فرهنگی می‌تواند «تهدیدی علیه صلح و امنیت فرهنگی» باشد.

#### ۳. نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)

ICRC ناظر اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، اما برخلاف تصور عمومی، بخش عمده فعالیت‌هایش محرمانه و دیپلماتیک است.

#### نحوه عمل صلیب سرخ

- گفت‌وگوهای محرمانه با طرف‌های درگیر
- یادآوری تعهدات حقوقی درباره حفاظت از اماکن فرهنگی
- ثبت و مستندسازی موارد نقض (عمدتاً محرمانه)
- همکاری فنی با یونسکو در ارزیابی خسارات

صلیب سرخ معمولاً گزارش‌های عمومی منتشر نمی‌کند مگر در شرایط استثنایی.

#### ۴. نقش شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)

شورای امنیت می‌تواند تخریب گسترده میراث فرهنگی را «تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی» تلقی کرده و قطعنامه صادر کند.

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز می‌تواند در دعاوی میان دولت‌ها درباره نقض تعهدات فرهنگی و بشردوستانه رسیدگی کند.

#### ۵. نقش دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

ایران، آمریکا و اسرائیل هیچ‌کدام عضو اساسنامه

رم نیستند.

بنابراین ICC صلاحیت خودکار برای رسیدگی به تخریب میراث فرهنگی در جنگ احتمالی میان این کشورها ندارد.

ICC فقط در سه حالت می‌تواند ورود کند:

۱. ارجاع شورای امنیت سازمان ملل تنها راه ورود مستقیم ICC به وضعیت کشورهای غیرعضو.
- (نمونه تاریخی: سودان - دارفور)

۲. وقوع جرم در قلمرو یک دولت عضو

اگر حمله به میراث فرهنگی در خاک کشوری رخ دهد که عضو ICC است، دیوان می‌تواند رسیدگی کند - حتی اگر عاملان از کشورهای غیرعضو باشند.

#### ۳. پذیرش موردی صلاحیت (Ad hoc)

یک دولت غیرعضو می‌تواند به صورت محدود و موردی صلاحیت ICC را بپذیرد.

#### ۶. وظایف حقوقی طرف‌های درگیر در هر جنگ احتمالی

صرف‌نظر از اینکه کدام طرف آغازگر باشد، همه طرف‌ها - بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی و کنوانسیون‌های موجود - موظف‌اند:

- از حمله به اماکن فرهنگی خودداری کنند
- از استفاده نظامی از اماکن فرهنگی پرهیز کنند
- تدابیر احتیاطی برای کاهش آسیب اتخاذ کنند
- از اقدامات تلافی‌جویانه علیه میراث فرهنگی خودداری کنند
- مسئولیت کیفری افراد را بپذیرند

این تعهدات حتی برای کشورهای عضو کنوانسیون ۱۹۵۴ نیستند نیز عرفی و الزام‌آور محسوب می‌شود.

#### نتیجه‌گیری

در هر جنگی - از جمله جنگ ایران و آمریکا و اسراییل ۲۰۲۶ - میراث فرهنگی یکی از نخستین قربانیان خاموش است. سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو، ICC و شورای امنیت هرکدام نقش‌های متفاوت اما مکمل دارند.

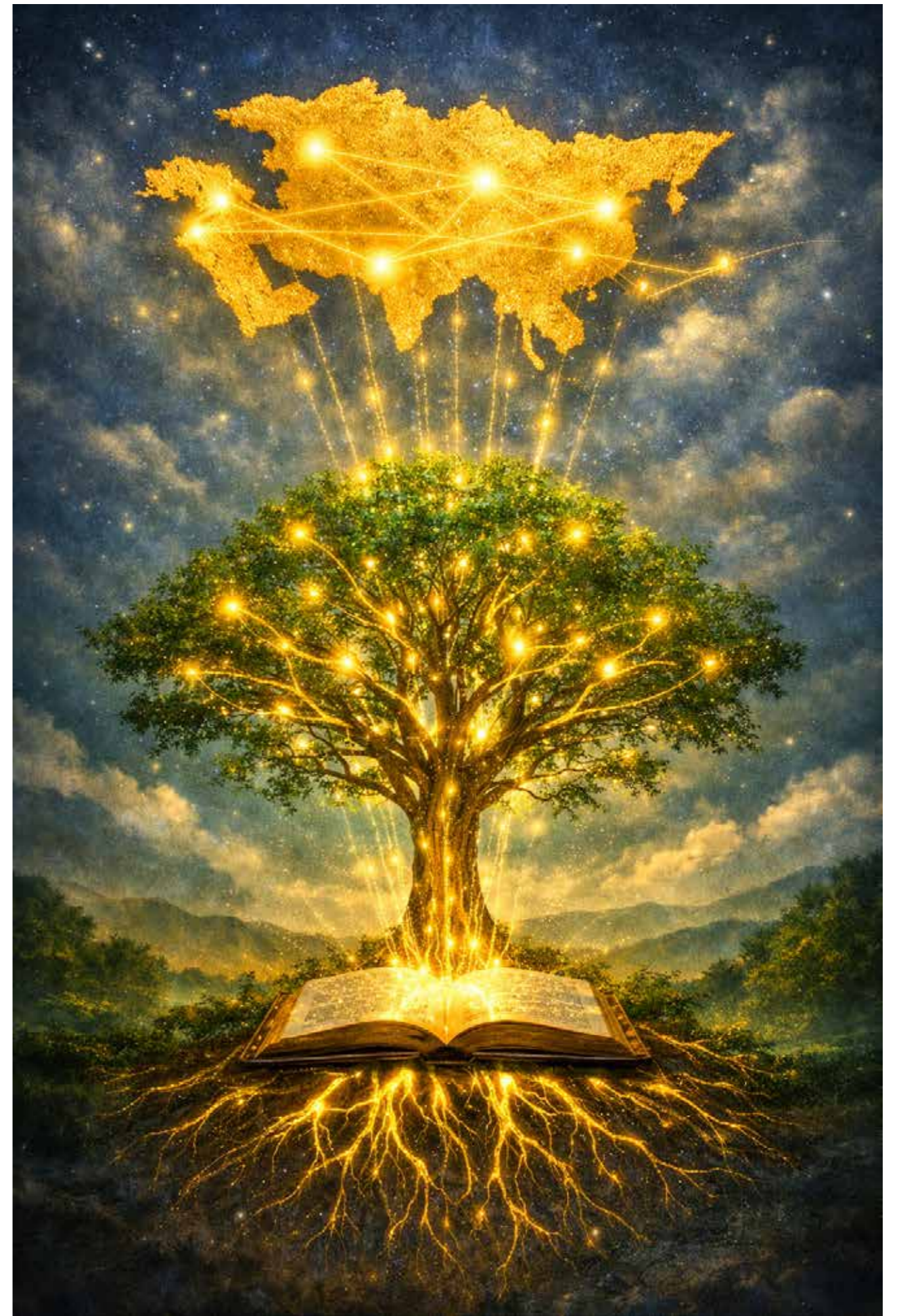
در سطح منطقه‌ای نیز مؤسسه فرهنگی اگو می‌تواند با اعمال دیپلماسی فرهنگی و به عنوان رابط و هماهنگی‌کننده میان کشورهای عضو اگو، نقش مؤثری در تأکید بر اهمیت حفاظت از میراث مشترک ملت‌های عضو ایفا کند.



# فصل سوم

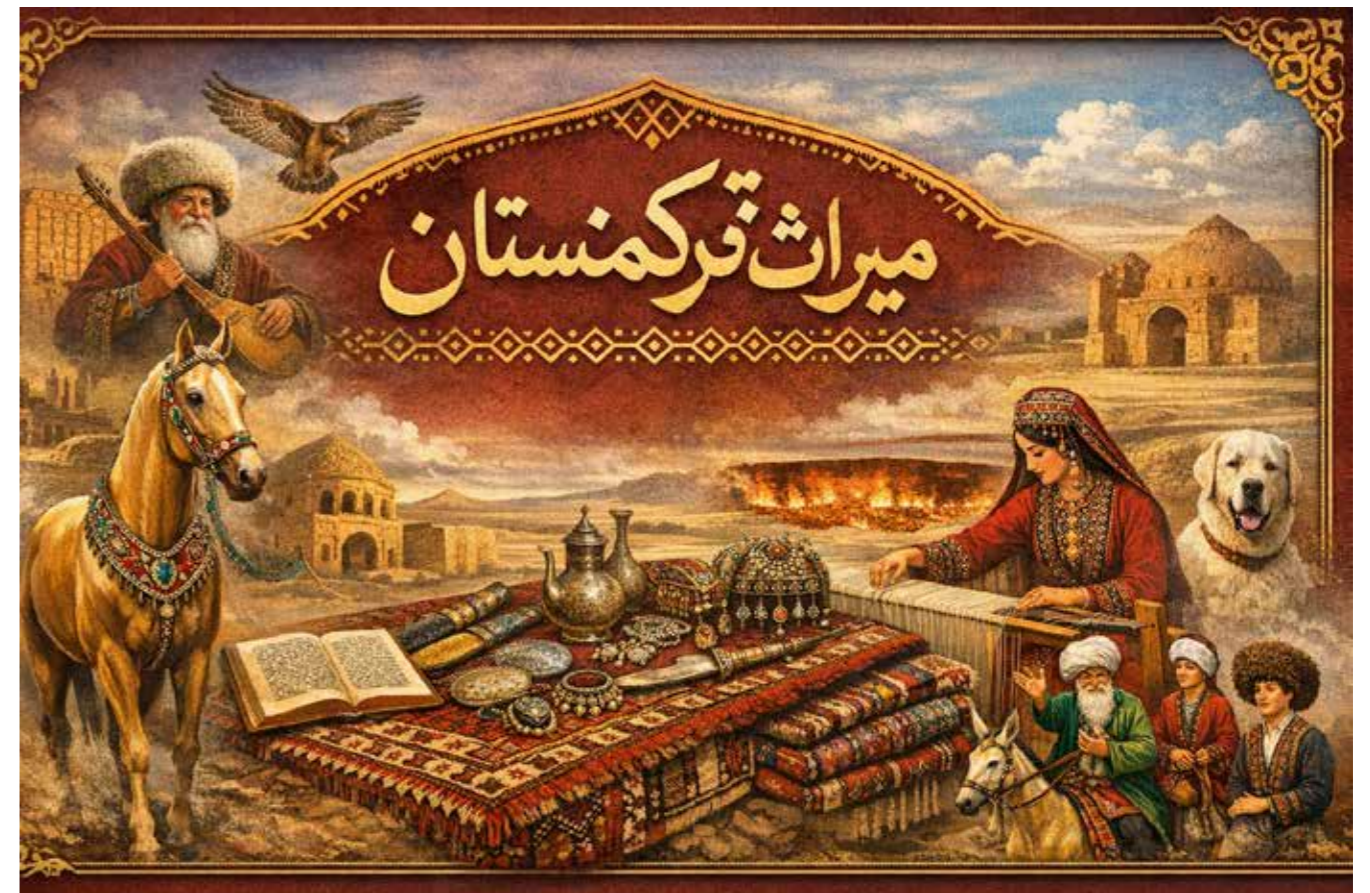
## ویژه‌نامه

(فصلی برای تأمل و تعامل تحلیل‌های عمیق، گفت‌وگوهای تخصصی و مقالات منتخب درباره یک محور فرهنگی مشترک)



# میراث ناملموس ترکمنستان؛

## از سیاست‌گذاری دولتی تا راهبرد ثبت جهانی و نمادهای هویتی



مریم شایگان  
کارشناس فرهنگی موسسه فرهنگی اکو

### میراث ناملموس ترکمنستان؛ از سیاست‌گذاری دولتی تا راهبرد ثبت جهانی و نمادهای هویتی

#### مقدمه

ترکمنستان در دههٔ اخیر یکی از منسجم‌ترین الگوهای سیاست‌گذاری میراث ناملموس را در آسیای مرکزی ارائه کرده است. این کشور با اتکا به چارچوب‌های حقوقی، نهادهای تخصصی و برنامه‌های ملی، میراث ناملموس را از سطح «سنت‌های پراکنده» به سطح «مسئلهٔ دولت» ارتقا داده است. در این مقاله، نخست روند تبدیل میراث ناملموس به سیاست عمومی بررسی می‌شود، سپس راهبرد ثبت جهانی ترکمنستان تحلیل می‌گردد، و در نهایت دو عنصر محوری-اسب آخال‌تکه و فرش ترکمنی-به‌عنوان آینه‌های سیاست فرهنگی این کشور تحلیل می‌شوند.

#### ۱. از کوراوغلو تا قانون؛ چگونه میراث ناملموس به «مسئلهٔ دولت» تبدیل شد؟

در ادبیات رسمی ترکمنستان، میراث ناملموس نه یک «بخش فرهنگی» بلکه هستهٔ تجربهٔ معنوی و تاریخی ملت ترکمن معرفی می‌شود. این نگاه در رسانه‌های دولتی، سخنرانی‌های رسمی و اسناد وزارت فرهنگ به‌صورت مکرر تکرار می‌شود و شامل طیفی گسترده از عناصر است: فولکلور، حماسه‌ها، صنایع‌دستی، فرش‌بافی، نمدالی، جواهرسازی، موسیقی و رقص، معماری بومی، آیین‌ها و رسوم اجتماعی.

اما این نگاه صرفاً شاعرانه نیست؛ پشت آن یک چارچوب حقوقی و نهادی دقیق شکل گرفته است که میراث ناملموس را به یک پروژهٔ دولتی تبدیل کرده است.

#### ۱.۱. پیوستن به کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو (۲۰۱۱)

ترکمنستان در سال ۲۰۱۱ به کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس پیوست. این اقدام نقطهٔ آغاز یک سیاست‌گذاری نظام‌مند بود که بعدها به ایجاد نهادهای تخصصی و برنامه‌های

ملی انجامید.

۱.۲. ایجاد دفتر میراث فرهنگی ناملموس (۲۰۱۴)  
در سال ۲۰۱۴، وزارت فرهنگ ترکمنستان دفتر میراث ناملموس را تأسیس کرد. وظایف این دفتر عبارت است از:

- شناسایی و مستندسازی عناصر میراث
- طبقه‌بندی و تدوین فهرست ملی
- آموزش و انتقال بین‌نسلی
- تهیه پرونده‌های ثبت جهانی
- برگزاری جشنواره‌ها و برنامه‌های ترویجی

این دفتر طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ بیش از ۱۲۰ عنصر میراث ناملموس را در سطح ملی ثبت کرده است.

#### ۱.۳. قانون «حفظ میراث فرهنگی ناملموس ملی» (۲۰۱۵)

این قانون میراث ناملموس را به‌عنوان «دارایی ملی» تعریف می‌کند و دولت را موظف می‌سازد که:

- فهرست ملی میراث ناملموس را تدوین و به‌روزرسانی کند
- برنامه‌های آموزشی و پژوهشی ایجاد کند
- از استادکاران و حاملان میراث حمایت مالی کند
- برای ثبت جهانی عناصر واجد شرایط اقدام کند

#### ۱.۴. برنامهٔ دولتی ۲۰۱۵-۲۰۲۰

این برنامه شامل گردآوری میدانی، ثبت دیجیتال، پژوهش دانشگاهی، ایجاد بانک اطلاعاتی ملی و برگزاری جشنواره‌های سالانه بود. این مجموعه اقدامات، میراث ناملموس را از سطح «آیین‌های پراکنده» به سطح موضوع سیاست عمومی ارتقا داده است.



ب) نقش زنان در انتقال میراث فرش بافی عمدتاً توسط زنان انجام می‌شود و بخشی از هویت اجتماعی و فرهنگی آنان است.

ج) **ثبت جهانی و سیاست فرهنگی**  
ثبت جهانی فرش ترکمنی در سال ۲۰۱۹ سه پیام داشت: ۱. تثبیت فرش به‌عنوان میراث ملی ۲. افزایش اعتبار بین‌المللی صنایع دستی ۳. تقویت اقتصاد فرهنگی



د) **فرش به‌عنوان ابزار دیپلماسی**  
فرش ترکمنی در مراسم رسمی، هدایای دولتی و نمایشگاه‌های بین‌المللی حضور دائمی دارد.  
ه) **جمع‌بندی**

فرش ترکمنی، همانند آخال‌تکه، بخشی از راهبرد کلان ترکمنستان برای ساخت و نمایش هویت ملی است.



نتیجه‌گیری نهایی  
ترکمنستان با ترکیب سه ابزار-قانون، نهاد و ثبت جهانی-توانسته است میراث ناملموس را به ستون هویت ملی و ابزار دیپلماسی فرهنگی تبدیل کند. این کشور با انتخاب آگاهانه عناصر حماسی، موسیقایی، هنری و نمادین، تصویری از خود می‌سازد که در آن ریشه‌های تاریخی، هنرهای زنده و نمادهای ملی در یک منظومه منسجم قرار می‌گیرند. آخال‌تکه و فرش ترکمنی، دو نماد محوری این منظومه‌اند؛ یکی در قلمرو قدرت و شکوه، دیگری در قلمرو زیبایی و حافظه.

## ۲. راهبرد ثبت جهانی؛ نقشه‌ای برای دیده‌شدن در مقیاس بین‌المللی

ترکمنستان در کنار حفاظت داخلی، به‌طور هدفمند به سمت ثبت عناصر میراث ناملموس در فهرست نماینده یونسکو حرکت کرده است. ثبت‌های جهانی نه فقط جنبه فرهنگی، بلکه کارکرد دیپلماسی نرم دارند و تصویر بین‌المللی کشور را بازسازی می‌کنند.

### ۲.۱. عناصر ثبت‌شده در یونسکو

- حماسه کوراوغلو - ۲۰۱۵
- آیین آواز و رقص گشت‌دپدی - ۲۰۱۷
- هنر سنتی فرش بافی ترکمنی - ۲۰۱۹
- ساخت دوتار و هنر اجرای موسیقی همراه با آواز - ۲۰۲۱
- سوزن‌دوزی ترکمنی - ۲۰۲۲
- ابریشم‌ریسی و بافت پارچه ابریشمی - ۲۰۲۲
- روایت‌های طنزآمیز آفندی/ملا نصرالدین - ۲۰۲۲
- هنر پرورش اسب آخال‌تکه - ۲۰۲۳
- هنر پرورش سگ آلابای ترکمنی - ۲۰۲۵

### ۲.۲. چهار محور اصلی میراث ناملموس ترکمنستان

- الف) محور حماسی-روایی: کوراوغلو، روایت‌های آفندی  
ب) محور موسیقایی-آیینی: گشت‌دپدی، دوتار و آواز  
ج) محور هنرهای کاربردی: فرش، سوزن‌دوزی، ابریشم  
د) محور هویت حیوانی-نمادین: آخال‌تکه، آلابای

این انتخاب‌ها تصادفی نیست؛ آن‌ها تصویری از ترکمنستان می‌سازند که در آن ریشه‌های تاریخی، هنرهای زنده و نمادهای ملی در کنار هم قرار می‌گیرند.

## ۳. آخال‌تکه و فرش ترکمنی؛ دو آینه سیاست فرهنگی ترکمنستان

۳.۱. **آخال‌تکه؛ از اسب تا نماد دولت-ملت**  
اسب آخال‌تکه در ترکمنستان فقط یک نژاد اسب نیست؛ یک نماد سیاسی-فرهنگی است که در گفتمان رسمی دولت، ادبیات رسانه‌ای و حتی معماری شهری حضور دائمی دارد.

### الف) ریشه تاریخی و حافظه جمعی

آخال‌تکه در روایت‌های حماسی ترکمن‌ها-به‌ویژه در کوراوغلو-به‌عنوان اسب پهلوانان و نشانه نجابت معرفی می‌شود.

### ب) سیاست فرهنگی و بازنمایی رسمی

- ثبت جهانی «هنر پرورش اسب آخال‌تکه»
- روز ملی اسب ترکمن
- مجسمه‌های بزرگ آخال‌تکه در عشق‌آباد
- حضور در اسکناس‌ها، تمبرها و هدایای دیپلماتیک

### ج) آخال‌تکه به‌عنوان ابزار دیپلماسی فرهنگی

اهدای اسب‌های آخال‌تکه به رهبران کشورها و حضور آن‌ها در جشنواره‌های بین‌المللی بخشی از راهبرد دیپلماسی نرم ترکمنستان است.

### د) جمع‌بندی

آخال‌تکه یک نماد چندلایه است: حیوان-حماسه - هویت - دولت - دیپلماسی.

### ۳.۲. فرش ترکمنی؛ متن بافته‌شده هویت

فرش ترکمنی یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای فرهنگی ترکمنستان است و در سیاست فرهنگی این کشور جایگاهی بنیادین دارد.

### الف) فرش به‌عنوان آرشیو بصری

نقوش فرش ترکمنی حامل اطلاعات قبیل‌های، جغرافیایی و تاریخی‌اند؛ فرش یک متن فرهنگی است.

# ویژه نامه ترکمنستان : حکمت زیست در کویر

## بازخوانی دانش بومی و میراث سازندگی در ماوراءالنهر



مریم شایگان  
کارشناس فرهنگی موسسه فرهنگی اکو

### ویژه نامه ترکمنستان: تداوم تمدنی در اقلیم کویر

#### مقدمه:

تمدن ماوراءالنهر، فراتر از روایت‌های کلاسیک تاریخی، محصول «هوش انطباقی» با اقلیم سخت بیابانی است. در این پرونده، می‌کوشیم تا به دور از نگاه سطحی، به «منطق حاکم» بر میراث مادی و معنوی ترکمنستان بنگریم. آنچه امروز به عنوان «میراث فرهنگی» ارج می‌نهم، در زمان پیدایش خود، «راه‌حل‌های عملی» برای بقا و شکوفایی بوده‌اند. این نوشتار، تلاشی است برای بازخوانی خرد بومی در پنج رکن کلیدی؛ راهی که پیوند میان طبیعت، سازه و انسان را در یک پارادایم واحد تعریف کرده است.

#### ۱. آرامگاه سلطان سنجر؛ نبوغ مهندسی در معماری سلجوقی

آرامگاه سلطان سنجر در مرو، نه تنها به عنوان نگین معماری سلجوقی، بلکه به مثابه‌ی یک آزمایشگاه بزرگ مهندسی شناخته می‌شود. این بنا، گواهی است بر توانمندی تمدن‌های سده‌های میانی که توانستند با تکیه بر هندسه و مصالح در دسترس، سازه‌هایی ماندگار خلق کنند.

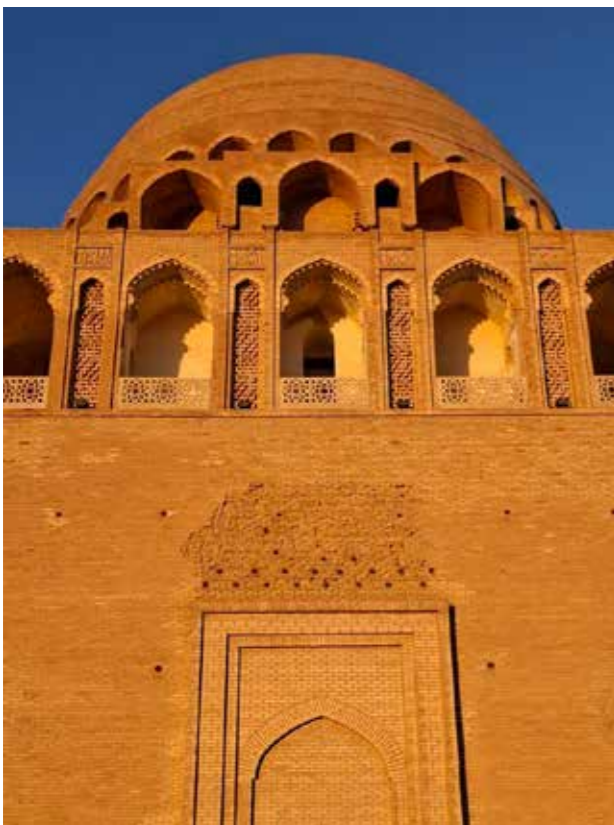
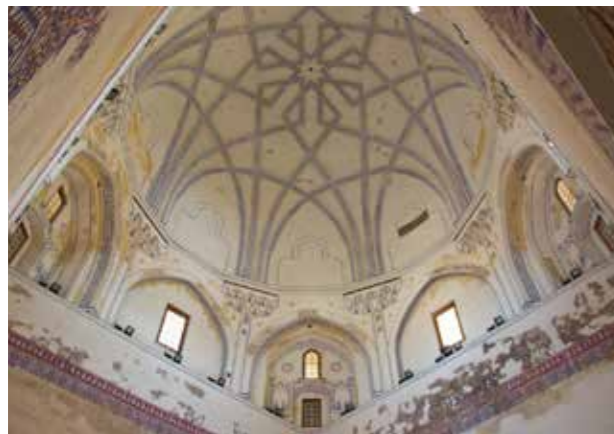
**الف) معماری دوپوسته؛ پاسخ به اقلیم و سازه**  
یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای مهندسی این بنا، اجرای «گنبد دوپوسته» است. این تکنیک، راهکاری نبوغ‌آمیز برای مدیریت وزن سازه و ایجاد هارمونی بصری بود. پوسته‌ی درونی، با تناسباتی انسانی، فضای معنوی مقبره را شکل می‌دهد، در حالی که پوسته‌ی بیرونی با فرمی کشیده، هم در



برابر بادهای کویری مقاومت می‌کند و هم شکوه بنا را از دوردست‌ها به رخ می‌کشد.

#### ب) ایستایی در برابر لرزش

تحلیل‌های باستان‌شناسان سازه نشان می‌دهد که استفاده از ملات‌های مبتنی بر گچ و آهک با دانه‌بندی خاص، خاصیتی «ارتجاعی» به بنا بخشیده است. برخلاف مصالح خشک مدرن، این





### سخن آخر: بازگشت به خرد بومی

بازخوانی این پنج رکن، ما را به این نتیجه می‌رساند که تمدن ترکمنستان، محصول «هوش انطباقی» و خرد زیسته‌ی نسل‌هاست. این میراث، «موزه» نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از راه‌حل‌های هوشمندانه برای چالش‌های پایدار زندگی بشر است.

در دنیای معاصر که در میان تندبادهای تغییرات اقلیمی و بحران‌های هویتی گرفتار شده است، رجوع به این «دانش نهفته»، نه یک بازگشت ارتجاعی، بلکه یک ضرورت تمدنی است. این پرونده، دعوتی است به تمامی اندیشمندان کشورهای عضو اکو، تا با دیدی تحلیلی و خلاقانه، این میراث را نه به عنوان «خاطره»، بلکه به عنوان «راه‌حلی برای آینده» بازخوانی کنند. تمدن پایدار، در پیوند میان ریشه‌های عمیق فرهنگی و نوآوری‌های امروز بشری شکل می‌گیرد.

فرش، به سندی گویا از هویت اجتماعی آن تبدیل می‌شد.

### ب) هنر ماندگار

این نقش‌ها، «فرهنگ‌نامه‌ی بصری» جامعه بودند. در شرایطی که امکان ثبت وقایع در کتاب‌ها محدود بود، ذهن خلاق انسان ترکمن، با تار و پود فرش و پارچه، «تاریخ» را بر کف چادرها و دیواره‌های خانه‌ها ثبت می‌کرد. حفظ این نقش‌مایه‌ها، در حقیقت حفظ استمرار فرهنگی و پیوند میان گذشته و حال است.

### ۵. پارچه‌ی «کتنی»؛ دانش مدیریت دما در پوشاک

پارچه‌ی «کتنی»، نمونه‌ی شاخصی از «اقتصاد زیستی» در فرهنگ ترکمن است؛ جایی که هنر با ویژگی‌های کاربردی پیوند می‌خورد.

### الف) فناوری بافت اقلیمی

فرآیند تولید کتنی، با دستگاه‌های سنتی «تارا»، محدودیت‌هایی داشت که به زیبایی‌شناسی خاصی منجر شد. این پارچه‌ها به دلیل ماهیت الیافی طبیعی و تراکم بافت، در اقلیم متغیر کویری، مانند یک سیستم «تبادل حرارتی هوشمند» عمل می‌کنند. کتنی در تابستان سوزان، مانع جذب حرارت شده و در زمستان، عایق برودت است.

### ب) وقار فرهنگی

استفاده از ابریشم در کتنی، تنها به معنای نمایش ثروت نیست، بلکه نمادی از «وقار انسانی» است. این لباس، پیوند میان آسایش جسمی و هویت فرهنگی را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که تمدن‌های اصیل، همواره «زیبایی» را در کنار «کارکرد» جست‌وجو می‌کرده‌اند.

باشد، ابزاری برای حفظ «تاریخ شفاهی» است. این ساز، در جوامع کوچ‌نشین، نقش «رسانه‌ی عمومی» را ایفا می‌کرد.

### الف) دانش متریال (موادشناسی)

انتخاب هوشمندانه‌ی چوب «توت» برای کاسه‌ی طنینی، به دلیل خواص آکوستیک و ارتعاشی آن، نشان‌دهنده‌ی تجربه‌ی طولانی‌مدت سازندگان است. همچنین، بهره‌گیری از چوب «زردآلو» برای دسته به دلیل استحکام کششی بالا در برابر فشار سیم‌ها، گواهی است بر درک دقیق آن‌ها از «مقاومت مصالح».

### ب) بخشی‌گری؛ فراتر از نوازندگی

موسیقی بخشی‌ها، نظامی پیچیده از نغمات است که به حافظه‌ی جمعی ایل پیوند خورده است. نوازنده‌ی دوتار، هم‌زمان مورخ، شاعر و حکیم ایل بود. هر نغمه، کدی بود برای انتقال داستان‌های اخلاقی، حماسی و اساطیری. دوتار، ابزار پیوند نسل‌ها بود و در غیاب متون مکتوب، «فرهنگ» را در جان مردم دشت جاری می‌ساخت.

### ۴. نقش‌مایه‌های «گل»؛ هندسه‌ی هویت

نقوش سنتی در فرش و پارچه‌های ترکمن که با نام «گل» شناخته می‌شوند، یک «زبان بصری» برای بیان هویت جمعی هستند.

### الف) کدگذاری اجتماعی

این نقش‌های متقارن و هندسی، فراتر از زیبایی‌شناسی صرف، شناسنامه‌ی طایفه‌ای بافنده بودند. هر نقش، داستانی از ریشه‌های قومی و تعلقات جغرافیایی ایل را در خود داشت. بافندگان ترکمن با استفاده از ریاضیات ذهنی، نقوش تکرارپذیر را چنان دقیق می‌بافتند که هر

ترکیب به سازه اجازه می‌دهد در برابر تکان‌های زمین‌ساختی منطقه، انرژی را جذب و مستهلک کند. این بنا، تجلی هماهنگی میان علم شیمی مواد و هندسه‌ی معماری است.

### ۲. شبکه‌های «کاریز»؛ الگوی حکمرانی مشارکتی بر منابع

در پهنه‌های خشک ترکمنستان، آب نه یک کالا، که «شریان حیات اجتماعی» بوده است. سیستم کاریزها (قنات‌ها) در این سرزمین، فراتر از یک مجرای آبرسانی، نمادی از «مدیریت عقلانی منابع» در تاریخ تمدن ماوراءالنهر است.

### الف) مهارت در شناخت بستر

حفر این تونل‌های زیرزمینی در خاک‌های منطقه، مستلزم شناخت دقیق توپوگرافی و جریان‌های زیرزمینی بود. سازندگان کاریزها با تنظیم دقیق شیپ کف تونل، تعادلی میان «سرعت جریان» و «پایداری دیواره‌ها» ایجاد می‌کردند. این دقت ریاضی‌وار، از فرسایش تونل‌ها و رسوب‌گذاری‌های بیهوده جلوگیری می‌کرد.

### ب) پیمان اجتماعی آب

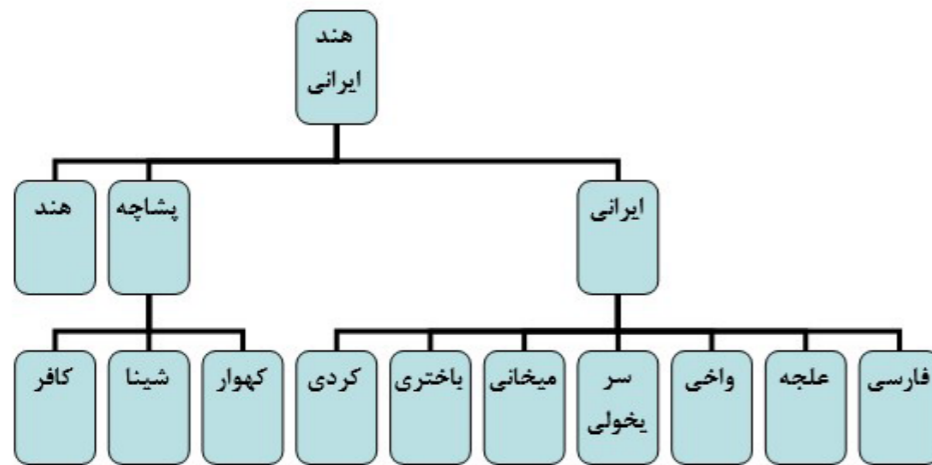
کاریز در ترکمنستان، «قرارداد اجتماعی» بود. نگهداری این شبکه، نیازمند مشارکت دسته‌جمعی تمامی اعضای جامعه بود. این الگوی مدیریت مشارکتی، ضامن عدالت توزیعی در برداشت آب بود و از بروز تنش‌های اجتماعی بر سر منابع محدود جلوگیری می‌کرد. امروزه، بازخوانی این سیستم، الگویی الهام‌بخش برای شیوه‌های نوین مدیریت پایدار آب است.

### ۳. دوتار؛ رسانه‌ی حافظه‌ی شفاهی

دوتار در فرهنگ ترکمن، بیش از آنکه یک ساز

## آشنایی با زبان شینا (shina)

زبان "شینا" یکی از شاخه های مهم در نژاد هندو و آریایی می باشد . که در جدول ذیل آمده است.



# آشنایی با زبان شینا

تهیه و تنظیم: مهرداد رخشنده  
مدیر اجرایی موسسه فرهنگی اکو

گلگت و زبان شینا می نویسد پشایچه از قوم آریایی ها نبوده اند اما محققانی چون دکتر سید محی الدین پشایچه را جزیی از قوم آریا می دانند. در مورد پشایچه و اقوام آن داستانهای بسیار عجیب و غریبی نقل می نمایند، گفته می شود: این قوم افرادی بسیار تنومند، زحمت کش و غیرت مند بوده اند آقای راج ترنگنی در مقاله ای پشایچه ای را اقوامی آدم خوار معرفی نموده است، البته بعد از تحقیقات نتایج بدست آمده نشان می دهد این گونه صحبتها، افسانه می باشد و از آنجایی که این افراد برای مقاومت در مقابل سرمای کوهستان و کارهای سنگین اکثر گوشت حیوانات را میخوردند از این رو این گونه افسانه ها در مورد این قوم معروف گردیده است. داستان های کشمیری، از قوم پشایچه تاریخ های بسیاری را ذکر می نماید. در این داستان ها آمده است که بناکنندگان کشمیر قوم پشایچه بوده اند و زبان کشمیری از ترکیب پشایچه و زبان های محلی به وجود آمده است.

بیشتر زبانهایی که در پاکستان وجود دارد از هند آریایی به وجود آمده است. تمامی تاریخ شناسان و زبان شناسان در این امر توافق دارند که آریایی هایی که به هندوستان وارد شدند در ابتدا زبان "ویدی" را برای صحبت انتخاب نمودند و در مورد زبان "شینا" این نظریه دارای تطابق بیشتری می باشد که این زبان متعلق به آریاییهایی است که در منطقه ی گلگت و کوهستان وارد شدند این مردم را "شین" می گویند. زبان شینا به عنوان یکی از مهم ترین زبان های گروه داردی، نقش برجسته ای در مطالعات زبان شناسی تاریخی، مردم شناسی و بررسی تحولات فرهنگی شمال شبه قاره هند دارد. با وجود اهمیت تاریخی و زبانی، شینا نسبت به زبان های غالبی چون اردو و انگلیسی کمتر مورد توجه سیاست های زبانی و آموزشی کشور پاکستان قرار گرفته است. زبان "شینا" همانطوری که از جدول بالا قابل مشاهده است از شاخه های مهم زبان پشایچه می باشد دکتر ایم ایس ناموس در کتاب خود

با توجه به مستندات تاریخ این امر واضح است که زبان پشاپه یا همان "شینا" از زبان کشمیری به وجود آمده است. آقای میرغلام احمد کشفی در مقاله خود می نویسد: این امر کاملاً حقیقت دارد که کشمیر شامل استور، بلتستان، لداخ، گلگیت، داریل، چلاس و چترال می باشد. از لحاظ رابطه و زبان نیز با مناطق خارجی همچون تبت، چین، نپال، بوتان و... رابطه نزدیک دیده می شود.

البته زبان شینا در دهه های اخیر از زبان عربی تاثیر بسیار پذیرفته است و بعد از مسلمان شدن تعداد بسیاری از شین ها کلماتی همچون الله، قیامت، دعا، جزا و سزا، وضو، قلم، عید، تکبیر به این زبان اضافه گردیده است در این امر شکی وجود ندارد که زبان شینا از زبان سانسکریت تاثیر زیادی پذیرفته است اما به طور منظم هنوز هیچگونه کتابی یا مقاله ای در مورد رسم الخط این زبان تحریر نگردیده است.

زبان شینیایی که درحال حاضر وجود دارد در مراحل تکمیل و تغییر می باشد، در مناطق گلگت، استور، پونیال، چیللاس، و برخی دیگر از مناطق کلمات زبان های دیگر نیز به سرعت در آن وارد شده و جای جدیدی را برای خود باز نموده است در مناطقی که شینا رواج دارد اگر چنانچه کسی با این زبان آشنا نباشد به زحمت می تواند منظور خود را بفهماند، البته امروزه در تمامی مناطق به علت رواج زبان اردو کمی این زبان هم رایج گردیده است.

زبان شینا دارای شاخه های ذیل است:

- ۱- شینا خاص ۲- شینا بگروتی ۳- شینا نگری ۴-
- شینا اشکومنی ۵- شینا استوری ۶- شینا پولولوی
- ۷- شینا کوهستانی

شینا خاص

این شاخه در منطقه گلگت و پونیال استفاده می شود این زبان بسیار صاف و کمتر دارای الفاظ غیر است.

شینا بگروتی

این شاخه از زبان شنا در بگروت و حراموش (نام منطقه) رایج می باشد و فرهنگ آن بسیار زیاد است.

شینا نگری

این شاخه متعلق به شین های است که در مناطق هنزه و نگرآباد هستند و تاثیرات زبان بروشسکی در این شاخه بسیار زیاد است.

شینا اشکومنی

این شاخه در منطقه ی اشکو و عذر رایج است و تاثیر فراوانی از زبان کهوار پذیرفته است.

شینا استوری

این شاخه در مناطق استور و گریز رایج می باشد و تغییر چندانی در آن راه نیافته است . تنها لهجه و حروف تفاوت دارد .

شینا پولوی

این شاخه که تغییرات فراوانی در آن به وجود آمده مربوط به شین های است که در کوهستانها و در ارتفاعات آباد زندگی می کنند و زبان بلتی تاثیر بسزایی در این شاخه ایفا نموده است .

شنا کوهستانی

این شاخه در مناطق داریل، تانگیر، جل کوت و ... رایج است. زبان پشتو تاثیر بسزایی در آن نهاده است و از نظر تلفظ کلمات بسیار مشکل گردیده است .

### ویژگی های زبانی شینا:

واج شناسی

زبان شینا دارای نظام واجی نسبتاً پیچیده ای است و برخی تمایزهای آوایی کهن را حفظ کرده است. وجود همخوان های انسدادی و سایشی متنوع و تمایز میان واکه های کوتاه و بلند از ویژگی های شاخص آن به شمار می رود.

صرف و نحو

در سطح صرفی، شینا دارای جنس دستوری (مذکر و مؤنث) و نظام حالت های اسمی است. افعال از نظر زمان، وجه و نمود صرف می شوند و ساختار نحوی زبان غالباً به صورت فاعل-مفعول-فاعل (SOV) است.

واژگان

واژگان شینا ریشه های کهن هندوآریایی دارد و در عین حال تحت تأثیر تماس زبانی، وامواژه هایی از فارسی، اردو و در برخی مناطق از زبان های تبتی پذیرفته است.

خط و سنت نوشتاری:

زبان شینا به طور سنتی فاقد نظام نوشتاری استاندارد بوده و بیشتر به صورت شفاهی منتقل شده است. در دوره معاصر، تلاش هایی برای نگارش این زبان با استفاده از خط فارسی-عربی صورت گرفته است، اما هنوز استاندارد واحدی پذیرفته نشده است. این امر یکی از چالش های اساسی در آموزش و حفظ زبان شینا به شمار می رود.

### مقایسه ای میان زبان شینا و زبان کهور:

چترال و گلگت را می توان به دو بخش از یک جسم تشبیه نمود به علت موقعیت جغرافیایی، آب و هوایی و فطری، چنان روابط عمیقی در میان مردم این دو منطقه وجود دارد که می توان گفت زوال ناپذیر است در زمان های مختلف این دو منطقه دارای نام های مختلفی همچون درد دیسا، دردستان، بلور، بلورستان و... بوده اند در زمانهای قدیم مردم هر دو منطقه یک زبان یعنی پشاپه صحبت می نمودند بعد از مدتی به علت مسائل مختلفی چون دوری از هم به علت مسائل جغرافیایی زبانهای شینا و کهوار از دل پشاپه بیرون آمده و با تغییر زبان، بسیاری از فرهنگها و آثار و تمدن نیز تغییر یافت، تا آنجایی که در طرز پوشش نیز تغییرات فراوانی به وجود آمد. زبان کهوار تاثیر فراوانی از فارسی دری و پشتو پذیرفته اما متأسفانه این دو زبان نتوانستند آنطور که باید ترقی و پیشرفت نمایند و علت آن نبود امکان حمل و نقل و صعب العبور بودن راه های مناطق می باشد. البته همه ی زبان شناسان بر این امر اتفاق نظر دارند که دستورات زبانی، کلمات و لهجه ی این دو زبان کاملاً می تواند حیثیت یک زبان کامل را داشته باشد و در آن هیچگونه کمبود لغت و ادب وجود ندارد اما به علت عدم وجود نوشته هایی که مشخص نماید اصلیت این زبان و نوشته های آن چگونه بوده است تکمیل آن و اعلام آن به صورت یک زبان مستقل کمی دشوار به نظر می رسد چرا که تمامی الفاظ و دستورات زبانی این دو زبان سینه به سینه نقل گردیده است البته زبانشناسان خارجی از کشور های ژاپن، آلمان و ایتالیا بعد از یک دوره تحقیقات

مفصل و گذراندن بیش از یک سال در این منطقه در تلاش هستند تا خط نوشتاری را که از لحاظ قوانین بین المللی نیز تصدیق شده باشد تهیه نموده و این زبان را نیز در جهان اضافه نمایند. البته علت مهم دیگری نیز در عدم ارتقای این زبان وجود دارد و آن حضور فرمانروایان زبان فارسی در این مناطق می باشد چرا که زبان فارسی بعد از ورود خود توسط مبلغین اسلامی زبان رسمی گردید و مردم تلاش می نمودند این زبان را به عنوان زبان رسمی خود بشناسد رنجیت سینگ خود با زبان فارسی به هیچ وجه آشنایی نداشت اما گفته می شود زبان فارسی چنان در حکومت او نفوذ داشت که طوطیهای دربار او نیز به زبان فارسی حرف می زدند هنگامی که رنجیت سینگ خواست در پنجاب، هندی را رواج دهد با مخالفت بسیاری مواجه گردید و مجبوراً فارسی را زبان رسمی اعلام نمود مهاراجه نیز هنگامی که بر کشمیر حمله نمود زبان فارسی را زبان رسمی و مردمی منطقه اعلام نمود و بعد از ورود انگلیسها جنگ میان زبان فارسی و انگلیسی، زبان های شنا و کهوار را برای سالهای متمادی به باد فراموشی سپرد. البته مردم چترال با آمیختن فارسی در زبان کهوار توانستند شعرهای بسیار پرمغزی بسرایند و کلمات را نیز تغییر دادند. لازم به ذکر است در این نوشته به نام چند تن از شعرای مناطق چترال اشاره می نمائیم که شعرهای فارسی آنان در حد عالی شناخته می شود:

از آن میان آقایان مولانا محمد سیر، اتالیق محمدشکورغریب، شاهزاده تجمل شاه محوی، وزیر زاده معظم خان، محمد مغا، شاه سنگین علی، میرزا اطهر، کوهن بیگ، محمد افضل بیگ فاصل، میرزا احمد غفران، مولانا فضل کریم، جین، صوفی نظام الدین کهواری، محمد رضا، عبدالحق و مولوی سید میرشینا

در هر زبانی حروف تهجی و حروف الفبا نقش پایه های یک ساختمان را ایفا می نمایند و یک زبان بدون حروف تهجی ناقص است. با زبانهای شینا و کهواری نیز همین مشکل پیش آمد. به علت غلبه ی زبانهای فارسی و عربی مردم به جای اینکه به دنبال وضع گسترش زبان و حروف

تهجی زبان خود باشند از حروف عربی و فارسی استفاده نمودند و زبان شینا و کهواری با حروف عربی و فارسی نوشته می شد. حروف تهجی زبان شینا دارای ریشه ای بسیار قدیمی و اصیل است. افرادی که بر روی قواعد و گرامر و زبان حروف شینا تحقیق نموده اند عبارتند از دکتر لتنز، بدلف برنییر، دریو، دیوریند نایت، کرنل شام برگ، سراورل ستاین و بسیاری دیگر از محققین رشته ی زبان شناسی. همین افراد قواعد این زبان را نوشته و با استفاده از خط روحی حروف تهجی این زبان را برای همیشه ماندگار نمودند. دکتر تلز در کتاب معروف خود به نام قبیله ها و زبان درستان و دکتر بدلف در کتاب قبایل هندوکش بحثهای مفصلی بر اصالت و قدمت زبان شنا نموده اند. برخی از کتب که در مورد اصالت زبان شینا و قواعد آن نوشته شده است عبارتند از:

- ۱- قواعد و الفاظ زبان کهوار - نوشته اوبرئف
- ۲- تحقیقی بر روی زبان های هندی - نوشته گرئرسن
- ۳- تحقیقی در خصوص زبان های شمال غربی هندوستان - نوشته مارگن سترین
- ۴- زبانهای پشاپه و شاخه های آن در شمال غربی هند - نوشته مارگن سترین
- ۵- قواعد زبان شنا - نوشته گراهیم بیلی
- ۶- علائم نوشتاری گلگت - نوشته دکتر لورهارا
- ۷- درستان - نوشته دکتر تسز

نکته بسیار جالب این است که زبان شینا که خط نوشتاری ندارد، پس این افراد چگونه شعر گفته و چگونه تا به حال مانده است تمامی این شاعران بدون استفاده از قلم شاعرانی هستند که شاید در پاکستان نمونه باشند چون تمامی شعرهایی را که سروده بودند حفظ بودند و زبان به زبان نقل نموده اند و بعد از ورود زبان فارسی و عربی آنها را نوشته اند! البته باید اعتراف نمود زبان کهوار خیلی زود خود را با محیط مطابقت داده و با کمی تغییر در حروف و کلمات آن را در زبان خود وارد نمود. مثلاً موتور در زبان "شینا" همان موتور گفته و خوانده می شود. اما در کهوار

موتور را با کمی تغییر "موتورو" نموده و آن را در لغات خود اضافه نمودند. ترقی و پیشرفت زبان کهوار در سال ۱۹۱۷ م به اوج خود رسید. در این سال شاهزاده محمد ناصر الملک و محمد غفران با کمک یکدیگر قواعد و دستور زبان کهواری را مرتب نمودند. البته برای زبان "شینا" و ساخت قواعد آن امیر سینگ در سال ۱۸۹۴م کوششهایی نمود ولی از آنجایی که خود او با زبان شینا و حروف آن هیچ آشنایی نداشت، تلاش و کوشش او نتیجه ای را در بر نداشت. در سال ۱۹۹۱م آقای عبدالحکیم و در ۱۹۳۳م شاهزاده محمد مظفرالملک کتاب های داستانی در زبان کهواری و با قواعد را نوشتند که کمک بسیار زیادی به موفقیت این زبان نمود. خط این کتابها در حروف رومی بود و تفسیر و تبصره آن در زبانهای فارسی و انگلیس انجام گردیده است. در ۱۹۲۴م برای اولین بار رسم الخط کهواری را با رسم الخط زبان اردو ادغام نمودند و روز به روز به طرف بقا و ماندگاری پیش می رفتند. در حالی که شنا به جای ترقی به اثر پذیری از کهواری روی نمود. ساز و موسیقی منطقه چترال در گلگت و اطراف آن غلبه نمود و شاعری در زبان شنا به این سازها وابسته گردید لذا دیگر آن نغز گویی و لطافت از بین رفته و تنها به کلماتی تبدیل گردید که برای هماهنگی با موسیقی ردیف می گردید سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۰م سالهای طلایی پیشرفت زبان های شنا و کهواری به شمار می رود. در این سال ها شاعری هر دو زبان توجه مردم را به سوی گسترش زبان خود جلب نمود و با مسلک شدن رسم الخط کهواری با زبان اردو انقلابی در زمینه نوشتاری این خط و زبان بوجود آمد.

آقای محمد حسام الملک برای اولین بار قرآن مجید را به زبان کهواری ترجمه نمود و بر غنائی و جاودانگی زبان افزود: بعد از آن آقای مولوی محمد وزیر خان کتابی مملو از شعرها و ترانه های کهواری را نوشت و در آن در باره قواعد و دستور زبان کهواری بحث نمود و با این دو کارنامه کهواری از شنا فاصله بسیاری گرفت و بر قله های ترقی و کمال نزدیک تر گردید در سال ۱۹۴۴م از پیشاور هفته نامه ای به نام "ترج میر"

شایع گردید و در آن تحقیق و توضیحات مفصلی پیرامون کهواری به مردم ارائه گردید. در سال ۱۹۴۷ پروفیسور اسرارالدین بانوشتن مقاله ای زبان و منطقه کهواری را به تمامی مردم پاکستان و جهان معرفی نمود و موضوعات زیر در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- منطقه چترال و تاریخ آن
- ۲- قبیله کهور و زبان کهواری
- ۳- تاریخ سیاسی
- ۴- کهوار در عصر حاضر
- ۵- ادب و فرهنگ کهواری
- ۶- شعرای کهواری

در سال ۱۹۴۵ برای اولین بار از رادیوی پاکستان واقع در شهر راولپنڈی برنامه های مخصوص به زبان شینا پخش گردید. در این سال شینا هم رسم الخط اردو را پذیرفت و بال و پر گرفت و با همت کسانی همچون: محمد افضل، فضل الرحمان عالمگیر، غیاث، کریم خان و فقیر محمد، داستانها و فیلم نامه های متعددی به زبان شینا نوشته شد. در سال ۱۹۶۱ کتاب بسیار ارزشمندی توسط دکتر ایم ایس ناموس به نام "گلگت و زبان شنا" نوشته شده است.

دکتر ناموس در کتاب خود بحث مفصلی بر زبان شنا از زاویه های مختلف نمود. آقای ناموس در مقدمه کتاب خود می آورد: "این نوشته در این میدان اولین نقش است" در جایی دیگر آمده: این اولین کتابی است که در تاریخ بر روی زبان شینا، قواعد آن، لهجه و طرز ادای حروف نوشته شده است.

در سال ۱۹۶۵م کتاب گلزار ملنگ جان به دست مردم رسید. این کتاب نوشته شاعر معروف شین آقایی خلیفه رحمت ملکن ججان می باشد که حاوی شعرهای شنا و فارسی می باشد.

از سال ۱۹۷۰ دور جدیدی در پیشرفت زبان شنا بوجود آمد. در این سال مقالات جدیدی به چاپ رسید که دارای اهمیت بسیاری است به چند نمونه از این مقاله ها اشاره می نمائیم.

- ۱- اردو، پشتو و کهوار - عنایت الهه فیضی

- ۲- گذشته، حال و آینده زبان کهوار - امیر خان امیر
- ۳- حیثیت زبان کهواری - وقار احمد
- ۴- تحقیقات غرب شناسان بر زبان کهواری - وزیر علی شاه
- ۵- زبانهای محلی در چترال - عنایت الله فیضی
- ۶- کهوار و ادبیات آن - پروفیسور اسرارالدین

بعد از ۱۹۷۰م پیشرفت های شگفت انگیزی در زبان شینا نیز رخ داد. در ۱۹۷۴ زبان شینا در مجله شهوار مورد بررسی تفصیلی قرار گرفت. در سال ۱۹۷۴ دیوان شاعری امین صفا به نام "سان" به چاپ رسید و می توان گفت: این دیوان اولین دیوان چاپ در زبان شینا می باشد.

در سال ۱۹۷۸م با همکاری انجمن گسترش زبان در مناطق شمالی حروف تهجی شنا آماده گردید. در سال ۱۹۷۸ دومین کتاب امین صفا با نام "مونوموری" یعنی ضرب المثلهای زبان شینا با همکاری لوك ورثه در اسلام آباد به چاپ رسید. در این کتاب از همان حروفی استفاده گردید که توسط انجمن گسترش زبان معین گردیده بود. در ماه ژوئن ۱۹۸۲ دانشکده شهر گلگت مجله ای به نام "بلورستان" به چاپ رسانید که مقالات فراوانی در مورد زبان شنا در آن به چاپ رسانید که برخی از آنان عبارتند از:

- ۱- نگاهی بر فرهنگ و تمدن گلگت - نوشته عبدالحمید خاور
- ۲- اقوام و زبان شینا - نوشته عثمان علی
- ۳- شاعری در زبان شینا - فضل الرحمان
- ۴- عا لمگیر
- ۴- شعرای شینا زبان در منطقه دیامر - ملوی راجی الرحمت
- ۵- ضرب المثل های شینا - عبدالخالق تاج
- ۶- آشنایی با گلگت و بلتستان - پروفیسور خالد کشمیری

در همین دوران دو کتاب غلام النصیر پیر تهک به نام "جواهر چلاسی" و "زاد سفر" به چاپ رسید.

آقای پیر تهك به ۳ زبان شینا، پشتو و فارسی تسلط کامل داشته و در هر سه زبان شعرهای بلند پایه ای دارد اکثر شعرهای ایشان از نوع عرفانی می باشد و تنها در زبان فارسی دارای ۵ دیوان شاعری است. در ۱۹۸۵م کتاب آقای اکبر حسین با نام "سومولو رسول" در زندگانی حضرت محمد (ص) به زبان شینا به چاپ رسید و اولین کتاب نثر در زبان شینا در این موضوع می باشد. در ۱۹۸۵م منظوم علی نیز کتاب تحقیقاتی خود را با نام "قراقرم و هندوکش" به چاپ رسانید. این کتاب دارای مقالات تحقیقی بسیار ارزشمندی در باره شینا می باشد. در نوامبر ۱۹۸۶ آقای امین ضیا کتاب سودمند دیگری به نام قواعد و دستور زبان شینا را به چاپ رسانید و برای اولین بار حروف تهجی و الفبای زبان شینا مورد بررسی قرار گرفت. در سال ۱۹۸۸م کتاب آقای گوهر علی به نام "رچالی شالو" به چاپ رسید. در سال ۱۹۸۹م کتاب بسیار ارزشمندی به نام بررسی افراد اهل قلم در گلگت توسط شیر باز علی خان بر چه به چاپ رسید که برای اولین بار به بررسی آشنایی و معرفی نمودن افراد اهل قلم در گلگت پرداخته بود.

در پایان این بخش باید گفت: هرچند زبان شینا به سرعت در حالت ترقی و پیشرفت است اما زبان کهواری غلبه خاصی دارد و در میدان، گوی سبقت را از زبان شینا ربوده است.

#### سرزمین زبان شینا:

گلگت سرزمین و پایتخت زبان شینا به حساب می آید با از بین رفتن فرهنگ این زبان حال تلفظ آن بسی آسان گردیده است. مناطقی که امروزه شینا در آن مناطق به طور رسمی رایج است عبارتند از: گلگت، نگر، هنزه، اشکومن، پونیال، استور، داریل و تانگیر، چیلان، هربن، سازن، جل کوت، پائس، دراس گلتری، روندو و گریز. طبق آمار محلی در سال ۲۰۲۳ در گلگت و بلتستان تعداد شینا زبانان به ۵۰۰ هزار نفر رسیده است اگر مابقی مردمی که در دیگر مناطق زبان شینا صحبت می کنند را به این آمار اضافه نمائیم در حدود ۱۵۰۰۰۰۰ خواهند گردید.

مذهب: در زمانهای قدیم (قبل از ظهور اسلام) گلگت محل

پرستش اجسام، انسانها و بت های مختلف بوده است. نمی شود گفت که قبل از اسلام دقیقا چه مذهبی در گلگت رایج بوده است. چرا که در هر منطقه چیز جداگانه ای را پرستش می نمودند. اما با ورود آریائیها مذهب خاص آنان نیز وارد این سرزمین گردید و افرادی که در این مناطق زندگی می نمودند مذهب آنان را پذیرفتند. آریائیهایی که وارد این سرزمین شدند "سوریا"، یعنی خورشید، "چندرمان"، یعنی ماه، "آگنی"، یعنی آتش و "ایز"، یعنی ابرها را می پرستیدند. سال ۵۰۰ ق م گلگت دچار تغییر بزرگی از لحاظ مذهب گردید و آن هم غلبه دین بودایی در این منطقه بود. مرکز این دین در آن زمانه بلخ بوده است و مبلغین با تبلیغ و سربازان با زور و شمشیر بودائیسیت را در این منطقه رواج دادند. آتش پرستی نیز از مذاهبی بود که تاثیر بسزایی در آداب و رسوم مردم گذارد و تا به حال آثار آن دیده می شود. آقای دکتر ایم ایس ناموس در کتاب خود می نویسد قبل از ورود آریائیها به این سرزمین مردمانی در این منطقه زندگی می نمودند که از لحاظ نسل و نژاد تورانی بوده اند و زبان خاصی را صحبت می نمودند که منقرض گردیده و هیچ اطلاعاتی از آن باقی نمانده است. آریائیها که از نسل شین بودند آنان را مغلوب نمودند و خود در این منطقه ی آباد زندگی کردند. مردمانی که قبل از آریائیها در این منطقه زندگی می نمودند به اسب ها علاقه ی خاصی داشتند. ساخت زین، نعل و سایر ابزار اسب سواری پیشه اکثر آنان بوده است و مسابقات بسیاری از اسب سواری در این منطقه برگزار می گردیده است. تصاویر حك شده از مسابقات سواری بر روی سنگ ها نیز از این گفته دفاع می نماید.

حروف تهجی (الفبای زبان شینا)

الفبای زبان شینا از زبانهای مختلفی برگرفته شده است.

۲۹ حرف از زبان عربی ( ۱- ب ... ه ، ی )

۴ حرف از فارسی پ، ج، گ، ژ

۴ حرف از هندی ت، د، ر، ی

۱۱ حرف مخلوط به "ه" از هندی به پ، چه- ده ده ره که گه

۸ حرف مخصوص اختراع شده ح قه- پر پس در ر - ن  
به این ترتیب الفبای زبان شینا دارای ۵۶ حرف می باشد.

وضعیت کنونی و چالشها:

امروزه زبان شینا با تهدیدهایی چون کاهش انتقال بین نسلی، سلطه اردو و انگلیسی در آموزش و رسانه ها و مهاجرت شهری مواجه است. با این حال، در مطالعاتی که انجام شده جنبش های محلی و پژوهش های دانشگاهی در زمینه ثبت ادبیات شفاهی و تدوین دستور زبان شینا در حال گسترش است.

#### منابع و مراجع علمی درباره زبان شینا

□ کتب و منابع کلاسیک

Bailey, T. G. (۱۹۲۴). Grammar of the Shina Language. London: The Royal Asiatic Society  
- یکی از نخستین گرامرهای تدوین شده درباره زبان شینا که پایه های ساختاری این زبان را بررسی می کند.

LUAWMS Journals

Radloff, C. F. & Backstrom, P. C. (۱۹۹۲). Languages of Northern Areas (vol ۲). Islamabad: National Institute of Pakistan Studies & SIL

- مروری بر زبان های شمال پاکستان از جمله شینا، با داده های اولیه و گفتاری.

LUAWMS Journals

Radloff, C. F. (۱۹۹۹). Aspects of the Sound System of Gilgiti Shina. Islamabad: National Institute of Pakistan Studies & SIL

- مطالعه واج شناسی (Phonology) گیلگیتی شینا

LUAWMS Journals

Tāj, 'Abdulkāhāliq (۱۹۹۹). Shīnā Zabān o Adab. Islamabad: Academy of Pakistan Literature

- کتابی درباره زبان و ادب شینا به زبان اردو، شامل واژگان و متون محلی

CiNii

مقالات علمی پژوهشی

Anwar, Z. ul H., Shams, S. A., & Khan, U. (۲۰۲۲). Suffixation in the Inflectional Morphemes of Shina Language. Balochistan Journal of Linguistics, ۱۰

- بررسی مورفولوژی و پسوندها در شینا با داده های میدانی

LUAWMS Journals

Hussain, A., Nawaz, M., & Ali, S. (۲۰۲۵). Language Shift Phenomenon: A Case Study of Shina Language. Linguistics and Literature Review

- مطالعه تغییر زبانی (Language Shift) در میان گویشوران شینا در برابر اردو و انگلیسی

UMT Journals

Zaman, M., Shahbano Jabeen, S., & Ali, M. (۲۰۲۵). Shina Language at Risk: A Sociolinguistic Study from Gilgit-Baltistan. Liberal Journal of Language & Literature Review, Vol ۳(۳)

- بررسی وضعیت اجتماعی-زبان شناختی و خطر انقراض شینا

Liberal Language Review

Akhtar, Y., Bibi, M., & Tarnum, N. (۲۰۲۵). Impact of Multilingualism on Shina Language in Urban Setting: Issues of Language Shift among Youth. Journal of Communication and Cultural Trends

- تأثیر چندزبانی و تغییر رفتار زبانی در میان جوانان شینا زبان

UMT Journals

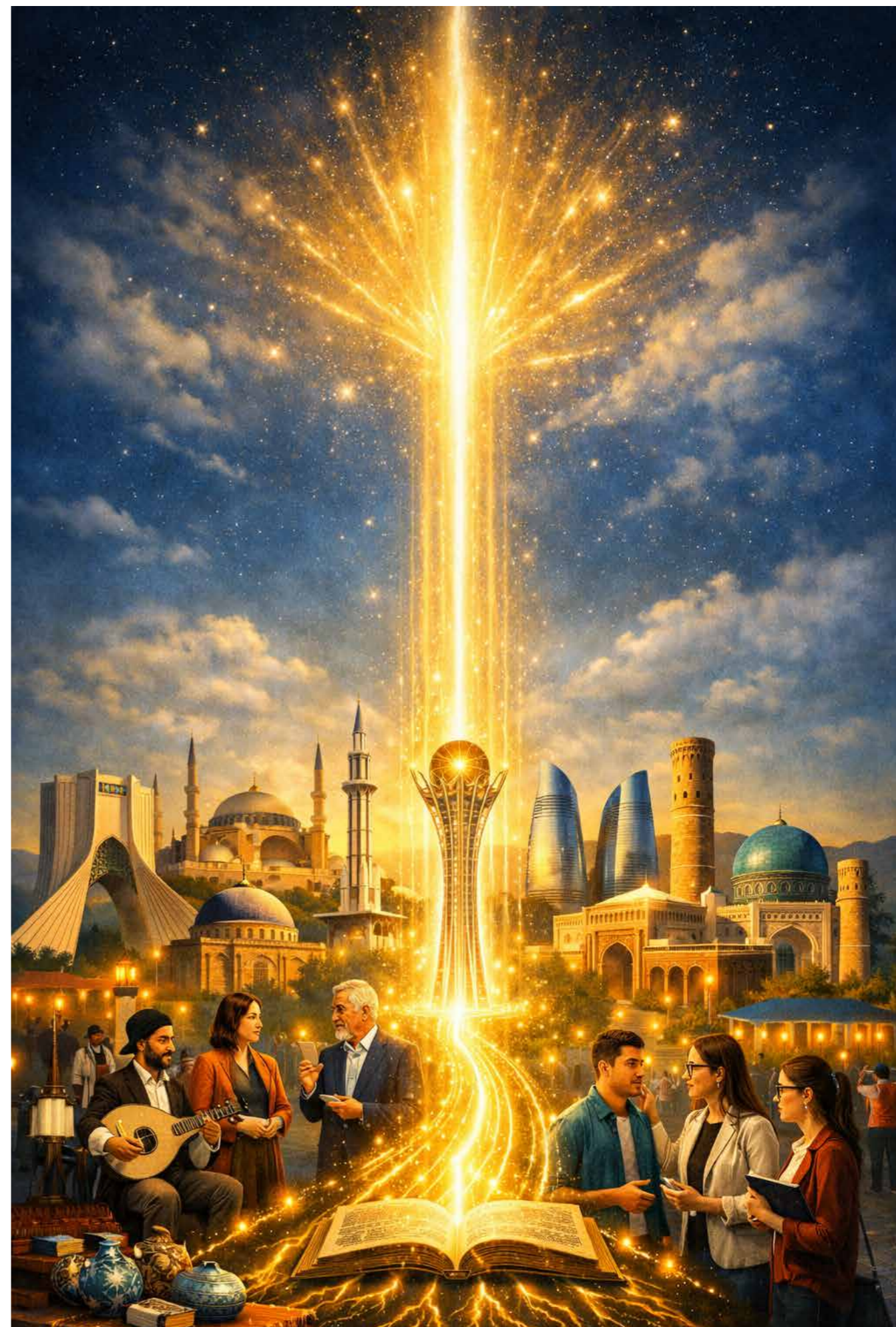
Shams, S. A., Khan, M., & Shah, M. (۲۰۲۰). The Impact of Dominant Languages on Regional Languages: A Case Study of English, Urdu, and Shina. Pakistan Social Sciences Review, ۱۱(۳), ۱۰۹۲-۱۱۰۶

- مطالعه تأثیر اردو و انگلیسی بر واژگان و استفاده از زبان شینا

Pakistan Social Sciences Review

# فصل چهارم

رویدادها، برنامه‌ها و اخبار فرهنگی  
منطقه اکو و مروری بر رویدادهای آتی



## چشم‌انداز نوین در مناسبات تهران-کابل؛ از همدلی میدانی تا شراکت راهبردی

به گزارش خبرگزاری صدای افغان (آوا)، دکتر فضل‌الهادی وزین، پژوهشگر و تحلیلگر برجسته مسائل سیاسی، با بررسی فضای دیپلماتیک پس از تحولات اخیر در منطقه، بر ضرورت بهره‌برداری استراتژیک از سرمایه‌های فرهنگی میان دو کشور تأکید کرد.

دکتر وزین، با اشاره به حمایت‌های گسترده و خودجوش مردم افغانستان از جمهوری اسلامی ایران در دوران چالش‌های اخیر، این همبستگی را فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی مقطعی دانسته و آن را بازتابی از پیوندهای عمیق تمدنی، دینی و تاریخی دو ملت می‌داند. از نگاه این تحلیلگر، این «سرمایه اجتماعی عظیم»، ظرفیتی است که اکنون باید به موتور محرکه‌ای برای فصل تازه‌ای از روابط دو جانبه تبدیل شود.

در تحلیل ارائه شده توسط دکتر وزین، تأکید بر «تغییر پارادایم» در روابط دو کشور کلیدی است. وی معتقد است زمان آن فرارسیده که تهران و کابل، با چشم‌پوشی از چالش‌های تاریخی و سیاست‌های فرسایشی گذشته، به سمت «شراکت راهبردی» حرکت کنند. حوزه‌هایی که در این نگاه جدید اولویت یافته‌اند، عبارتند از:

همکاری‌های علمی و فناوری: ایجاد برنامه‌های مشترک دانشگاهی و حمایت از نوآوری‌های جوانان دو کشور.

تسهیل‌گری اقتصادی: ضابطه‌مند کردن تجارت و رفت‌وآمد در چارچوب‌های شفاف قانونی جهت رشد متوازن اقتصادی.

دکتر وزین در پایان این ارزیابی، بر این نکته تأکید می‌کند که ایجاد این باب نوین در روابط، تنها

یک مسئولیت سیاسی نیست، بلکه یک «ضرورت منطقه‌ای» برای دستیابی به ثبات و شکوفایی جمعی است. از دیدگاه وی، مدیریت بهینه‌ی این فرصت تاریخی، می‌تواند ثمرات بلندمدتی برای منافع ملی هر دو کشور و امنیت پایدار در منطقه به همراه داشته باشد.

### تحکیم همبستگی منطقه‌ای؛ سرخس به مثابه‌ی کانون دیپلماسی بشردوستانه

به گزارش نوریوز، در رویدادی که نمادی از همگرایی راهبردی کشورهای حوزه‌ی آسیای مرکزی با جمهوری اسلامی ایران است، نخستین کاروان کمک‌های بشردوستانه‌ی جمهوری قرقیزستان از طریق مرزهای ریلی و جاده‌ای منطقه آزاد سرخس وارد کشور شد.

این محموله شامل هفت تریلی حامل اقلام دارویی و غذایی است که در مراسمی با حضور مقامات عالی‌رتبه‌ی داخلی و نمایندگان اعزامی قرقیزستان تحویل داده شد. نگاه تحلیلی به این رخداد نشان می‌دهد که اگرچه جمهوری اسلامی ایران از نظر تأمین مایحتاج عمومی در وضعیت مطلوبی به سر می‌برد، اما آنچه به این رویداد «ارزش راهبردی» می‌بخشد، نه حجم کمک‌ها، بلکه «پیام سیاسی و تمدنی» آن است.

منطقه آزاد سرخس در این فرآیند، نقشی فراتر از یک گذرگاه لجستیکی ایفا کرد. این منطقه به عنوان «دروازه‌ی ورودی دیپلماسی همسایگی»، بستری مناسبی را برای نمایش عمیق روابط دوستانه میان ایران و کشورهای حوزه‌ی CIS فراهم ساخت. همان‌طور که سعید امیراحمدی، مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد سرخس تأکید کرده است، این قبیل

تعاملات نمادین، در واقع «قراردادهای نانوشته‌ی مودت» میان ملت‌ها هستند که پایه‌های ثبات سیاسی در منطقه را مستحکم‌تر می‌کنند.

در نهایت، میزبانی سرخس از این کاروان، تأکیدی است بر این واقعیت که زیرساخت‌های تجاری منطقه، تنها برای مبادلات اقتصادی نیستند؛ بلکه می‌توانند به کانون‌هایی برای تقویت «سرمایه‌ی اجتماعی منطقه‌ای» و مدیریت بحران‌های احتمالی از طریق همکاری‌های جمعی اعضای اکو و کشورهای همجوار تبدیل شوند. این رویداد، گامی کوچک اما مؤثر در جهت ارتقای فضای همدلی منطقه‌ای و تبدیل مرزها به بسترهایی برای تعامل انسان‌دوستانه است.

### پیوند جان‌های هم‌زبان؛ بازتاب دیپلماسی ادبی در تهران و دوشنب

انتشار سروده‌ی استاد آذرخش، شاعر نامدار تاجیکستان در ستایش ایران، در ماه آوریل به یکی از رویدادهای برجسته‌ی دیپلماسی فرهنگی میان تهران و دوشنبه تبدیل شد. این اقدام که با بازتاب گسترده‌ی رسانه‌ای همراه بود، نه تنها یک رویداد ادبی، بلکه نمادی از «دیپلماسی ادبی» است که در آن، واژگان و شعر جایگاه بالاتری از پروتکل‌های دیپلماتیک پیدا می‌کنند.

این اتفاق نشان داد که حافظه‌ی تاریخی مشترک، همچنان قدرتمندترین ابزار برای تحکیم روابط میان کشورهای فارسی‌زبان منطقه است. تحلیلگران معتقدند که در عصر نوسانات سیاسی، تکیه بر این «سرمایه‌ی نمادین»، می‌تواند امنیت روانی و فرهنگی میان دو ملت را تضمین کرده و

بستری امن برای تعاملات سطح‌بالای اقتصادی و سیاسی فراهم آورد.

به پاس دوبلت فرهنگی، ایران زنده خواهد ماند،  
چون مهر نور بر ارژنگ، ایران زنده خواهد ماند!

به تاج و تخت جمشیدی، گل نوروز خورشیدی،  
شرف در سمن و اورنگ، ایران زنده خواهد ماند!

محبت خزان عالم، مقدس دانه عالم،  
به این تاریخ رنگارنگ، ایران زنده خواهد ماند.

به نور عشق و ایمان ما، به فیض علم و عرفان ما،  
چون مهر خرد در سمنگ، ایران زنده خواهد ماند.

به لب خنجر و فردوسی، به سینه حافظ و سعدی،  
همیشه مولوتی آهنک، ایران زنده خواهد ماند.

فریدون ما بر دانا بش، تهمتن ما گلستان بش،  
ابر پیروز بر هر جنگ، ایران زنده خواهد ماند!

## دوست؛ الگوی نوین دیپلماسی غیردولتی (پاکستان-ترکیه)

به گزارش اکسپرس تریبون، در اواسط مارس ۲۰۲۶، گروهی از نویسندگان و هنرمندان پاکستان و ترکیه، سازمان جدیدی تحت عنوان «دوست» (Dost) را با هدف ارتقای همگرایی تمدنی و دیپلماسی فرهنگی میان دو کشور تأسیس کردند.

تأسیس سازمان «دوست»، یک نمونه موفق از «دیپلماسی نرم» (Soft Power) است که باید به الگویی برای سایر کشورهای عضو اکو تبدیل شود. درحالی‌که دولت‌ها اغلب درگیر بروکراسی‌های رسمی دیپلماتیک هستند، این سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) می‌توانند با استفاده از زبان هنر، ادبیات و تاریخ، پیوندهای عمیق‌تری میان ملت‌ها ایجاد کنند.

نکته‌ی حائز اهمیت در این اقدام، تأکید بر «دیپلماسی شهروندی» است. ترکیه و پاکستان، با این اقدام فرهنگی، در واقع در حال شبکه‌سازی اجتماعی هستند که نتیجه‌ی آن در بلندمدت، ایجاد لابی‌های فرهنگی قدرتمند در حمایت از منافع مشترک دو کشور خواهد بود.

## احیای خرد معماری؛ همکاری فنی ازبکستان و ترکمنستان در بخارا

در ماه آوریل ۲۰۲۶، نشست تخصصی مرمتگران ازبکستان و ترکمنستان در شهر بخارا با محوریت «تکنولوژی‌های پایدار حفاظت از خشت و گل» برگزار شد. این نشست، فراتر از یک تبادل نظر ساده، تلاشی عملی برای حفظ میراث معماری سلجوقی و تیموری بود که امروزه به عنوان نمادی از «هوش سازه‌ای» در برابر اقلیم خشک ماوراءالنهر شناخته می‌شود.

این همکاری فنی، گامی جدی برای گذار از شعارهای همگرایی به سمت پروژه‌های اجرایی است. با تکیه بر دانش بومی، این دو کشور در حال ایجاد یک «استاندارد منطقه‌ای» برای حفاظت از بناهای تاریخی هستند؛ الگویی که می‌تواند برای سایر کشورهای عضو اکو، به‌ویژه در حفظ کاروانسراها و بناهای خشتی، نقشه راهی برای همکاری‌های علمی آینده باشد.

## میراث در گذر زمان؛ گام بلند قزاقستان و قرقیزستان در دیجیتال‌سازی

در ماه‌های مارس و آوریل، قزاقستان و قرقیزستان با اجرای فاز نخست پروژه‌ی «موزه‌ی مجازی عشایری»، گامی استراتژیک برای حفظ هویت کوچ‌نشینان برداشته‌اند. در دنیایی که شکاف میان نسل‌ها به دلیل دیجیتالی شدن سریع زندگی در حال افزایش است، این اقدام فناورانه، تلاشی برای ترجمه‌ی مفاهیم سنتی به زبان تکنولوژی روز است تا میراث ناملموس منطقه به فراموشی سپرده نشود.

این پروژه‌ی مشترک، نشان می‌دهد که چگونه فناوری می‌تواند به خدمت فرهنگ درآید و مرزهای جغرافیایی را برای دسترسی همگانی به میراث فرهنگی از میان بردارد. برای سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، این حرکت می‌تواند الگویی برای تعریف «گردشگری دیجیتال» در منطقه باشد که نه تنها باعث حفظ هویت می‌شود، بلکه بستری برای اشتغال‌زایی جوانان خلاق در حوزه‌ی فناوری‌های نرم ایجاد می‌کند.

## پاسداری از اصالت؛ روایت تاب‌آوری فرهنگی در

## افغانستان

گزارش‌های فرهنگی واصله از افغانستان در ماه آوریل، نشان‌دهنده تلاش‌های خستگی‌ناپذیر جامعه‌ی هنری و نهادهای محلی برای حفاظت از نسخه‌های خطی کهن و میراث مکتوب در مناطق مرکزی این کشور است. این «تاب‌آوری فرهنگی»، در شرایطی که بحران‌های اجتماعی منطقه را تهدید می‌کند، نشان‌دهنده آن است که هویت تاریخی، همچنان خط مقدم دفاع ملت‌ها در برابر زوال است.

این تلاش‌های خودجوش، مورد توجه محافل دانشگاهی حوزه‌ی اکو قرار گرفته و به عنوان نمونه‌ای از «دیپلماسی مردمی» مطرح شده است. این موضوع به ما یادآوری می‌کند که حفاظت از میراث فرهنگی، تنها وظیفه‌ی دولت‌ها نیست؛ بلکه یک مسئولیت اجتماعی عمومی است که پیوندهای میان جوامع عضو اکو را، فارغ از رویدادهای سیاسی جاری، همچنان زنده و پویا نگاه می‌دارد.

## روایت مشترک؛ گام راهبردی ترکیه و آذربایجان در سینما

در ماه مارس، تفاهم‌نامه‌ی تولید مشترک مجموعه‌های مستند تاریخی میان نهادهای رسانه‌ای ترکیه و جمهوری آذربایجان به امضا رسید. هدف این پروژه، روایت تاریخ مشترک منطقه و معرفی چهره‌های تأثیرگذار تمدنی برای مخاطبان جهانی است. این حرکت، نشان‌دهنده گذار منطقه از حوزه‌ی «فرهنگ موزه‌ای» به سمت «صنایع خلاق فرهنگی» برای تأثیرگذاری بین‌المللی است. این اتحاد سینمایی، یک استراتژی هوشمندانه

برای حضور در بازار جهانی رسانه است. ترکیه و جمهوری آذربایجان با این کار، در حال ایجاد یک «برند فرهنگی مشترک» هستند که می‌تواند در آینده به یک پلتفرم تولید محتوای منطقه‌ای تبدیل شود؛ الگویی که در آن، هنر نه تنها ابزاری برای سرگرمی، بلکه بازویی برای پیشبرد دیپلماسی نرم و نفوذ فرهنگی کشورهای عضو اکو در عرصه بین‌الملل است.

## هنر در خدمت بقا؛ جشنواره‌ی بین‌المللی لاهور و دیپلماسی محیط‌زیستی

جشنواره‌ی بین‌المللی هنرهای محیطی در لاهور که در آوریل ۲۰۲۶ با تمرکز بر چالش‌های تغییرات اقلیمی برگزار شد، نمونه‌ای موفق از پیوند میان هنر، محیط‌زیست و همکاری‌های منطقه‌ای بود. حضور هنرمندان کشورهای عضو اکو در این رویداد، ثابت کرد که چالش‌های محیط‌زیستی، زبان مشترکی برای گفتگو ایجاد کرده‌اند که فراتر از مرزهای سیاسی، ملت‌ها را در برابر بحران‌های آتی منطقه‌ای متحد می‌کند.

این جشنواره، اهمیت «دیپلماسی اقلیمی» را در ویتترین فرهنگی پاکستان برجسته کرد. با تبدیل کردن بحران‌های طبیعی به سوزهای هنری، این رویداد بستری فراهم کرد تا هنرمندان اندیشمندان و سیاست‌گذاران در فضایی غیررسمی برای یافتن راه‌حل‌های مشترک زیست‌محیطی گرد هم آیند.

به مرکز اصلی جشن‌های منطقه تبدیل شد. در اپریل ۲۰۲۶، «روز پایتخت» با برنامه‌های فرهنگی، کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها و مارا تن بین‌المللی برگزار شد. این رویداد شامل مراسم تقدیر از برگزیدگان فرهنگی و هنری نیز بود.



همچنین نمایشگاه «میراث استاد» از ۱۳ مارچ تا ۱۲ اپریل در موزه ملی قزاقستان برگزار شد و ۶۰ اثر تاریخی از قرن ۱۸ تا ۲۰ را به نمایش گذاشت.

### قرقیزستان- برگزاری جشنواره بین‌المللی فرانکوفونی

از ۲۵ مارچ تا ۱۲ اپریل ۲۰۲۶، جشنواره Francophonie Spring در بیشکک و اوش برگزار شد. این جشنواره شامل کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها، جشنواره فیلم فرانکوفون، کارگاه‌های هنری و برنامه‌های دانشگاهی بود.

در اوش نیز از ۲۷ تا ۲۸ اپریل برنامه‌هایی شامل کنسرت پیانیست فرانسوی «کریستین فونلوپ»، نمایش فیلم و نشست‌های فرهنگی برگزار شد.

### پاکستان - رویدادهای فرهنگی و ادبی در آستانه بهار

در مارچ ۲۰۲۶، پاکستان شاهد مجموعه‌ای از جشنواره‌های فرهنگی و ادبی بود. جشنواره ادبی لاهور و جشنواره صنایع‌دستی Lok Mela از مهم‌ترین برنامه‌های فرهنگی این دوره بودند.

در اپریل ۲۰۲۶ نیز نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌های فرهنگی در شهرهای مختلف برگزار شد، از جمله Sustainable Destinations Forum در کراچی (۳-۵ اپریل) و Forum Pakistan Minerals Investment در اسلام‌آباد (۸-۹ اپریل).

### تاجیکستان- میزبانی جشن‌های بین‌المللی نوروز و روز پایتخت

در مارچ ۲۰۲۶، دوشنبه میزبان جشن‌های بین‌المللی نوروز بود. طبق گزارش یورونیوز، شهر با اجرای موسیقی، رقص‌های محلی و سفره‌های نوروزی

در ماه مارچ نیز جشن‌های نوروز در سراسر کشور برگزار شد و برنامه‌های موسیقی، نمایشگاه‌های صنایع‌دستی و رویدادهای مردمی فضای فرهنگی پایتخت را پررنگ‌تر کرد.

### ایران- آسیب گسترده به میراث فرهنگی در پی حملات نظامی

در مارچ و اپریل ۲۰۲۶، حملات آمریکا و اسرائیل موجب تخریب گسترده زیرساخت‌های فرهنگی ایران شد. طبق گزارش الجزیره، ۵۶ سایت میراث فرهنگی، ۳۰ دانشگاه و ۵۵ کتابخانه آسیب دیده‌اند و مقامات ایرانی این حملات را «تلاش برای نابودی هویت فرهنگی» توصیف کرده‌اند.

تهران‌تایمز نیز گزارش داد که بیش از ۱۲۰ سایت میراث فرهنگی از جمله کاخ گلستان، نقش جهان و چهل‌ستون آسیب دیده‌اند. پژوهشگران بین‌المللی این حملات را «تهدیدی علیه حافظه جمعی بشریت» دانسته‌اند.

### قزاقستان- جشن‌های نوروز و برنامه‌های فرهنگی بهاری

در مارچ ۲۰۲۶، قزاقستان جشن‌های نوروز را در سراسر کشور برگزار کرد. طبق گزارش Astana Times، از ۲۱ تا ۲۵ مارچ برنامه‌هایی شامل نمایشگاه صنایع‌دستی، کنسرت‌ها و مسابقات ورزشی سنتی در آستانه اجرا شد.

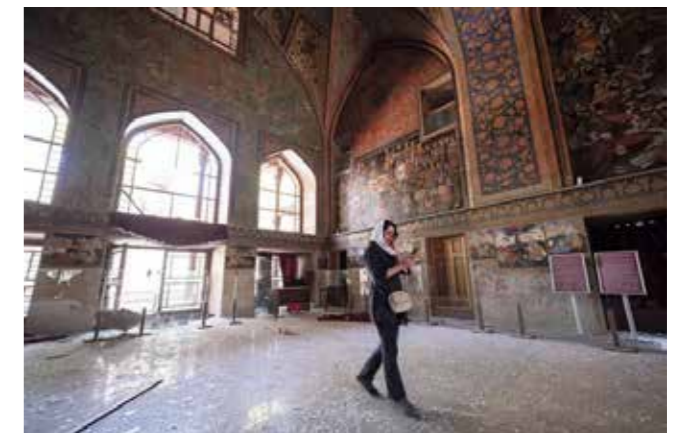


### افغانستان- جشن‌های نوروز و عید در دیاسپورا؛

در مارچ ۲۰۲۶، جشن‌های نوروز و عید فطر در میان جوامع مهاجر افغان در اروپا، استرالیا و کانادا با شکوه برگزار شد. گزارش ADN نشان می‌دهد که این مراسم به نمادی از «حفظ هویت فرهنگی» تبدیل شده‌اند.

### جمهوری آذربایجان- رویدادهای هنری و جشن‌های نوروز در باکو

در اپریل ۲۰۲۶، باکو میزبان مجموعه‌ای از رویدادهای هنری از جمله کنسرت‌های «Old City Jazz Nights» و اجرای اپرای «Arshin Mal Alan» بود که با استقبال گسترده مردم و گردشگران همراه شد.



## ترکمنستان- برنامه گسترده رویدادهای فرهنگی اپریل ۲۰۲۶

طبق گزارش خبرگزاری رسمی ترکمنستان، در اپریل ۲۰۲۶ مجموعه‌ای از رویدادهای فرهنگی شامل نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها، جشنواره‌ها و کنسرت‌های ملی برگزار شد. مهم‌ترین آن‌ها نمایشگاه و کنفرانس بین‌المللی



### ترکیه- فصل پررونق جشنواره‌ها و رویدادهای هنری استانبول

در مارچ ۲۰۲۶، استانبول میزبان یکی از بزرگ‌ترین جشنواره‌های بین‌المللی تانگو یعنی Tango to Istanbul بود که شامل کارگاه‌ها، کنسرت‌ها و مسابقات جهانی بود. در اپریل ۲۰۲۶، چهل و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم استانبول از ۹ تا ۱۹ اپریل در چندین سالن شهر برگزار شد و گروه‌های هنری بین‌المللی در آن شرکت کردند.



Turkmentravel-۲۰۲۶ بود. همچنین کنسرت ارکستر سمفونیک کنسرواتوار ملی ترکمنستان در تئاتر ملی ماغتیمقلی اجرا شد و برنامه‌های مرتبط با «روز ملی اسب ترکمن» نیز برگزار گردید.



### ازبکستان- حضور پررنگ در هفته طراحی میلان و جشنواره‌های هنری

در اپریل ۲۰۲۶، ازبکستان برای نخستین بار با نمایشگاه بزرگ When Apricots Blossom در هفته طراحی میلان حضور یافت. این پروژه با تمرکز بر صنایع دستی و روایت‌های فرهنگی منطقه آرال ارائه شد.

همچنین از ۲۰ تا ۲۴ اپریل، جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی و صنایع دستی در تاشکند و چندین شهر دیگر برگزار شد که شامل نمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها، کنفرانس‌های علمی و برنامه‌های فرهنگی بود.



## تقویم رویدادهای فرهنگی ماه آینده - کشورهای عضو آکو

### جمهوری آذربایجان نمایشگاه بین‌المللی صنایع غذایی

۵ می ۲۰۲۶ - باکو

رویدادی بزرگ با حضور شرکت‌های متعدد از کشورهای مختلف که به معرفی محصولات غذایی، نوشیدنی‌ها و فناوری‌های مرتبط می‌پردازد. این نمایشگاه یکی از مهم‌ترین رویدادهای اقتصادی-فرهنگی منطقه است.

### هفته کشاورزی خزر

۵ می ۲۰۲۶ - باکو

نمایشگاهی تخصصی در حوزه کشاورزی، ماشین‌آلات، فناوری‌های نوین و امنیت غذایی که با مشارکت شرکت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برگزار می‌شود.

### قزاقستان

#### نمایشگاه دندان پزشکی قزاقستان

۱۲ تا ۱۴ می ۲۰۲۶ - آلماتی

نمایشگاهی تخصصی برای معرفی تجهیزات، ابزار و فناوری‌های دندان پزشکی با حضور شرکت‌های بین‌المللی.

#### نمایشگاه بین‌المللی سلامت قزاقستان

۲۰ تا ۲۲ می ۲۰۲۶ - آلماتی

بزرگ‌ترین رویداد حوزه سلامت و تجهیزات پزشکی در آسیای مرکزی که هر ساله با حضور شرکت‌های متعدد برگزار می‌شود.

#### نمایشگاه بین‌المللی زیبایی آسیای مرکزی

۲۸ تا ۳۰ می ۲۰۲۶ - آلماتی

نمایشگاهی ویژه محصولات آرایشی، مراقبتی و زیبایی با مشارکت برندهای منطقه‌ای و جهانی.

### قرقیزستان

#### جشنواره بین‌المللی شرداک (هنر نمادبافی)

۲۹ می ۲۰۲۶ - جلال‌آباد

جشنواره‌ای برای معرفی هنر سنتی نمادبافی، همراه با کارگاه‌ها، نمایشگاه صنایع دستی و اجراهای فرهنگی.

### ترکمنستان

#### روزهای اپرای تورکسوی

ماه می ۲۰۲۶ - عشق‌آباد

رویدادی فرهنگی با حضور خوانندگان اپرا از کشورهای ترک‌زبان، همراه با کنسرت ویژه بزرگداشت ۱۱۰امین سالگرد آهنگساز برجسته ترکمن، ولی مخادوف.

### ترکیه

#### جشنواره گردشگری و فرهنگی پاموک‌قلعه

۱۵ می ۲۰۲۶ - دنیزلی

جشنواره‌ای شامل اجراهای هنری، نمایشگاه‌های صنایع دستی و برنامه‌های فرهنگی مرتبط با منطقه تاریخی پاموک‌قلعه.

#### جشنواره موسیقی و هنر کاپادوکس

۲۲ می ۲۰۲۶ - کاپادوکیه

جشنواره‌ای بین‌المللی با محوریت موسیقی، هنرهای معاصر و اجراهای محیطی در مناظر طبیعی کاپادوکیه.

### ازبکستان

#### جشنواره بین‌المللی «بهار بویسون»

۱ تا ۷ می ۲۰۲۶ - بویسون، سرخان‌دریا

جشنواره میراث ناملموس شامل موسیقی محلی، آیین‌های سنتی، نمایشگاه صنایع دستی و اجراهای فرهنگی.

#### رالی بین‌المللی مویناک

۲۷ تا ۲۸ می ۲۰۲۶ - مویناک، قره‌قالپاقستان

مسابقه اتومبیل‌رانی در مسیرهای دشوار فلات اوست‌یورت با حضور شرکت‌کنندگان بین‌المللی.

# تفویت و توسعه میراث مشترک فرہنگی کشورهای عضو اکو



ناشر: مؤسسہ فرہنگی اکو (ECI)  
آژانس تخصصی سازمان همکاری اقتصادی (ECO)

ایران، تہران، اقدسیہ، خیابان شہید موحد دانش، کوچہ باقرالنمر، پلاک ۱۰

